



بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر

الگوی مصرف خانوارها

زهرارضایی قمرودی
تابان باغ‌فلکی



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آمار

زمستان ۱۳۹۲

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

هنگام ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی هر کشور، شناخت ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی در گروه‌های مختلف هزینه و درآمد و نیز تغییرات ناشی از اعمال سیاست‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ در کشور برای کاهش نابرابری‌های موجود و افزایش عدالت در توزیع منابع مالی از جمله برنامه‌های اقتصادی است که انتظار می‌رود تأثیر معنی‌داری بر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارها داشته باشد. از این رو تحلیل داده‌های هزینه و درآمد خانوارها با هدف شناسایی تغییرات تدریجی که در توزیع هزینه‌ای برخی اقلام اصلی خانوارهای شهری و روستایی کشور رخ داده است، به‌عبارت دیگر بررسی تأثیر اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر اقتصاد خانوارها (به ویژه خانوارهای فقیر در دهک‌های درآمدی پایین) ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهشکده‌ی آمار با توجه به رسالت خود در زمینه‌ی اجرای طرح‌های پژوهشی با هدف تولید شاخص‌ها و اطلاعات مورد نیاز نظام آماری کشور، اجرای طرح پژوهشی «بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها» را در دستور کار خود قرار داد. اجرای این طرح از تیر ۱۳۹۲ آغاز شد و گزارش نهایی آن اکنون در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. این پژوهش در گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده‌ی آمار با همکاری خانم‌ها دکتر زهرا رضایی قهرودی و دکتر تابان باغ‌فلکی به انجام رسیده است، که بدین وسیله از ایشان صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین از همکاری جناب آقای دکتر ایوب فرامرزی مدیر محترم گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده‌ی آمار برای ارائه‌ی پیشنهادهای ارزشمند ایشان تشکر و قدردانی می‌شود. پژوهشکده‌ی آمار در انجام این بررسی از همکاری‌های صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) و برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد (UNDP) بهره برده است که از آن سازمان‌ها نیز صمیمانه تشکر می‌شود. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود، نظرات اصلاحی خود در ارتباط با محتوای مجموعه‌ی حاضر را به گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده‌ی آمار منعکس نمایند.

گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری

پژوهشکده‌ی آمار

فهرست

فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- اهداف و ضرورت	۳
۳-۱- تعاریف و مفاهیم	۴
۴-۱- شاخص‌ها	۵
فصل دوم: مطالعات تطبیقی	۷
۱-۲- تجربه‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران	۷
۲-۲- تجربه هدفمند کردن یارانه‌ها در دیگر کشورها	۱۱
فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش	۲۱
۱-۳- معرفی طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی	۲۱
۲-۳- تحلیل توصیفی داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار	۲۳
۳-۳- رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس معادلات هم‌زمان	۶۱
۴-۳- تحلیل توصیفی داده‌های مشترک دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰	۷۱
فصل چهارم: نتیجه‌گیری	۷۹
مرجع‌ها	۸۹
پیوست	۹۱

فهرست جدول‌ها

- جدول ۳-۱- متوسط هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP (ریال) ۲۹
- جدول ۳-۲- متوسط نرخ رشد هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP (درصد) ۳۰
- جدول ۳-۳- درصد تغییرات مقدار مصرف خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP ۳۱
- جدول ۳-۴- سهم انواع هزینه‌های اسمی ناخالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی از هزینه‌ی کل به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۳۲
- جدول ۳-۵- سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۵
- جدول ۳-۶- سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک درآمدی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ ۴۲
- جدول ۳-۷- سهم درآمد هر استان از درآمد به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۱
- جدول ۳-۸- سهم هزینه ناخالص کل هر استان از هزینه ناخالص کل به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۲
- جدول ۳-۹- سهم هزینه‌های ناخالص خوراکی (داخل منزل) و دخانی هر استان از هزینه‌های ناخالص خوراکی (داخل منزل) و دخانی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۳
- جدول ۳-۱۰- سهم هزینه‌های ناخالص غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل) هر استان از هزینه‌های ناخالص غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل) به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۴
- جدول ۳-۱۱- سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی هر استان از هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۵
- جدول ۳-۱۲- سهم هزینه‌های بهداشت و درمان هر استان از هزینه‌های بهداشت و درمان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۶

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

جدول ۳-۱۳- سهم هزینه‌های حمل و نقل هر استان از هزینه‌های حمل و نقل به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۷

جدول ۳-۱۴- سهم متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در هر استان از متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۵۹

جدول ۳-۱۵- سهم متوسط درآمد هر خانوار در هر استان از متوسط درآمد هر خانوار در کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۶۰

جدول ۳-۱۶- متغیرهای کمکی و کدهای مربوط به آن‌ها ۶۲

جدول ۳-۱۷- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد کل خانوارهای شهری ۶۴

جدول ۳-۱۸- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد کل خانوارهای روستایی (مقادیری که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است) ۶۵

جدول ۳-۱۹- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد خانوارهای دو دهک اول شهری (مقادیری که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است) ۶۶

جدول ۳-۲۰- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد خانوارهای دو دهک اول روستایی (مقادیری که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است) ۶۷

جدول ۳-۲۱- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی هزینه (نقاط روستایی) ۷۲

جدول ۳-۲۲- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی درآمد (نقاط روستایی) ۷۲

جدول ۳-۲۳- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی هزینه (نقاط شهری) ۷۳

جدول ۳-۲۴- توزیع خانوارهای شهری مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی درآمد (نقاط شهری) ۷۳

جدول ۳-۲۵- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی مشترک طی دو سال متوالی بر اساس هزینه‌های سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال) ۷۵

جدول ۳-۲۶- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی مشترک طی دو سال متوالی بر اساس هزینه‌های سال ۱۳۸۹ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال) ۷۵

جدول ۳-۲۷- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری مشترک طی دو سال متوالی بر اساس هزینه‌های سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال) ۷۶

فهرست جدول‌ها

ج

- جدول ۳-۲۸- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری مشترک طی دو سال متوالی بر اساس هزینه‌های سال ۱۳۸۹ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال) ۷۶
- جدول ۳-۲۹- متوسط هزینه و نرخ رشد هزینه ناخالص خانوارها در دهک‌های وزنی هزینه‌ای ۷۷
- جدول ۳-۳۰- متوسط درآمد نرخ رشد درآمد خانوارها در دهک‌های وزنی درآمدی (هزار ریال) ۷۷

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۲- روابط در نظر گرفته شده توسط معادلات فن و همکاران (۲۰۰۷) ۱۴
- شکل ۲-۲- نسخه ساده شده‌ی مدل تحلیل شده توسط گارسیا و پین‌استراپ-اندرسن (۱۹۸۷) ۱۵
- شکل ۳-۲- روابط بین متغیرهای مدل رگرسیونی تحلیل شده توسط گارسیا و پین‌استراپ-اندرسن (۱۹۸۷) ۱۶
- شکل ۱-۳- منحنی لورنز ۳۳
- شکل ۲-۳- الگوی ضریب جینی، سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین و سهم هزینه بیست درصد فقیرترین جمعیت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۴
- شکل ۳-۳- سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۵
- شکل ۴-۳- سهم هزینه سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۶
- شکل ۵-۳- متوسط درآمد و هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار به تفکیک نقاط شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۳۶
- شکل ۶-۳- سهم هزینه‌های ناخالص خوراکی و غیرخوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۷
- شکل ۷-۳- سهم برخی از ریز هزینه‌های ناخالص خوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۸
- شکل ۸-۳- سهم برخی از هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۸
- شکل ۹-۳- سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۳۹

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

- شکل ۳-۱۰- متوسط درآمد سالانه یک خانوار در هر یک از دهک‌های درآمد سالانه به تفکیک نقاط شهری و روستایی
 ۴۰
- شکل ۳-۱۱- توزیع سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک درآمدی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال
 ۱۳۹۰ ۴۲
- شکل ۳-۱۲- سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه در نقاط روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا
 ۱۳۸۹ ۴۴
- شکل ۳-۱۳- سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه در نقاط شهری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا
 ۱۳۸۹ ۴۵
- شکل ۳-۱۴- الگوی هزینه‌ی حقیقی خانوارهای شهری و روستایی در بخش‌های مختلف هزینه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۷
 تا ۱۳۹۰ (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۱) ۴۶
- شکل ۳-۱۵- سهم درآمد نقاط شهری هر استان از درآمد کل نقاط شهری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۴۷
- شکل ۳-۱۶- سهم درآمد نقاط روستایی هر استان از درآمد کل نقاط روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ ۴۸
- شکل ۳-۱۷- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به کل خانوارهای شهری ۴۹
- شکل ۳-۱۸- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به کل خانوارهای روستایی ۴۹
- شکل ۳-۱۹- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به خانوارهای دو دهک اول شهری ۷۰
- شکل ۳-۲۰- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به خانوارهای دو دهک اول روستایی ۷۰
- شکل ۳-۲۱- توزیع هزینه‌ی ناخالص خانوارهای روستایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول و دهم قرار داشته است و در
 سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جایجا شده‌اند ۷۵
- شکل ۳-۲۲- توزیع هزینه‌ی ناخالص خانوارهای شهری که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول و دهم قرار داشته است و در
 سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جایجا شده‌اند ۷۶

فصل ۱

کلیات

۱-۱ - مقدمه

در برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اکثر کشورها طراحی یک نظام حمایتی از جمله اولویت‌ها است. در طراحی این نظام معمولاً پرداخت یارانه‌ها به عنوان یک روش حمایتی مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا سیاست‌های حمایتی باید به شکلی باشد که امنیت غذایی خانوارها، کاهش فقر و سایر اهداف را تأمین کند و در تعارض با کارایی تخصیص منابع، فشار کسری بودجه و ... قرار نگیرد. در این ارتباط سه مسئله باید حل شود. اول، شناسایی خانوارهای لازم‌الحمايه دوم، تعیین اقلامی که شایستگی قرار گرفتن در بسته حمایتی را دارد سوم، انتقال حمایت‌ها به نحوی که منافع برنامه متوجه اقشار کم درآمد شود و قشرهای با درآمد بالا ضمن آن که در تأمین هزینه‌های برنامه مشارکت دارند، از منافع آن بهره‌مند نگردند.

در تمامی کشورهای جهان از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها ایجاد رفاه عمومی به طور عام و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به طور خاص می‌باشد. لذا دولت‌ها به منظور دستیابی به اهداف فوق، علاوه بر پرداختن به امور تأمین اجتماعی، از یارانه که یکی از ابزارهای تأمین اجتماعی است بهره می‌گیرند. در دولت‌های نفتی و متکی به منابع طبیعی، آسان‌ترین روش یعنی پرداخت یارانه عام را دنبال نموده‌اند که بعضاً به دلیل واقعی نبودن قیمت کالاهای یارانه‌ای مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است.

با توجه به این که در کشور ما سالانه مبالغ زیادی در قالب یارانه‌های غیرمستقیم پرداخت می‌شد و نظام پرداخت آن دارای نواقص بسیاری بود، دولت برآن شد به منظور کم کردن مشکلات اقتصادی مردم، سیستم پرداخت یارانه‌ها را اصلاح کند.

یارانه به معنی کمک رایگان و اعانه (مالی) دولت به مردم در زمان‌های خاص می‌باشد. به عبارت دیگر یارانه عبارت است از نوعی حمایت دولت از قشر خاص در زمان‌های خاص به منظور تأمین رفاه اجتماعی یا توسعه ملی از طریق کاهش هزینه‌ها و یا پایین آوردن قیمت تمام شده یک کالا از محل خزانه‌ی دولت و هر

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

آنچه که می‌تواند به خزانه دولت به صورت نقدی و یا جنسی به خانوارها و تولیدکنندگان کالا و خدمات واریز گردد.

یارانه مستقیم نقدی یارانه‌ایی است که به صورت پرداخت نقدی و به منظور افزایش درآمد خانوارهای هدف اعمال می‌شود.

یارانه مستقیم ارزشی یارانه‌ایی است که به صورت اعطای کالا برگ با ارزش خاص برای مصارف خاص به خانوارهای هدف پرداخت می‌شود.

یارانه غیر مستقیم، یارانه‌ایی است که به صورت تعیین قیمت کالا و خدمات به میزانی کمتر از قیمت واقعی آن تعیین و اعمال می‌شود و اصولاً مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد.

اهمیت و فواید پرداخت یارانه در تمامی کشورهای جهان، صرف‌نظر از حیطه‌های حاکمیتی و تصدی‌گری، به منظور تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی جامعه، دولت‌ها را ناچار به مداخله در برخی امور و اتخاذ سیاست‌های خاص و استفاده از ابزارهای مناسب می‌کند. این مداخله گاهی در راستای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی مانند تولید و مصرف محصولات داخلی یا صادرات بوده و گاهی در حوزه سیاست‌های اجتماعی اعمال می‌شود که معمولاً با هدف رفاه عمومی به طور اعم و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر به‌طور اخص برقرار می‌شود.

پرداخت یارانه در کشور ما ده‌ها سال است که به عنوان یک اقدام حمایتی در حال اجرا است. اصلی‌ترین اهداف پرداخت یارانه در کشور را می‌توان حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها دانست، اگرچه مواردی نظیر حمایت از تولید و صادرات، تأمین امنیت غذایی و موارد دیگر نیز به میزان کمتری مورد توجه بوده‌اند ولی تداوم این وضعیت در دهه‌های اخیر، گذشته از بار مالی فزاینده این یارانه‌ها که به نوبه خود موجب افزایش هزینه دولت و کسری بودجه و تورم گردیده، هزینه‌های هنگفت بر اقتصاد کشور تحمیل نموده است.

با توجه به اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ در کشور، این پژوهش به دنبال تأثیر اجرایی شدن این طرح بر اقتصاد خانوارها به ویژه خانوارهای فقیر (دهک‌های درامدی پایین) است. همچنین در این طرح پژوهشی به بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر هزینه‌های حامل‌های انرژی، دارو، مسکن، نان و ... پرداخته شده است. داده‌های مورد استفاده برای این بررسی داده‌های سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران است.

در این طرح پژوهشی پس از بیان تجربه هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران و برخی کشورها از جمله هند، برزیل، فیلیپین، مصر، مالزی، کلمبیا و مالووی و همچنین بررسی برخی مقالات در فصل دوم، به روش‌شناسی این پژوهش در فصل سوم پرداخته شده است. در این فصل پس از معرفی اجمالی از طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، به تحلیل توصیفی داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ پرداخته شده است. در این تحلیل توصیفی به موضوعات و مباحثی از جمله متوسط هزینه و نرخ رشد هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک

خانوار شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه، نرخ تورم، درصد تغییرات مقدار مصرف طی دو سال متوالی، الگوی ضریب جینی، سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین و سهم هزینه بیست درصد فقیرترین جمعیت، سهم برخی از هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی از کل هزینه‌ها، متوسط درآمد سالانه یک خانوار در هر یک از دهک‌های درآمد سالانه، سهم هزینه‌های مختلف ناخالص در هر دهک وزنی، توزیع سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک درآمدی، سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه در نقاط روستایی و شهری پرداخته شده است. همچنین به بررسی الگوی هزینه‌های اسمی و حقیقی خانوارهای شهری و روستایی قبل و پس از تورم‌زدایی براساس قیمت ثابت سال ۱۳۸۱ در بخش‌های مختلف هزینه‌ای از جمله کل هزینه‌ها، هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی، هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، حمل و نقل، و ... طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ پرداخته شده است. به منظور بررسی الگوی هزینه و درآمد در استان‌ها، الگوی سهم هزینه و درآمد هر استان از هزینه و درآمد کل کشور و طبقه‌بندی استان‌ها از لحاظ بالا بودن سهم هزینه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین به منظور رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس متغیر درآمد و هزینه به‌طور هم‌زمان و در نظر گرفتن متغیرهای کمکی و همچنین در نظر گرفتن ساختار همبستگی بین استان‌ها، از معادلات اثرات تصادفی هم‌زمان برای داده‌های هزینه و درآمد سال ۱۳۹۰ استفاده شده است.

از آن‌جا که الگوی طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی از سال ۱۳۸۹ به بعد به صورت چرخشی تغییر یافته است، در این طرح پژوهشی تحلیلی بر اساس خانوارهای مشترک بین دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ صورت گرفته است. در این بخش علاوه بر بررسی وضعیت جابه‌جایی خانوارهای نمونه‌ی مشترک شهری که طی دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ از دهک‌های وزنی هزینه‌ای و درآمدی جابه‌جا شده‌اند یا در همان دهک باقی مانده‌اند، به بررسی متوسط هزینه‌ی خانوارهای مختلف در دهک‌های مختلف طی دو سال پرداخته شده است. همچنین توزیع هزینه‌ی خانوارهای شهری و روستایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول و دهم قرار داشته‌اند و در سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جابه‌جا شده‌اند نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم این طرح پژوهشی نیز به بیان نتایج حاصل از این پژوهش پرداخته شده است.

۱-۲- اهداف و ضرورت

اصولاً یکی از اساسی‌ترین مطالعات آماری که به منظور ارزیابی برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در اغلب کشورهای جهان صورت می‌گیرد، بررسی بودجه‌ی خانوار است. از طریق این بررسی می‌توان به چگونگی توزیع هزینه‌ها و درآمدهای خانوارها و روند تغییرات آن‌ها در طی دوران زندگی افراد و یا خانوارها پی برد.

آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور که یکی از منابع غنی اطلاعاتی در زمینه‌ی مطالعات اقتصادی و اجتماعی خانوارها است، از جمله طرح‌هایی است که از سال ۱۳۴۲ تاکنون هر ساله در مرکز آمار ایران اجرا می‌شود. با توجه به اینکه اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها از سال ۱۳۸۹ به بعد دستاوردهای مهمی را برای اقتصاد ایران در برداشته که مهم‌ترین آنها اصلاح الگوی مصرف انرژی و بهبود

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

توزیع درآمد و افزایش رفاه گروه‌های پایین درآمدی است، بنابراین تحلیل داده‌های هزینه و درآمد خانوار و بررسی الگوی رفتار مصرفی خانوارها با هدف شناخت الگوی تغییر تدریجی توزیع اقلام هزینه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، از اهداف اصلی این طرح پژوهشی است. همچنین در این طرح پژوهشی به بررسی تغییر تدریجی توزیع هزینه‌ای برخی اقلام اصلی هزینه‌ای مانند خوراک، آموزش، بهداشت، ارتباطات، تفریحات، مسکن و ... در دهک‌های هزینه‌ای اصلی پرداخته شده است.

مهم‌ترین اهداف این طرح عبارتند از:

- شناسایی الگوها و رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی و مطالعه روند تغییرات آن‌ها طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰
- مقایسه‌ی ضریب جینی به تفکیک نقاط شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰
- بررسی الگوی هزینه و درآمد خانوارها و
- تعیین سهم هزینه‌های مختلف از هزینه‌ی کل خانوارها و اطلاع از چگونگی مصرف در بین طبقات مختلف جامعه
- بررسی سهم هزینه و درآمد هر استان از هزینه و درآمد کل کشور
- رتبه‌بندی استان‌ها براساس درآمد و هزینه، ویژگی‌های جمعیتی و ساختار همبستگی بین استان‌ها
- بررسی توزیع سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در دهک‌های درآمدی به تفکیک نقاط شهری و روستایی

۱-۳- تعاریف و مفاهیم

خانوار (معمولی ساکن): خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه ثابت زندگی می‌کنند و با یکدیگر هم‌خرج هستند و به طور معمول با هم غذا می‌خورند. فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز، خانوار تلقی می‌شود.

سرپرست خانوار: سرپرست خانوار یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود.

درآمد: درآمد، تمامی وجوه و ارزش کالاهایی است که در برابر کار انجام شده یا سرمایه به کار افتاده و یا از طریق منابع دیگر (حقوق بازنشستگی، درآمدهای انتقالی و نظایر آن) در زمان آماری مورد نظر به خانوار تعلق گرفته باشد.

هزینه: ارزش پولی کالا یا خدمت تهیه شده توسط خانوار به منظور مصرف اعضا یا هدیه به دیگران، هزینه نامیده می‌شود. کالا یا خدمت تهیه شده می‌تواند از طریق خرید، تولید خانگی، در برابر خدمت، از محل کسب و مجانی (از سازمان‌ها) در اختیار خانوار قرار گیرد که به صورت پولی برآورد شده و جزو هزینه منظور می‌شود.

هزینه ناخالص: هزینه ناخالص عبارت از ارزش تهیه کالای مورد نظر بدون کسر فروش دست دوم از همان کالا است.

هزینه خالص: هرگاه ارزش کالای دست دوم فروش رفته از ارزش کالای مشابه خریداری شده، در دوره آماری کسر شود، باقی مانده، هزینه خالص خانوار در قلم مربوطه خواهد بود.

۱-۴- شاخص‌ها

شاخص انگل: سهم هزینه‌ی خوراکی به کل هزینه‌ها

سهم هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر از هر دهک وزنی: مجموع وزنی هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر همه خانوارها در هر دهک مورد نظر تقسیم بر مجموع وزنی کل هزینه ناخالص همه خانوارها بر حسب درصد

سهم هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر از هزینه‌ی کل در دهک مورد نظر: مجموع وزنی هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر در هر دهک مورد نظر تقسیم بر مجموع وزنی کل هزینه ناخالص خانوارها در دهک مورد نظر بر حسب درصد

سهم هزینه ناخالص سرانه‌ی دهک مورد نظر: مجموع وزنی هزینه ناخالص خانوارها در دهک سرانه‌ی هزینه‌ی ناخالص مورد نظر تقسیم بر مجموع وزنی هزینه‌ی ناخالص کل خانوارها

سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک وزنی درآمد: مجموع وزنی یارانه دریافتی همه خانوارها در هر دهک درآمدی تقسیم بر مجموع وزنی کل درآمد همه خانوارها در هر دهک مورد بررسی بر حسب درصد

ضریب جینی: یکی از شاخص‌های اقتصادی برای بررسی توزیع ثروت در میان مردم، شاخص جینی یا ضریب جینی است که بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی در کشور در نظر گرفته می‌شود. شاخص جینی از لحاظ ریاضیاتی معمولاً بر اساس منحنی لورنز تعریف می‌شود و نسبت مساحت بین خط برابری و منحنی لورنز و مساحت کل زیر خط برابری است.

نرخ تورم: نرخ تورم به مفهوم متوسط تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره خاص، بیانگر تغییر در هزینه پرداختی برای خرید سبد معینی از کالاها و خدمات مصرفی یا تولید سبد معینی از کالاها و خدمات می‌باشد. نزدیک‌ترین شاخص برای محاسبه نرخ تورم، شاخص قیمت بوده و به عنوان تقریب بسیار نزدیکی برای محاسبه نرخ تورم در اکثر کشورهای دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خانوار: معیار سنجش تغییرات متوسط قیمت تعداد معینی از کالاها و خدمات مورد مصرف خانوار نسبت به سال پایه، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یا شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی (CPI) نامیده می‌شود. این شاخص صرفاً تغییراتی را که در اثر تغییر قیمت در هزینه زندگی پدید می‌آید، مورد سنجش قرار می‌دهد. این شاخص را شاخص هزینه زندگی نیز می‌گویند.

فصل ۲

مطالعات تطبیقی

۱-۲- تجربه‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران

بر اساس اطلاعات سایت کمیته ملی هدفمندی یارانه‌ها از نگاه اقتصاددانان، قوانین و لوائح تصویب شده در دولت و مجلس، علاوه بر این که ابزاری برای حسن اداره‌ی کشور هستند، تابلویی از اندیشه‌های دولتمردان برای آینده را ترسیم می‌کنند. از این نگاه می‌توان طرح هدفمندی یارانه‌ها را در شمار اندیشه‌ها و آرزوهای دولتمردان برای نیل به فردای بهتر به حساب آورد.

در تاریخ مدیریت اقتصاد ایران، بحث اصلاح یارانه‌ها چند بار به عنوان راهی برای برون رفت از اقتصاد متکی به نفت مطرح شده است هم چنان که در تجربه‌ی سایر کشورها متناسب با شرایط خاص آنها، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. دست کم در سه دهه حیات جمهوری اسلامی موضوع هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مطرح شده است.

دولت دهم با اجرای این طرح در واقع به احیای یکی از قوانین بر زمین مانده همت گماشته است. البته تصمیم دولت دهم برای اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، این تفاوت را با طرح دولت‌های پیشین دارد که جهت‌گیری اصلی این طرح حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و رفع فاصله و شکاف طبقاتی میان فرادستان و فرودستان جامعه است. با این توصیف، سابقه‌ی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در قوانین کشور را در سه دهه مدیریت اقتصاد ایران مرور می‌کنیم.

طبق گفته‌ی مدیران سابق اقتصادی کشور، طی ۳۰ سال گذشته همواره مباحث مربوط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی از جمله موضوعات مهم و پرحاشیه بوده است. این مساله بارها در مراحل مختلف تا مرز تصمیم‌گیری نهایی پیش رفته و هر بار به دلیلی متوقف یا به طور ناقص به اجرا درآمده است. نخستین بار در برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۸ اصلاح قیمت انرژی گنجانده شد و در مجلس به تصویب رسید، اما در اجرا متوقف شد. در برنامه دوم توسعه، دولت اصلاح قیمت انرژی را پیشنهاد داد اما مجلس به دلایلی با آن موافقت نکرد. سرانجام در برنامه سوم توسعه دولت در ماده ۱۱۷ اصلاح قیمت انرژی را گنجانده که پس از

بحث‌های چالشی در مجلس حذف گردید. در ماده ۳ برنامه چهارم موضوع اصلاح قیمت انرژی و اصلاح رابطه مالی دولت و شرکت نفت مطرح شد که به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید، اما بعداً ماده ۳ دوباره در مجلس هفتم حذف شد.

بنابراین چنان که پیداست به طور مشخص طرح اصلاح یارانه‌ها اولین بار در برنامه سوم توسعه مطرح شد. ماده ۴۶ قانون برنامه سوم، دولت را مکلف کرده است تا پایان سال دوم برنامه سوم، مطالعات هدفمند کردن یارانه‌های حامل‌های انرژی، گندم، برنج، روغن نباتی، قند، شکر، پنیر، دارو، شیرخشک، کود، بذر و سم را انجام داده، از سال سوم برنامه اجرایی شود. همچنین ماده ۹۵ قانون برنامه سوم، دولت را مکلف کرده است از طریق هدفمند کردن یارانه‌ها و تخصیص برنامه‌های جامع، عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد و نیز قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت که در آن دولت مکلف شده است تا در جهت توسعه حمل و نقل درون شهری و برون‌شهری نسبت به بهینه‌سازی عرضه خدمات حمل و نقل، تولید خودرو و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی حداکثر از ابتدای سال ۱۳۹۱ اقدام کند.

البته در قانون برنامه توسعه سوم و چهارم، اصلاح یارانه‌ها هیچ‌گاه به صورت یک قانون مرجع و در سرلوحه تصمیم‌های دولت‌های وقت مطرح نشد. بلکه در حاشیه و کنار قوانین و تصمیم‌های اقتصادی دیگر ارائه گردید. این نکته بدون شک یکی از تفاوت‌های تصمیم دولت دهم با دولت‌های پیشین بوده است زیرا در این دوره طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان محور برنامه‌های دولت به منصف ظهور رسیده است.

دولت نهم بر این نکته در مقدمه برنامه تأکید ورزیده است که لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها را در راستای سیاست‌های کلی پیشرفت و عدالت و با هدف اصلاح ساختار اقتصاد و عادلانه ساختن توزیع درآمد در کشور، به مجلس تقدیم می‌کند. این هدف‌گذاری در اغلب مفاد ۱۶ گانه قانون هدفمندسازی نیز لحاظ شده است به ویژه آن‌جا که در ماده ۷، دولت خود را مکلف کرده است حداکثر تا پنجاه درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی با لحاظ کردن میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت کند یا آن‌که در قالب نظام جامع تأمین اجتماعی، به گسترش و تأمین بیمه‌های اجتماعی، خدمات درمانی، کمک به تأمین هزینه مسکن و اشتغال مبادرت ورزد.

این هدف‌گذاری‌ها موجب شد که دولت دهم به طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان پلی برای نیل به آرمان «جامعه عادلانه» نگاه کند. در حالی که در برنامه دولت‌های پیشین اصلاح یارانه‌ها به عنوان «محرکی برای توسعه» مطرح بود. ای بسا در متون این برنامه‌ها اشاراتی هم به بحث عدالت و فقرزدایی می‌شد اما روح برنامه‌های پنج ساله قبلی چنان که به برخی مفاد آن اشاره شد، طرح اصلاح قیمت‌ها را بدون چشم‌انداز توزیع عادلانه ثروت دنبال می‌کرد. شاید به همین دلیل عمر چند برنامه پنج ساله به سر آمد بی آن‌که طرح اصلی متولیان این برنامه‌ها برای اصلاح قیمت‌ها جامه عمل بپوشد.

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «بررسی ابعاد و پیامدهای اجرایی هدفمند کردن یارانه‌ها» با اشاره به اهداف پنج‌گانه لایحه‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها شامل اجرای عدالت و رفع تبعیض، شفاف‌سازی اقتصادی، دادن فرصت مدیریت درست، اصلاح الگوی مصرف و قیمت‌ها، کاهش وابستگی به نفت و افزایش

فعالیت‌های عمرانی به تعاملاتی از جنس تعاملاتی که نمایندگان مجلس در مواجهه با چنین لوایح مهمی داشته‌اند پرداخته است.

در این مقاله به برخی از پیامدهای اقتصادی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به شرح زیر اشاره شده است:

۱. افزایش قیمت نهاده‌های تولید
۲. ظهور و بروز تورم
۳. احتمال افزایش تقاضای کل
۴. افزایش هزینه دولت در مصرف انرژی
۵. دوران تورمی و کاهش تولیدات
۶. دارائی‌های صاحبان درآمدهای متغیر
۷. انتقال هزینه‌های تحمیل شده طبقات بالای درآمدی به دیگران
۸. توزیع مجدد درآمد و دریافتی‌های نسبی
۹. روی آوردن به مشاغل و فعالیت‌های غیر استاندارد

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود اشاره می‌کند که سیاست‌های همراه با شوک دارای چند ویژگی است که یکی از آنها واکنش‌های اجتماعی است. جامعه‌شناسان معتقدند که شوک‌های اقتصادی و سیاسی باید در بستری از آرامش و سکون در جامعه وارد شود. در این صورت است که انتظار می‌رود اثر دفعی اجرای طرح قابل کنترل باشد. ایشان در مقاله‌ی خود به برخی از اشکالات و نگرانی‌های ناشی از اجرای این طرح در حوزه مسائل اجتماعی اشاره کرده است.

۱- در شرایط یک اقتصاد مصرف زده، پرداخت نقدی یارانه، صرف کالاهای غیرضرور یا پر کردن خلاهای هزینه‌ای خانوار می‌شود و اگر این کار همراه با کاهش یارانه کالاهای اساسی باشد، منجر به کاهش مصرف کالاهای اساسی می‌شود و این موضوع می‌تواند از منظر به خطر انداختن سلامت جامعه قابل توجه باشد.

۲- پرداخت نقدی یارانه‌ها در جامعه‌ای که دچار فشار تقاضا است، می‌تواند سازوکار هزینه خانوار را به هم بریزد. افزایش درآمد بدون کار صورت گرفته می‌تواند منشا یک نابسامانی در هزینه‌های خانواده باشد. از این بابت تأکید می‌شود که رشد درآمدی هر خانواری بایستی به صورت تدریجی و متناسب با کار انجام شده و همراه با سطح برخورداری‌های فرد یا خانوار انجام شود. در غیر این صورت نحوه هزینه کردن درآمد اضافه، هم برای خانواده و هم جامعه مضر است.

۳- الگوی مصرف بایستی بر مبنای الگوی درآمدی یک خانوار تعریف شود. همواره تغییرات در الگوی مصرفی پس از تغییرات الگوی درآمدی و با یک اختلاف فاز منطقی صورت می‌گیرد. با این مختصر اگر الگوی مصرفی یک خانوار بیش از الگوی درآمدی تغییر کند می‌تواند یک تهدید به حساب آید.

۴- یکی از آثار اجتماعی نقدی‌سازی یارانه‌ها تغییر فرهنگ کار است. یارانه نقدی پرداختی در تعدادی از دهک‌ها از درآمد طبیعی و ماهانه یک خانوار بیشتر است. از این رو ممکن است با پرداخت

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

مستقیم یارانه به نوعی تن‌پروری و فرار از کار در این خانوارها ایجاد شود که می‌تواند از حیث اجتماعی و اقتصادی بسیار نگران‌کننده باشد.

۵- افزایش درآمد خانواده باعث می‌شود تا سطح توقع اعضای خانواده بالا برود. این در حالی است که این افزایش درآمد با تورم از بین می‌رود.

هر چند اجرای هر برنامه و سیاستی که ماهیتی ملی و جراحی‌گونه در اقتصاد دارد با این نوع پیامدهای احتمالی مواجه خواهد بود اما باید تلاش نمود تا با توجه به ملاحظات اجرایی آن در اقدام به این نوع برنامه‌های بزرگ که منجر به بهبود فرایند کلی اقتصاد در جامعه می‌شود تردیدی به خود راه نداده بلکه با استفاده از نظر کارشناسان در امر اجرا و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر که به نوعی اقدام به این نوع جراحی‌ها نموده‌اند تبعات احتمالی آن را به حداقل رسانند.

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که پرداخت یارانه‌ها در اقتصاد ایران در روش سابق ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی است و فراهم کردن شرایط زندگی آسان‌تر برای عامه مردم با اصلاح آن امکان‌پذیر است. دولت‌های سابق (قبل از دولت نهم) نیز بارها و بارها مطرح کردند که سیستم اقتصادی نیاز به اصلاح دارد، اما هیچ اندازه‌گیری عملی در این راستا انجام نشد. یکی از اهداف دولت‌های نهم و دهم ایجاد تغییرات اساسی در اقتصاد ایران و مصمم به اجرای اصلاحات ساختاری جدی در این رابطه بود. مقصودی و توحیدی (۲۰۱۲) به بررسی دیدگاه‌های مختلف و مدل‌های هدفمندی یارانه‌ها در ایران پرداختند. آنها اشاره کردند که اقتصاد ایران از مشکلات مزمن در طول دهه‌ها رنج می‌برد و با وجود این‌که دولت‌های قبلی نیز به این مشکلات اذعان داشتند، اما تا زمان دولت نهم هیچ اقدام جدی برای اصلاحات اقتصادی انجام نشد. با آگاهی از مشکلات اساسی اقتصاد در کشور، طراحی یک طرح اولیه برای اصلاحات اقتصادی که بخشی از آن طرح جامع هدفمندی یارانه بود، انجام شد. طرح هدفمندی یارانه‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین برنامه در میان برنامه‌های اقتصادی دولت در سال ۲۰۱۰، با هدف مردم‌محوری انجام شد.

گیلام و همکاران (۲۰۱۱) ضمن اشاره به کاهش قابل ملاحظه یارانه انرژی در ایران، به بررسی مسائل اقتصادی و فنی در برنامه‌ریزی و اجرای اولیه اصلاحات، از جمله چگونگی پرداخت یارانه به خانوارها و فعالیت‌های عمومی برای موفقیت در این طرح پرداختند. گزارش آنها شامل بررسی‌های انجام شده در طول چند ماه اول پس از شروع اصلاحات است که در آن خلاصه‌ای از آماده‌سازی برای اصلاحات، اجرای آن و سپس اجرای فوری سیاست‌ها و خطرات ناشی از آن ارائه شده است. در واقع هدف اصلی گیلام و همکاران (۲۰۱۱) مستندسازی اقدامات انجام شده توسط سیاست‌گذاران مختلف ایران و سازمان‌های اداری در طول آماده‌سازی و اجرای اصلاحات و تغییرات ساختاری است. از طرفی اصلاحات و سیاست‌های اقتصادی طولانی مدت ایران در طول چند سال گذشته و همچنین، سیاست‌های کلی اقتصاد کلان ایران (به طور خاص مالی، پولی و اعتباری و سیاست نرخ ارز) در دوره قبل از زمان اجرای اصلاحات یارانه و در ماه‌های پس از تعدیل قیمت مورد بحث نیست. در این مقاله با مروری کوتاه به نقش نفت در اقتصاد ایران به بحث در مورد اهداف اصلاحات و تئوری اقتصاد خرد در انتخاب مصرف‌کننده به عنوان زیر بنای اصلاحات پرداخته شده

است. سپس به توصیف روند سیاسی و بافت موجود که منجر به نقطه عطفی برای تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها در ژانویه ۲۰۱۰ شد، می‌پردازد. همچنین به بحث در مورد مسائل مطرح توسط مقامات در هنگام تصمیم‌گیری در زمان اولیه افزایش قیمت انرژی و ارائه یک نمای کلی از حساس‌ترین شرایط اقتصادی و اداری و اقدامات انجام شده توسط نهادهای مختلف اداری برای آماده‌سازی و پیاده‌سازی اصلاحات پرداخته شده است. در این مقاله به چالش‌های اصلی اقتصاد ایران، تنظیم قیمت‌های جدید انرژی و تغییر قابل توجه در توزیع درآمد و هزینه‌های جدید پرداخته شده است.

۲-۲- تجربه هدفمند کردن یارانه‌ها در دیگر کشورها

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حرکت از کشورهای کمتر توسعه یافته به سمت کشورهای در حال توسعه، در حال گذار و کشورهای با درآمد متوسط و توسعه یافته، پرداخت یارانه نقدی متداول‌تر است.

بر اساس تخمین سازمان جهانی کار در سال ۲۰۰۰، بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشورهای صنعتی از شکل خاصی از یارانه نقدی برخوردار بوده‌اند در حالی که در کشورهای آسیایی و آفریقایی تنها ۱۰ درصد جمعیت، یارانه نقدی دریافت می‌کنند. این رقم برای کشورهای آمریکای لاتین ۱۵ تا ۶۰ درصد، برای کشورهای با درآمد متوسط و شمال آفریقا ۲۰ تا ۲۵ درصد و برای کشورهای در حال گذار اروپای شرقی ۵۰ تا ۸۰ درصد جمعیت است.

در میان کشورهای در حال توسعه، تنها کشورهای معدودی، کمتر از یک درصد تولید ناخالص داخلی خود را به شکل نقدی در اختیار شهروندان بی‌بضاعت قرار می‌دهند، در حالی که این نسبت در کشورهای OECD به طور متوسط به ۸ درصد می‌رسد.

در کل، یارانه‌های نقدی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای در حال گذار و کشورهای توسعه یافته از حجم پایینی برخوردار است. مهم‌ترین دلیل این امر، محدودیت منابع دولتی در کشورهای در حال توسعه است. ضمن این‌که سیاستگذاران این کشورها اولویت خود را بیشتر بر هزینه‌های عمومی قرار می‌دهند که محدودیت‌های ساختاری رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و اولویت کمتری را به نظام‌هایی می‌دهند که منجر به تقویت تقاضای مصرف‌کننده و یا انتقال درآمد می‌شوند. (احمدی، ۱۳۸۸)

بعد از استقلال دولت هند در ۱۵ آگوست ۱۹۴۷، یارانه‌هایی بر بسیاری از صنایع و محصولات قرار داده شد. شرکت‌های دولتی زیان‌ده توسط دولت مورد کمک و حمایت قرار گرفتند و به کشاورزان دسترسی رایگان به برق داده شد. این در حالی است که در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۵ توسط تریبون خبری بین‌المللی^۱ ارائه شد، یارانه‌ها بالغ بر ۱۴٪ از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. از طرفی دولت هند یارانه‌های

^۱ International Herald Tribune

کمی را برای تحصیلات، بهداشت و زیرساخت‌ها^۱ در نظر گرفته است. بر اساس گزارش یونسکو، هند پایین‌ترین هزینه‌های عمومی در آموزش عالی به ازای هر دانش‌آموز در جهان را دارا است.

در کشور هند بر اساس پرداخت یارانه مستقیم نقدی به شرکت‌ها، مابه‌التفاوت بین قیمت بازار و قیمت یارانه، در قالب پول به‌طور مستقیم به ذینفع پرداخت می‌شود. در بودجه کل هزینه شده‌ی دولت در سال ۲۰۱۱، دولت سیستم پرداخت یارانه را تغییر داد به‌گونه‌ای که از آن به بعد یک پرداخت مستقیم یارانه به خانوارهای زیر خط فقر صورت می‌پذیرفت. این سیستم جدید منجر به تغییر سیستم موجود یارانه شد که در آن یارانه‌ها به‌طور غیر مستقیم به تولیدکنندگان به منظور عرضه کالاها به نرخ کمتر از بازار پرداخت می‌شود.^۲ علت تغییر در سیاست پرداخت یارانه، پاسخ‌گویی به کاستی‌های موجود زیر در سیستم سابق بوده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. قیمت‌گذاری دوگانه در بازار

۲. تحریف بازار

۳. عدم پاسخ به نیازهای مشتری

۴. هدف قرار دادن جمعیت زیر خط فقر

۵. انحراف و نشستی یارانه‌ها

۶. تحت بازیابی^۳ شرکت‌های تولیدی نفت^۴ (OMC) (ایده تحت بازیابی بسیار ساده است. فرض کنید که هزینه تولید یک واحد دیزل از نفت خام برای پالایشگر ۲ دلار باشد، که این هزینه شامل هزینه‌های نفت خام (که بخش عمده‌ای از هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد)، هزینه‌های تصفیه، نیروی انسانی و سایر هزینه‌های تأمین مالی باشد. اما با توجه به کنترل قیمت‌ها در بازار، شرکت‌های تولیدی نفت مجبور به فروش دیزل به قیمت ۱ دلار هستند. بنابراین فروش دیزل در قیمت‌های یارانه‌ای، کمتر از هزینه‌های تولید آن، به اندازه $1 = 2 - 1$ دلار است. اما فرض کنید که قیمت بازار جهانی دیزل ۴ دلار باشد. با وجود این که زیان برای شرکت‌های تولیدی نفت ۱ دلار بوده است، اما تحت بازیابی‌ای که دولت آن را محاسبه می‌کند $3 = 4 - 1$ دلار است. در رویکرد تحت بازیابی یعنی زمانی که یارانه حذف شود، فرض می‌شود که قیمت «درست» برای دیزل، قیمت بین‌المللی بازار است و مردم باید نرخ معادل هزینه واردات دیزل از بازار بین‌المللی و فروش آن را پرداخت کنند.

در این سیاست جدید، تولیدکنندگان و فروشندگان ملزم به فروش کالاها بر اساس قیمت بازار جهانی هستند. این سیاست نه تنها در قیمت‌گذاری دوگانه، تحریف بازار و نشستی یارانه تأثیرگذار است، بلکه هزینه

¹ Infrastructure

² Union Budget 2011

³ <http://www.kpmg.com/in/en/issuesandinsights/articlespublications/kbuzz/pages/gov.aspx>

⁴ under-recovery

⁵ Oil Manufacturing Companies

تحت بازیابی را نیز حذف می‌کند. با این وجود موفقیت اصلی این سیاست کمک به خانوارهای زیر خط فقر است.

چندین کشور از جمله جامائیکا، فیلیپین، ترکیه، شیلی، مکزیک، اندونزی، آفریقای جنوبی، مراکش و ایالات متحده آمریکا این سیستم را به صورت برنامه‌ی پرداخت مشروط یارانه نقدی اتخاذ کرده‌اند. در این برنامه به خانوارهای فقیر یارانه نقدی مستقیم به منظور بالا بردن سرمایه‌ی نیروی انسانی به شرط حضور منظم فرزندان خانوار در مدرسه، تغذیه‌های بنیادی و مراقبت‌های بهداشتی پرداخت می‌گردد.

بزرگترین و موفق‌ترین برنامه پرداخت مشروط یارانه نقدی در سال ۲۰۰۷ در برزیل انجام شد که نزدیک به صد درصد خانوارهای فقیر در برزیل را تحت پوشش قرار داد. تحت این برنامه، دولت پرداخت مشروط یارانه نقدی به خانوارها را به حضور در مدرسه، نظارت بر تغذیه، تست قبل و بعد از زایمان مشروط کرد و سیستم نیز به طور منظم نظارت و اداره می‌شد.

فن و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی یارانه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری زراعی در هند از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ پرداختند و یک چارچوب و مدل برای تشخیص اثر یارانه‌های مختلف و سرمایه‌گذاری‌ها بر رشد کشاورزی و کاهش فقر در هند ارائه دادند. فن و همکاران (۲۰۰۷) از یک سیستم چند معادله‌ای برای برآورد اثر سرمایه‌گذاری‌های دولتی و یارانه‌ها بر فقر استفاده کردند و یک روش درستی‌مابی ماکسیمم برای برآورد به کار گرفتند. ده معادله در این روش ارائه شده است. این معادلات عبارتند از:

- (1) $POVERTY = f_1(AY, AWAGES, NFE, TT)$
- (2) $AY = f_2(LAND, FERT, ROADS, LITE, IRRI)$
- (3) $AWAGES = f_3(UGDPP, AY, ELECT, ROADS, LITE)$
- (4) $NFE = f_4(UGDPP, AY, ELECT, ROADS, LITE)$
- (5) $TT = f_5(AY, WFPI, UGDPP)$
- (6) $FERT = f_6(FERTS, CRS, RDS, IRS, ELECT)$
- (7) $IRRI = f_7(IRI)$
- (8) $ELECT = f_8(ELECS)$
- (9) $ROADS = f_9(ROADI)$
- (10) $LITE = f_{10}(EDUI)$

معادله (۱) مدل‌های عوامل تعیین‌کننده نرخ فقر روستایی (P) است که به عنوان درصدی از ساکنان روستایی زیر خط فقر تعریف شده است. متغیرهای تبیینی و کمکی در معادله اول به عنوان معادله‌ی فقر شامل بهره‌وری نیروی کار کشاورزی (AY)، دستمزدهای کشاورزی (AWAGES)، درصد اشتغال در بخش غیر کشاورزی (NFE) و قوانین و مقررات تجارت (TT) در نظر گرفته شده است. معادله دوم تابع بهره‌وری نیروی کار است، که تابعی از زمین (LAND) و کود (FERT) برای هر کارگر، درصد مناطق قابل برداشت تحت آبیاری (IRRI)، نرخ سواد جمعیت روستایی (LITE) و تراکم جاده‌ها (راه‌ها) است. معادله (۳) تابع تعیین دستمزد است که دستمزد روستایی در کار کشاورزی با استفاده از بهره‌وری (AY)، برق (ELECT)،

جاده‌ها (راه‌ها)، و نرخ سواد (LITE) تعیین می‌شود. همچنین این معادله شامل رشد تولید ناخالص داخلی شهری (UGDPP) برای کنترل اثرات تقاضای نیروی کار شهری روی دستمزدهای روستایی است.

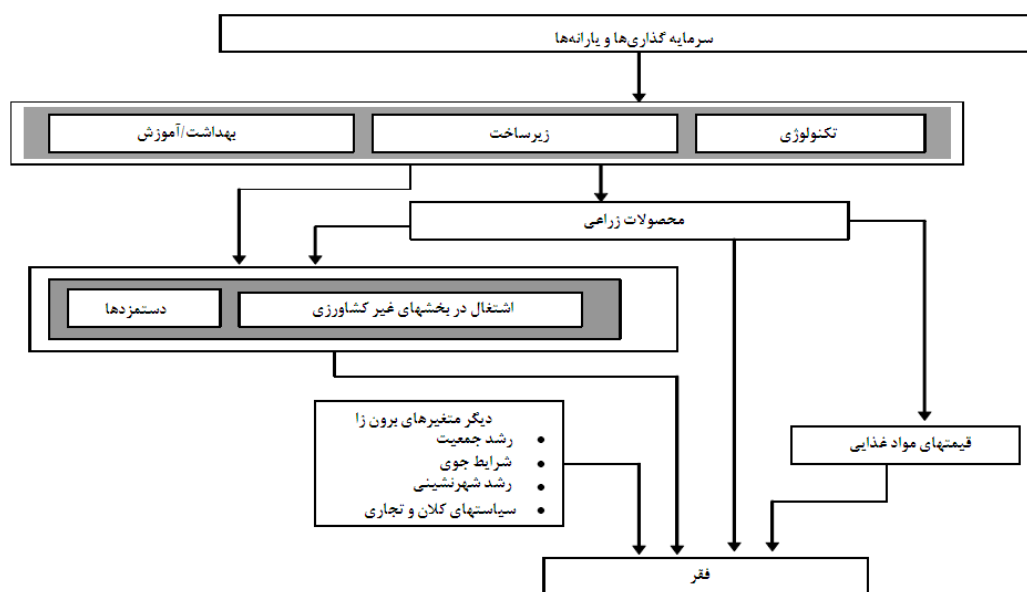
معادله (۴) برای تعیین اشتغال غیرکشاورزی است. مشابه معادله دستمزد، مدل به عنوان یک تابع از رشد تولید ناخالص داخلی شهری (UGDPP)، بهره‌وری نیروی کار کشاورزی (AY)، جاده‌های روستایی (راه‌ها)، برق (ELECT)، و نرخ سواد جمعیت روستایی (LITE) است. بهبود جاده‌ها باعث کمک به کشاورزان در راه اندازی کسب و کارهای غیرکشاورزی کوچک و انتقال محصولات خود به بازار است. بهبود جاده‌ها و آموزش و پرورش نیز منجر به کمک به کشاورزان برای پیدا کردن شغل در شهرها می‌شود.

معادله (۵) برای تعیین قوانین و مقررات تجارت است که در آن از شاخص قیمت جهانی برنج، گندم، و ذرت (WFPI) به منظور اندازه‌گیری تأثیر بازارهای بین‌المللی در قیمت محصولات کشاورزی داخلی استفاده شده است. به علاوه از دو عامل بهره‌وری نیروی کار کشاورزی (AY) و رشد تولید ناخالص داخلی شهری (UGDPP) به عنوان عوامل موثر دیگر در معادله استفاده شده است.

معادله (۶) مدل استفاده از کود در کشاورزی است که شامل یارانه‌های دولتی در نظر گرفته شده در تولید کود (FERTS)، یارانه‌های به حساب بستانکار (CRS) و یارانه‌های مربوط به آبیاری (IRS)، پژوهش کشاورزی (RDS) و برق (ELECT) است.

معادله (۷) رابطه‌ی بین سرمایه‌گذاری دولت در بخش آبیاری (IRRI) و درصد مناطق قابل برداشت تحت آبیاری کانال (IRI) را مدل‌بندی می‌کند. معادله (۸) مصرف برق کشاورزی (ELECT) را به عنوان تابعی از یارانه‌های دولت در برق کشاورزی (ELECS) مدل‌بندی می‌کند.

معادلات (۹) و (۱۰) روابط سهام در بهبود جاده‌ها و آموزش و پرورش را به عنوان توابعی از سرمایه‌گذاری‌های گذشته مدل‌بندی می‌کند. روابط شرح داده شده توسط این معادلات همچنین در شکل ۱-۲ نشان داده شده است.

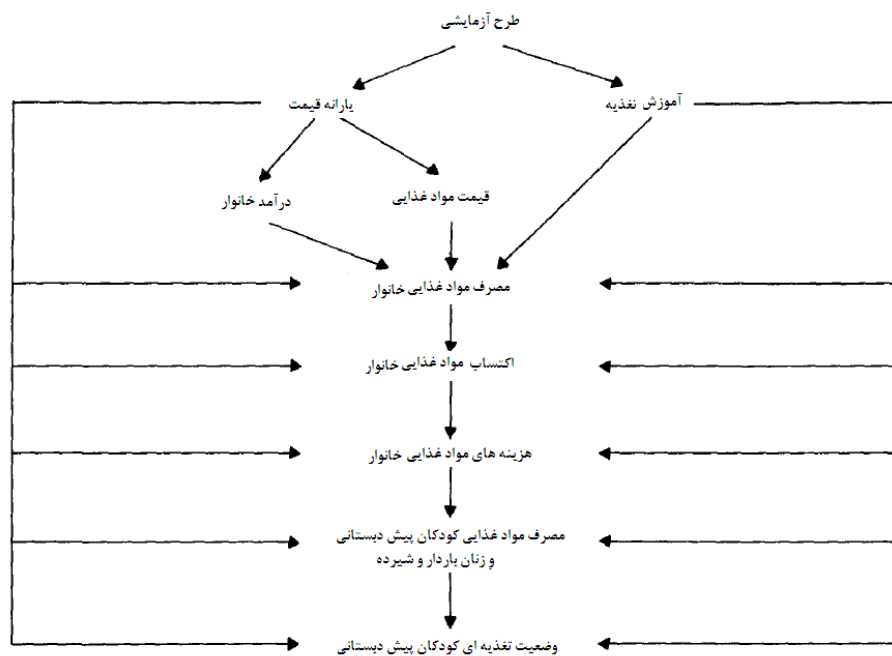


شکل ۱-۲- روابط در نظر گرفته شده توسط معادلات فن و همکاران (۲۰۰۷)

فن و همکاران با استفاده از این روش به برآورد تجربی تأثیر نسبی یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مختلف در رشد کشاورزی و کاهش فقر پرداختند. همچنین در راستای این نتایج، اصلاحاتی برای اولویت‌بندی مجدد مخارج دولت و بهبود عملکرد نهادها و حکومت به منظور افزایش استفاده از منابع محدود پیشنهاد دادند.

در سال ۱۹۸۰ وزارت کشاورزی فیلیپین همراه با مقامات شورای تغذیه و توسعه اقتصادی فیلیپین طرح یارانه محصولات غذایی و تغذیه را به منظور ارائه چارچوبی برای اقدام و پژوهش در زمینه تغذیه، مصرف مواد غذایی و تولید مواد غذایی در دهه ۱۹۸۰ پیشنهاد دادند. هدف اصلی برنامه، افزایش و تنوع تولید غذا و محصولات کشاورزی و دیگر کالاها برای بهبود کیفیت رژیم غذایی فیلیپینی‌ها و اطمینان از حداقل رژیم غذایی برای مقابله با سوء تغذیه بود.

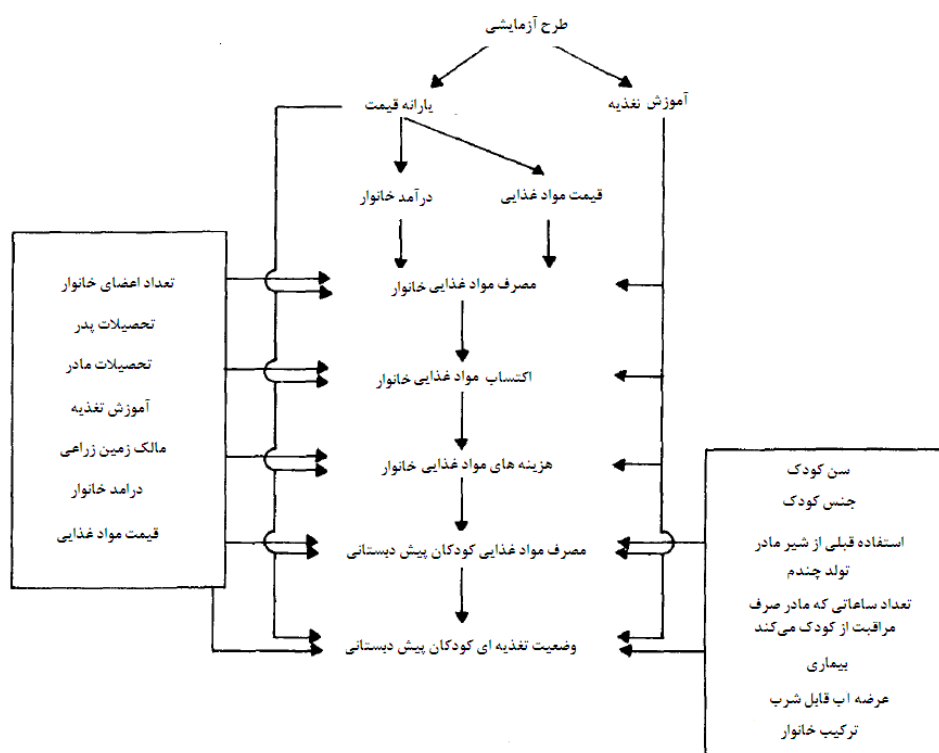
گارسیا و پین‌استراپ-اندرسن (۱۹۸۷) نتایج اجرای این طرح یارانه در فیلیپین را مطالعه کردند. این طرح شامل دو بخش، یکی کاهش قیمت برنج و روغن خوراکی در نواحی شیوع سوء تغذیه و دیگری آموزش تغذیه بود. تجزیه و تحلیل تاثیر طرح در هزینه‌های مواد غذایی خانوار، اکتساب مواد غذایی خانوار، مصرف مواد غذایی و وضعیت تغذیه‌ای کودکان پیش دبستانی در شکل ۲-۲ به صورت نسخه ساده شده نشان داده شده است. تخفیف قیمت در این طرح مستلزم افزایش قدرت خرید یا افزایش درآمد خانوارهای دریافت کننده یارانه است که این افزایش می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های مواد غذایی خانوارها شود. همچنین این کار ممکن است منجر به افزایش مصرف مواد غذایی توسط اعضای خانوارها، جبران کمبود کالری افراد پیش دبستانی و در نتیجه بهبود وضعیت تغذیه‌ای آن‌ها شود.



شکل ۲-۲- نسخه ساده شده‌ی مدل تحلیل شده توسط گارسیا و پین‌استراپ-اندرسن (۱۹۸۷)، طرح شامل دو جز اصلی آموزش تغذیه و یارانه قیمت‌ها است. در شاخه آموزش تغذیه به چگونگی انتخاب درست مواد غذایی خانوار می‌پردازد، که نتایج را که در شکل نشان داده شده است، در پی دارد. از طرف دیگر یارانه قیمت در قیمت مواد غذایی

و درآمد خانوار موثر است، که باعث تغییراتی در سیستم مصرف، اکتساب و هزینه‌های مواد غذایی خانوار می‌شود و نتیجه آن در وضعیت تغذیه‌ای کودکان پیش دبستانی مشهود است.

در این مطالعه برای تحلیل داده‌ها از یک مدل رگرسیونی شامل متغیرهای درآمد بزرگسالان خانوار، مبلغ یارانه دریافتی توسط خانوار، بعد خانوار، سطح تحصیلات والدین خانوار و شرکت یا عدم شرکت خانوار در یک برنامه آموزش تغذیه استفاده شده است. به منظور برآورد اثر هدفمندکردن یارانه‌های قیمت و آموزش تغذیه و همچنین جداسازی اثر سایر متغیرهای تحت تأثیر این شاخص‌ها، چهار شاخص از پنج شاخص خانگی (هزینه‌های غذا، اکتساب و مصرف مواد غذایی و وضعیت تغذیه کودکان پیش دبستانی) بر متغیرهای نشان داده شده در شکل ۲-۳ رگرسیون شده‌اند. در این مدل، لگاریتم متغیر درآمد به عنوان متغیر پاسخ برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. به دلیل مشکلات ذاتی در اندازه‌گیری صحیح درآمد خانوار، از هزینه‌های کل استفاده شده است. به منظور بررسی صحت نتایج به دست آمده، متغیر دستمزد به جای درآمد مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی تأثیر آموزش تغذیه از متغیر ساختگی استفاده شده است که مقدار ۱ را زمانی اخذ می‌کند که خانواده آموزش تغذیه را دریافت کرده باشد و ۰ در غیر این صورت. متغیرهای دیگر مورد بررسی، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و مکان‌های مختلف است که به عنوان متغیرهای توضیحی برای مجزا کردن اثرات درآمد و یارانه‌ها از دیگر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، جمعیتی و عامل مکان مورد استفاده قرار گرفته است. قیمت برنج و روغن خوراکی نیز به عنوان متغیر مستقل در رگرسیون داده‌های حاصل از بررسی در نظر گرفته شده است. رابطه بین متغیرها در معادله رگرسیونی متغیر پاسخ و متغیرهای کمکی استفاده شده در شکل ۲-۳ به طور کامل نشان داده شده است.



شکل ۲-۳- روابط بین متغیرهای مدل رگرسیونی تحلیل شده توسط گارسیا و پین استراپ-اندرسن (۱۹۸۷)

احمد و همکاران (۲۰۰۱) به تحقیق در خصوص ساختار و عملکرد بهبود ساختار سیستم یارانه در مصر پرداختند که در آن به ارزیابی چارچوب اقتصادی، سیاسی و قابلیت انجام کارهای فنی برای کاهش قیمت‌ها با حفظ یا بهبود شرایط رفاهی فقرا توجه شده است.

در این تحقیق، احمد و همکاران (۲۰۰۱) به چندین سوال اساسی پاسخ دادند، که عبارت‌اند از:

- سیستم یارانه موجود تا چه حد ضعیف عمل می‌کند؟
- چه مقدار نشت دله-دزدی در کانال توزیع مواد غذایی اتفاق می‌افتد؟
- به چه بهایی دولت درامدی را به افراد نیازمند منتقل می‌کند؟
- چطور می‌توان یارانه‌ها را برای افراد نیازمند بهتر هدفمندی کرد؟
- چه گزینه‌های سیاسی ممکن برای اصلاح سیستم فوق وجود دارد؟

این سیستم یارانه شامل چهار غذای نان بلدی، آرد گندم، شکر و روغن خوراکی است. یارانه مربوط به نان بلدی و آرد گندم برای همه‌ی افراد با هر درامدی در دسترس است. اما یارانه‌ی مربوط به شکر و روغن خوراکی فقط برای خانوارهای دارای کارت ارزاق در دسترس است. در این قانون، خانوارهای با درآمد بالاتر، یارانه کمتر و خانوارهای کم‌درآمد یارانه بیشتری دریافت می‌کنند. در این طرح، از اطلاعات آمارگیری جامع خانوارهای مصری^۱ از مارس تا می ۱۹۹۷ که شامل اطلاعاتی از جمله درآمد، هزینه، مصرف مواد غذایی، وضعیت سلامت و آموزش، تحصیلات، وضعیت اشتغال، میزان پس‌انداز، مزرعه‌داری، وضع مالکیت، میزان انتقال و واریز پول، وضعیت مهاجرت و استفاده از سیستم یارانه غذا است، استفاده شده است.

کوریم (۲۰۱۳) به بررسی برنامه یارانه مواد غذایی و کمک‌های اجتماعی بر اساس داده‌های منتشر شده و داده‌های میدانی مربوط به هفت استان با بیشترین نرخ فقر در مصر پرداخته است. کوریم (۲۰۱۳) با بررسی تاثیر یارانه کالایی^۲ (شامل یارانه‌ی نان برای همه‌ی خانوارها و یارانه‌ی مواد غذایی برای خانوارهای فقیر) در مقابل یارانه‌های نقدی بر وضعیت فقر در مصر، به این نتیجه رسید که یارانه کالایی به یارانه نقدی ترجیح داده شده است. زیرا به دلیل بالا بودن نرخ تورم در این کشور، مواد غذایی ضروری برای خانوار فقیر در یارانه کالایی فراهم می‌شود در حالی که با پرداخت یارانه نقدی به دلیل افزایش قیمت در بازار، قدرت خرید کاهش می‌یابد. با این وجود، اصلاح سیستم توزیع یارانه کالایی به منظور دستیابی افراد کم‌درآمد به مواد غذایی ضروری است.

به‌عنوان یک بررسی اجمالی از یارانه‌های انرژی در مالزی، یارانه سوخت حمل و نقل در مالزی از سال ۱۹۸۳ شروع و در حال حاضر یک مسئله به شدت سیاسی است. هدفمندی یارانه‌ها در مالزی در جولای ۲۰۱۰ توسط نخست وزیر وقت نجیب قذح رازک از طریق کاهش یارانه بر سوخت و شکر آغاز شد. کاهش بیشتر یارانه برای این مواد و سایر محصولات در یک برنامه‌ریزی دوره‌ای سه تا پنج ساله به منظور تقویت

¹ Egypt Integrated Household Survey

² in-kind

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

منابع مالی دولت و بهبود بهره‌وری اقتصادی بوده است.^۱ در سال ۲۰۱۱، بیش از ۱۰ درصد از هزینه‌های عملیاتی دولت^۲ در یارانه‌های سوخت صرف شد. این مقدار برای بیش از ۴۳ درصد از هزینه‌های ناخالص توسعه دولت بود (ایلیاس و همکاران، ۲۰۱۲). در مقابل، سهم وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش به ترتیب ۳ و ۱۳ درصد بوده است.

حمید و رشید (۲۰۱۲) به بررسی آثار اقتصادی هدفمندی یارانه‌ها در مالزی پرداختند و به بررسی یارانه انرژی مالزی بر حسب اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع و تخصیص مجدد آن پرداختند. در این مقاله آثار حذف یارانه‌ها بر قیمت محصولات انرژی، هزینه تولید محصولات، خدمات حمل و نقل، بودجه دولت و مصرف خانوار و سطوح قیمت‌ها بررسی شده است. همچنین به مقایسه جدول I-O قبل و بعد از سیاست هدفمندی یارانه (سال ۲۰۰۵ در نظر گرفته شده) پرداخت شده است.

در مطالعه آن‌ها از مدل‌های لئونتیف^۳ و مدل تعادل عمومی قابل محاسبه^۴ بر اساس حساب‌های ملی و اجتماعی-اقتصادی مالزی استفاده شده است. از آنجا که هدف اصلی آنها ارزیابی اثرات مورد انتظار از توقف تدریجی یارانه فرآورده‌های انرژی در کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت بوده است، ساختن ماتریس I-O یارانه‌های سوخت پیشنهاد شده است. ساختار ماتریس، ارائه صریح و روشن اثرات محصولات انرژی، بر کسانی می‌باشد که مقادیر بیشتری یارانه دریافت کرده‌اند.

حمید و رشید (۲۰۱۲) به تحلیل I-O برای قرار دادن یک طرح تخصیص مجدد به ویژه با استفاده از هزینه‌های مستقل مصرفی خانوارها پرداختند. بالاخره با استفاده از تحلیل مدل تعادل عمومی، اثرات اقتصاد کلان خروج یارانه‌ها و آثار تخصیص مجدد آن درون بخش‌های مرتبط، با استفاده از هزینه‌های دولت پیش‌بینی شده است.

آتاناسیو و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی اثر کوتاه مدت یارانه نقدی شرطی بر سلامت و تغذیه در کلمبیا پرداختند. چنانچه در گزارش آن‌ها اشاره شده است، برنامه‌های پرداخت مستقیم نقدی مشروط یک روش مشهور در بهبود تحصیلات و بهداشت در کشورهای در حال توسعه است. کشورهای تحت حمایت بانک جهانی و دیگر مؤسسات مالی بین‌المللی نیز این برنامه را اجرا می‌کنند.

در این مطالعه، درآمد خانوار به صورت یک مدل رگرسیونی طولی برای سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بر حسب نقاط شهری یا روستایی ارائه شده است. مدل رگرسیون طولی به صورت زیر است:

$$y_{i,t} = 11.55 - 2.73T_i + 0.57D_{[2000],i,t} + 0.97D_{[2000],i,t} - 0.14D_{[2000],i,t} \times T_i + 0.20D_{[2000],i,t} \times T_i$$

(۰.۵۱) (۰.۸۴) (۰.۲۳) (۰.۲۷) (۰.۲۷) (۰.۳۴)

¹ Fact Sheet, Subsidy Rationalisation, Prime Minister's Office, 2010.

² Government's operating expenditure

³ Leontief's model

⁴ Computable general equilibrium model

که در آن $y_{i,t}$ ، درآمد خانوار i ام در زمان t ام، T_i ، متغیر نشانگری است که مقدار یک را زمانی که خانوار در شهرداری منطقه درمان زندگی می‌کند و مقدار صفر را در بقیه‌ی موارد اخذ می‌کند.

متغیر نشانگری است که مقدار یک را زمانی اخذ می‌کند که $t=2000$ و مقدار صفر را در بقیه‌ی موارد. همچنین $D_{[2001],i,t}$ ، متغیر نشانگری است که مقدار یک را زمانی اخذ می‌کند که $t=2001$ و مقدار صفر را در بقیه‌ی موارد. همچنین اعداد داخل پرانتز انحراف معیار پارامترهای برآورد شده هستند. به منظور برآورد اثر برنامه‌ی هدفمندی بر میانگین سلامت کودکان، مدل طولی دیگری مشابه مدل بالا معرفی شده است. بر اساس برآوردها، برنامه‌ی وضعیت تغذیه و وضعیت سلامت کودکان بهبود یافته است، به ویژه مصرف پروتئین و سبزیجات در آن‌ها افزایش پیدا کرده است.

دروارد و چیروا (۲۰۱۱) به تشریح توصیفی برنامه یارانه زراعی در مالاوی پرداخته است که در آن به توصیف فرایندها، دستاوردها و نتایج داده‌های کشاورزی برنامه یارانه مالاوی از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۸ پرداختند. هسته اصلی برنامه از سال ۲۰۰۵ شروع شده که در سال‌های پس از آن نیز این برنامه استفاده شد. دادن کوپن به حدود ۵۰ درصد از کشاورزان در کشور برای دریافت کود برای تولید ذرت، و همچنین اختصاص کوپن‌های بیشتر برای کودهای توتون و تنباکو برای بهبود دانه ذرت بوده است. در توصیف نتایج این برنامه در مالاوی، دروارد و چیروا (۲۰۱۱) اشاره کردند که یارانه‌های کشاورزی که مربوط به یارانه کود و بذر است، منجر به توسعه قابل توجهی در تولید محصولات کشاورزی شده است. همچنین، این توسعه منجر به افزایش دسترسی به مواد غذایی، افزایش سطح دستمزد، رشد اقتصادی و کاهش فقر در این کشور شده است.

فصل ۳

روش‌شناسی پژوهش

۱-۳- معرفی طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی

طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی یکی از قدیمی‌ترین طرح‌های آمارگیری اجرا شده توسط مرکز آمار ایران می‌باشد که با قدمتی ۵۰ ساله به صورت گسترده در کشور اجرا می‌شود. این طرح با هدف برآورد میانگین هزینه‌های سالانه‌ی خوراکی، غیر خوراکی و کل و برآورد میانگین درآمد سالانه‌ی یک خانوار در سطح مناطق شهری و روستایی هر یک از استان‌ها و کل کشور از سال ۱۳۴۲ برای نقاط روستایی و از سال ۱۳۴۷ برای نقاط شهری توسط مرکز آمار ایران اجرا شده است. این آمارگیری از سال ۱۳۵۳ علاوه بر هزینه، درآمد خانوارهای روستایی و شهری را نیز شامل بوده و تاکنون غیر از سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ در نقاط روستایی و غیر از سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ در نقاط شهری همه ساله اجرا شده است.

کاربردهای اساسی و متنوع از نتایج این طرح آمارگیری در بررسی الگوی مصرف خانوارها، مطالعه‌ی روند مصرف کالاها و خدمات، ارزیابی آثار سیاست‌های اقتصادی در زمینه‌ی تأمین عدالت اجتماعی و بررسی خانوارهای زیر خط فقر و سرانجام نقش مهم آن در تأمین اطلاعات مورد نیاز حساب‌های ملی و منطقه‌ای اهمیت این طرح را به خصوص در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی- اجتماعی کشور نشان می‌دهد. در راستای تطبیق با استانداردها و توصیه‌های بین‌المللی، در سال ۱۳۸۳ برای اولین بار پرسشنامه‌ی این طرح براساس طبقه‌بندی COICOP^۱ تهیه شد و در نشریه سال ۱۳۸۳ به بعد، جداول جدیدی براساس این طبقه‌بندی ارائه شده است. همچنین برای حفظ سری زمانی اطلاعات، این طبقه‌بندی با طبقه‌بندی سابق نیز تطبیق یافته تا امکان مقایسه با نتایج سال‌های گذشته برای کاربران فراهم آید. برای کسب اطلاعات بیشتر در

^۱Classification of Individual Consumption According to Purpose

خصوص مشخصات کلی طرح به نتایج آمارگیری از طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری یا روستایی که هر ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، مراجعه شود.

پرسشنامه طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار از چهار قسمت تشکیل شده است که عبارتند از:

- (۱) قسمت اول: خصوصیات اجتماعی اعضاء خانوار
 - (۲) قسمت دوم: اطلاعات در خصوص مشخصات محل سکونت و تسهیلات و لوازم عمده زندگی مورد استفاده خانوار
 - (۳) قسمت سوم: هزینه‌های خانوار و سرمایه‌گذاری
 - (۴) قسمت چهارم: درآمدهای اعضاء خانوار
- قسمت هزینه‌ی پرسشنامه شامل ۱۴ بخش زیر است:
- هزینه‌های خوراکی خانوار در ماه گذشته
 - هزینه نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده (در جای دیگر)، دخانی‌ها و سایر مواد دخانی خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های پوشاک و کفش خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها در ماه گذشته
 - هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های حمل و نقل خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های ارتباطات خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات خانوار در ماه گذشته
 - هزینه‌های آموزش و تحصیل خانوار
 - هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران خانوار در ماه گذشته
 - هزینه کالاها و خدمات متفرقه خانوار در ماه گذشته
 - تهیه و فروش کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات در ۱۲ ماه گذشته
 - سرمایه‌گذاری خانوار در ۱۲ ماه گذشته

قسمت چهارم پرسشنامه درآمدهای اعضاء خانوار است که در سال ۱۳۹۰ به دلیل ارائه‌ی یارانه‌ی نقدی به اکثر خانوارها، سؤال میزان یارانه نقدی دریافت شده توسط خانوار به سؤالات این قسمت اضافه شده است.

با توجه به ضرورت بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر اقتصاد خانوار، در این طرح پژوهشی از داده‌های سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارها شهری و روستایی مرکز آمار ایران استفاده شده است.

۳-۲- تحلیل توصیفی داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار

از آن‌جا که در این پژوهش هدف بررسی و تحلیل داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ بوده است جداول ۱-۳ و ۲-۳ به ترتیب متوسط هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی خانوارهای شهری و روستایی و همچنین متوسط نرخ رشد این هزینه‌ها را به تفکیک برخی از بخش‌های پرشناخته بر اساس طبقه‌بندی COICOP ارائه می‌دهد.

نتایج جدول ۱-۳ نشان می‌دهد که متوسط کل هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی از ۵۵،۲۰۶،۰۶۹ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۸۴،۹۸۹،۹۷۵ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان دهنده‌ی متوسط رشد سالانه‌ی ۱۶ درصد طی دوره‌ی مورد بررسی است. این در حالی است که متوسط هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی از ۲۰،۲۸۴،۴۲۲ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۳۲،۲۵۱،۴۷۷ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که متوسط رشد سالانه‌ی تقریباً ۱۶/۷ درصد را نشان می‌دهد و متوسط هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (داخل منزل) ناخالص یک خانوار روستایی از ۳۴،۹۲۱،۶۴۷ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۵۲،۷۳۸،۴۹۸ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده که طی این دوره متوسط رشد سالانه‌ی ۱۴/۷ درصد را نشان می‌دهد. نتایج این جدول در خصوص خانوارهای شهری نشان می‌دهد که متوسط کل هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری از ۹۷،۰۱۰،۲۶۴ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۱۳۴،۷۴۷،۵۶۸ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان دهنده‌ی متوسط رشد سالانه‌ی ۱۱/۵ درصد طی دوره‌ی مورد بررسی است. این در حالی است که متوسط هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری از ۲۶۹،۶۷۸،۲۰ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۳۱،۴۹۲،۶۷۵ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که متوسط رشد سالانه‌ی تقریباً ۱۵/۸ درصد را نشان می‌دهد و متوسط هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (داخل منزل) ناخالص یک خانوار شهری از ۷۶،۷۴۰،۵۸۶ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۱۰۳،۲۵۴،۸۹۳ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده که طی این دوره متوسط رشد سالانه‌ی ۱۰/۴ درصد را نشان می‌دهد.

هزینه‌های سرمایه‌گذاری ناخالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی در سال ۱۳۸۷ برابر ۸،۸۵۶،۰۶۵ ریال و در سال ۱۳۹۰ برابر ۱۱،۲۳۲،۷۲۵ ریال بوده است که طی دوره‌ی مورد بررسی متوسط رشد سالانه‌ی ۸ درصدی را نشان می‌دهد. هزینه‌های سرمایه‌گذاری ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۷ برابر با ۱۲،۶۸۰،۴۵۶ و در سال ۱۳۹۰ به ۱۲،۷۲۸،۵۷۵ رسیده است که متوسط رشد سالانه‌ی ۰/۱ درصد را داشته است.

نتایج جدول ۲-۳ که نرخ رشد متوسط هزینه‌ی هر یک از اقلام در هر سال را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد، نشان از رشد بسیار بالا و همچنین رشد منفی برای برخی از اقلام هزینه‌ای دارد. نتایج نرخ رشد هزینه‌ی اسمی سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، پس از هدفمندی یارانه‌ها، نشان می‌دهد که نرخ رشد برخی اقلام هزینه‌ای که یارانه از آن‌ها حذف شده است، از جمله غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن (۶۰ درصد در نقاط شهری و ۵۱ درصد در نقاط روستایی)، شیر و فراورده‌های آن (۳۰ درصد در نقاط شهری و ۲۷

درصد در نقاط روستایی)، آب (۱۱۵ درصد در نقاط شهری و ۸۶ درصد در نقاط روستایی)، برق (۱۱۵ درصد در نقاط شهری و ۱۲۳ درصد در نقاط روستایی)، گاز (۱۶۰ درصد در نقاط شهری و ۱۲۵ درصد در نقاط روستایی)، بسیار بالا بوده است.

نکته‌ی قابل توجه این است که برخی اقلام هزینه‌ای رشد طبیعی و منطقی طی سال‌های مورد بررسی داشته‌اند ولی برخی اقلام هزینه‌ای مانند گوشت قرمز، روغن و چربی‌ها و کره، میوه و خشکبار، بهداشت و درمان، خدمات فرهنگی و تفریحات، آموزش و تحصیل و سرمایه‌گذاری رشد کمتر یا مساوی سال قبل داشته است.

به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع، به بررسی دو شاخص معتبر انگل (نسبت مخارج خوراکی به کل مخارج خانوار) و سهم مخارج نان از کل مخارج خوراکی خانوارها می‌پردازیم. شاخص انگل از ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای شهری و از ۳۶/۷ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی سیر صعودی داشته که نمایانگر نامناسب شدن وضعیت تغذیه‌ای و رفاهی خانوارهاست. افزایش سهم هزینه‌ی نان و کاهش سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج خوراکی خانوارها مبین نامناسب‌تر شدن وضع تغذیه است. نتایج نشان می‌دهد که سهم هزینه‌ی نان در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۱۹/۷۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۵/۰۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و از ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۸/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی رسیده است. همچنین سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و در خانوارهای روستایی از ۲۲/۹۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۰/۹۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است که به معنای جانشین شدن نان به جای سایر مواد غذایی در الگوی غذایی خانوارها و کاهش مصرف مواد پروتئینی که از قیمت بالایی نسبت به نان برخوردارند می‌باشد.

برای به دست آوردن هزینه کل واقعی، باید هزینه‌های کل اسمی را برای هر گروه کالایی به شاخص قیمت آن گروه کالایی تقسیم کرد. همچنین برای به دست آوردن تغییرات و درصد تغییرات در مقدار مصرف در یک گروه کالایی باید، نرخ رشد هزینه‌های اسمی مصرفی آن گروه کالایی را از نرخ تورم کم کرد. اصطلاحاً باید نرخ تورم را از رشد هزینه‌های اسمی کم کرد تا باقی‌مانده نشان دهنده‌ی درصد تغییرات مقدار مصرف باشد. به عبارت دیگر اگر

$$W = P \times Q$$

که در آن W هزینه اسمی، P قیمت و Q مقدار مصرف باشد، آنگاه

$$\ln w = \ln P + \ln Q$$

و

$$\frac{dw}{w} = \frac{dP}{P} + \frac{dQ}{Q}$$

که در آن $\frac{dw}{w}$ درصد تغییرات هزینه اسمی، $\frac{dP}{P}$ درصد تغییرات قیمت یا تورم آن گروه از هزینه و $\frac{dQ}{Q}$ درصد تغییرات مقدار است. برای تحلیل آثار رفاهی تغییرات معمولاً یا از هزینه‌های واقعی یا از درصد تغییرات مقدار، استفاده می‌شود که روش محاسبه هر یک از آن‌ها به صورت زیر است.

$$\text{هزینه اسمی} = \frac{\text{شاخص قیمت}}{\text{هزینه واقعی}}$$

نرخ تورم - درصد تغییرات هزینه اسمی = درصد تغییرات مقدار

بر اساس مفاهیم اقتصادی، هر یک از متغیرها و نماگرهای اقتصادی می‌توانند نشان دهنده‌ی اندازه‌های اسمی یا اندازه‌های واقعی متغیرها باشند. اطلاع داشتن از اندازه اسمی متغیرها اطلاعات جامع و کاملی از وضعیت دقیق متغیرها ارائه نمی‌دهد. همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد با کم کردن نرخ رشد قیمت‌ها (تورم) از نرخ رشد متغیر اسمی، به مقدار رشد در مقادیر حقیقی دست خواهیم یافت. لذا با توجه به این نکته به بررسی اندازه تغییر در مقادیر مصرف و هزینه خانوارهای ایرانی در شهرها و روستا می‌پردازیم.

در نقاط شهری در سال ۱۳۹۰ به عنوان اولین سال پس از هدفمندی‌سازی یارانه‌ها بیشترین افزایش در مقادیر اسمی متغیرها، مربوطه به گروه‌های کالایی غلات، نان، آرد، با ۶۰ درصد، شیر و فراورده‌های آن با ۳۰ درصد و ارتباطات با ۲۶ درصد بوده است. این اعداد نشان می‌دهند که خانوارها مقدار اسمی هزینه‌های خود را روی این گروه‌های کالایی با این درصدها افزایش داده‌اند. ولی این افزایش ممکن است صرفاً ناشی از تغییرات قیمت رخ داده باشد ولی اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳-۳ این ابهام را از بین می‌برد. برای این ۳ گروه کالایی که بالاترین تغییرات در هزینه‌های اسمی را دارند نرخ‌های تورم گروهی به ترتیب عبارت است از ۵۵، ۴۲/۶ و ۳/۷. لذا تغییرات در مقادیر مصرف یا تغییرات واقعی در مصرف خانوار از این گروه‌های کالایی به ترتیب ۴/۸، ۱۲/۶- و ۲۲/۳ هستند. بدین ترتیب خانوارهای مناطق شهری در سال بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها مصرف خود را از گروه کالایی مانند نان و غلات ۴/۸ درصد افزایش داده ولی گروه کالایی مانند شیر و فراورده‌های آن را تقریباً ۱۲ درصد کاهش داده‌اند. قضاوت در مورد این که آیا واقعاً هدفمندسازی یارانه‌ها وضعیت خانوارها را در مناطق شهری به چه شکلی تحت تأثیر قرار داده نیازمند نگاهی جامع‌تر به وضعیت این تغییرات در مقادیر مصرف برای اغلب گروه‌های کالایی خواهد بود.

کمترین تغییرات اسمی در هزینه‌های خانوار به ترتیب مربوط به گروه‌های بهداشت و درمان با ۲ درصد، پوشاک و کفش با ۳ درصد و خدمات فرهنگی و تفریحی با ۳ درصد است ولی این گروه‌ها در همین سال با تورمی به ترتیب به اندازه ۱۱/۱، ۱۵/۴ و ۱۴/۵ مواجه بوده‌اند که با این ترتیب تغییر مقادیر واقعی مصرف و یا هزینه‌ی واقعی خدمات دریافتی خانوار در این گروه از کالا و خدمات به ترتیب به ۹/۱-، ۱۲/۴- و ۱۱/۵- درصد رسیده که در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸، این مسأله دیده نشده است. لذا در سال پس از

هدفمندسازی یارانه‌ها مقادیر حقیقی مصرف خانوار از هر سه گروه کالا و خدمات فوق‌الذکر به دلیل بالا بودن نرخ تورم کاهش داشته است.

بنابراین در مجموع، گروه کالایی نان و غلات جزء کالاهای بسیار کم‌کشش اقتصادی محسوب می‌شوند. این کالاها عمدتاً کالاهایی هستند که در شرایط ضعیف شدن وضعیت اقتصادی خانوار، جانشین سایر کالاهای خوراکی مانند گوشت قرمز و لبنیات و ... می‌شوند. اصطلاحاً به این نوع از کالاها، کالاهای پست گفته می‌شود. این کالاها عمدتاً دارای کشش‌های درآمدی منفی هستند به این معنا که با افزایش درآمد و بهتر شدن وضعیت اقتصادی خانوار، میزان مصرف این کالاها کاهش می‌یابد. همان‌گونه که در جدول ۳-۳ گزارش شده است، میزان مصرف و هزینه‌های واقعی صورت گرفته نان و غلات در نخستین سال پس از هدفمندسازی یارانه افزایش داشته است ولی میزان مصرف و هزینه‌های صورت گرفته روی سایر گروه‌های کالایی بخش گروه کالایی خوراکی مانند گوشت قرمز، گوشت سفید، شیر و فراورده‌ها، روغن و چربی‌ها، میوه‌ها و خشکبار با کاهش مواجه بوده است. به عبارت دیگر خانوار میزان مصرف خود از این گروه‌های کالایی را در این سال کاهش داده و گروه کالایی نان و غلات را جایگزین آن‌ها کرده است. شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ نیز برخی از این گروه‌های کالایی با کاهش در مقدار مصرف مواجه بوده‌اند ولی در سال ۱۳۹۰ این میزان افزایش بیش‌تر بوده است. نتایج نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ درصد تغییرات مصرف گروه کالایی خوراکی‌ها در خانوارهای شهری به ترتیب با ۵/۸، ۸/۱ و ۸/۸ درصد کاهش مواجه بوده است که نشان می‌دهد سال ۱۳۹۰ به دلیل بالا بودن نرخ تورم بیشترین درصد کاهش در مقدار مصرف را به خود اختصاص داده است.

همچنین هزینه‌های غیر خوراکی و خوراک از منزل در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب با ۳ درصد کاهش، ۲/۸ درصد افزایش و ۱۰/۴ درصد کاهش روبه‌رو بوده است. این گروه کالایی نسبت به گروه عمده کالاهای خوراکی دارای کشش پذیری بالاتر است و در صورت تغییر قیمت این کالاها، تغییرات مصرف آن‌ها با تغییرات هزینه‌ی واقعی خدمات توسط خانوار، با شدت بیشتری نسبت به خوراکی تغییر خواهند کرد. در گروه کالاهای غیر خوراکی نیز گروه‌های کالاها و خدمات متفرقه، حمل و نقل و پوشاک و کفش بالاترین کاهش در مقادیر مصرف کالا و خدمت و کاهش در خدمات ارائه شده را داشته‌اند که این مقادیر به ترتیب عبارتند از ۲۵/۵-، ۱۶/۳- و ۱۲/۴- تغییرات هزینه‌ی واقعی کل خانوار در این سال‌ها نسبت به سال قبل، به ترتیب با ۳/۵ درصد کاهش، ۰/۱ درصد افزایش و ۱۰/۴ درصد کاهش روبرو بوده است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل تغییرات مصرف خانوارهای شهری به دلیل بالا بودن تورم، کاهش یافته است و پرداخت‌های نقدی نیز کمک قابل توجهی نکرده است.

در ارتباط با کاهش مقادیر مصرف کالاهای غیر خوراکی معادل ۱۰/۴، در سال ۱۳۹۰ نکته قابل تأمل این است که از آن‌جا که این گروه کالایی دارای کشش بالاتری نسبت به کالاهای خوراکی است، لذا خانوارها با قرار گرفتن در وضعیت‌های سخت اقتصادی، ترجیح داده‌اند از میزان مصرف این گروه‌های کالایی بکاهند ولی خوراکی‌ها حتی‌الامکان بدون تغییر بمانند. نتایج نشان می‌دهد مقادیر مصرف گروه غیر خوراکی ۳ درصد

کاهش در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷، ۲/۸ درصد افزایش در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸ و ۱۰/۴ درصد کاهش در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ داشته است. این گروه کالایی کاهش بسیار زیادی در مقادیر مورد تقاضا از جانب خانوار را در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. بنابراین گروه کالایی غیر خوراکی‌ها بیشتر از خوراکی‌ها کاهش داشته است و خانوارها ترجیح داده‌اند به واسطه کاهش قدرت خرید ناشی از بروز تورم از مقدار مصرف کالاهای غیر خوراکی خود بیشتر بکاهند تا کالاهای خوراکی را که کم‌کشش هستند، کمتر از دست بدهند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که تغییرات مقدار هزینه‌ی واقعی برخی گروه‌های کالا و خدمات از جمله مسکن و بهداشت و درمان در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸ در نقاط شهری افزایش داشته ولی این تغییرات در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ کاهش چشم‌گیری داشته است. به این معنا که به دلیل بالا بودن نرخ تورم در سال ۱۳۹۰، خانوارها هزینه‌ی واقعی کم‌تری را برای بهداشت و درمان پرداخت کرده‌اند و مسلماً سلامت آن‌ها بیش‌تر در خطر است. همچنین هزینه‌ی واقعی پرداخت شده برای مسکن، آب، سوخت و روشنایی کمتر بوده است.

به طور کلی نتایج نشان می‌دهد غیر از تغییرات مقدار مصرف غلات، نان، آرد ... و استفاده از ارتباطات خانوارهای شهری که در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ به ترتیب ۴/۸ درصد و ۲۲/۳ درصد افزایش یافته است، تغییرات مقدار مصرف یا خدمات دریافتی بقیه‌ی گروه‌های کالا و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور، کاهش یافته است.

در نقاط روستایی مصرف کل خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۴/۵ درصد کاهش داشته است که مصارف خوراکی با ۲۳/۸ درصد کاهش و مصارف غیر خوراکی با ۶ درصد کاهش روبرو بوده است.

در سال ۱۳۹۰ بیشترین افزایش در مقادیر اسمی متغیرها مربوط به گروه‌های کالایی غلات، نان و آرد با ۵۱ درصد و مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی با ۳۸ درصد بوده است. از آن‌جا که نرخ‌های تورم این دو گروه کالا به ترتیب ۲۰ درصد و ۳۸ درصد بوده است، بنابراین مقادیر مصرف یا تغییرات واقعی در مصرف خانوارها در مورد نان و غلات ۶۹ درصد کاهش داشته و هزینه‌ی واقعی مربوط به مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی ثابت مانده است.

در نقاط روستایی غیر از تغییرات مقدار مصرف گوشت قرمز، ماهی و میگو، پوشاک و کفش، ارتباطات و آموزش و تحصیلات که در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ به ترتیب، ۴/۳ درصد، ۷/۱ درصد، ۴/۶ درصد، ۲۳ درصد و ۴/۷ درصد افزایش یافته است، تغییرات مصرف یا هزینه‌ی واقعی پرداخت شده برای بقیه‌ی گروه‌های کالا و خدمات خانوارها کاهش یافته است.

بر اساس نتایج جدول ۳-۴ سهم هزینه‌ی ناخالص خوراکی داخل منزل و دخانی سالانه‌ی خانوارهای شهری و روستایی از کل هزینه‌های خانوار در سال ۱۳۹۰ افزایش و سهم هزینه‌های غیر خوراکی کاهش داشته است. همچنین سهم هزینه‌های نان و غلات، شیر و فراورده‌های آن، مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی افزایش یافته است و سهم هزینه‌های گوشت قرمز، بهداشت و درمان، خدمات تفریحات و فرهنگی،

مبلمان و لوازم خانگی و انتقالات کاهش داشته است. سهم برخی از هزینه‌ها مانند نان و غلات، آب و سوخت و روشنایی در سال ۱۳۹۰ رشد چشم‌گیری داشته و سهم برخی دیگر از هزینه‌ها از هزینه‌ی کل مانند ماهی و میگو، روغن و چربی، میوه و خشکبار، دخانی‌ها، غذاهای آماده و آموزش و تحصیل در سال ۱۳۹۰ تغییری نداشته است.

جدول ۳-۱- متوسط هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP (ریال)

روستایی				شهری				اقلام
۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	
۸۴.۹۸۹.۹۷۵	۶۹.۷۹۲.۸۴۴	۶۰.۵۲۴.۵۸۹	۵۵.۲۰۶.۰۶۹	۱۳۴.۷۴۷.۵۶۸	۱۱۶.۴۴۴.۵۶۹	۱۰۲.۴۴۲.۸۲۹	۹۷.۰۱۰.۲۶۴	هزینه‌ی کل
۳۲.۲۵۱.۴۷۷	۲۵.۵۴۹.۷۹۳	۲۱.۳۸۷.۳۰۸	۲۰.۲۸۴.۴۲۲	۳۱.۴۹۲.۶۷۵	۲۵.۰۱۸.۴۰۱	۲۱.۵۹۹.۵۱۷	۲۰.۲۶۹.۶۷۸	هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی
۳۱.۵۸۱.۶۳۱	۲۴.۹۳۵.۷۵۹	۲۰.۸۰۸.۴۳۸	۱۹.۷۹۶.۶۴۱	۳۰.۹۲۹.۵۶۷	۲۴.۴۸۲.۷۴۴	۲۱.۰۹۵.۰۹۷	۱۹.۷۷۸.۰۰۹	هزینه‌های خوراکی (داخل منزل)
۹.۰۸۳.۸۳۳	۵.۹۹۹.۴۱۲	۵.۱۱۰.۶۹۹	۵.۲۴۶.۶۹۲	۷.۸۸۹.۹۳۴	۴.۹۴۵.۶۳۶	۴.۴۶۰.۱۵۵	۴.۵۳۳.۲۱۰	غلات، نان، آرد، رشته و فرآورده‌های آن
۶.۷۶۶.۸۶۴	۵.۸۶۹.۱۷۴	۴.۷۱۱.۵۶۹	۴.۳۶۷.۲۱۱	۶.۸۰۳.۳۱۵	۶.۰۳۲.۲۷۰	۵.۰۷۶.۰۵۸	۴.۵۰۲.۷۶۸	گوشت قرمز
۷۱۴.۰۴۸	۵۷۰.۶۲۷	۵۲۰.۳۵۰	۴۴۹.۹۸۷	۹۵۶.۲۱۱	۷۷۷.۲۰۰	۶۸۱.۳۳۹	۶۵۵.۰۳۷	ماهی و میگو و فرآورده‌های آن
۳.۰۰۱.۳۵۷	۲.۳۶۷.۳۲۳	۲.۱۷۹.۷۰۳	۲.۰۸۲.۶۴۹	۳.۲۲۹.۲۵۴	۲.۴۷۷.۶۰۸	۲.۲۵۴.۴۵۴	۲.۱۴۰.۱۶۱	شیر و فرآورده‌های آن (بجز کره) و تخم پرندگان
۱.۶۹۱.۶۴۱	۱.۳۴۳.۷۳۸	۱.۰۳۶.۸۸۵	۱.۰۹۲.۸۲۸	۱.۴۵۸.۱۸۰	۱.۱۹۳.۴۵۱	۹۵۱.۷۵۷	۹۳۴.۱۱۵	روغن و چربی‌ها و کره
۳.۰۰۹.۷۳۶	۲.۵۰۳.۰۴۰	۲.۰۷۸.۶۹۸	۱.۹۱۹.۴۴۳	۳.۸۴۲.۷۹۱	۳.۳۲۸.۲۲۷	۲.۸۶۶.۶۸۲	۲.۵۷۷.۲۳۸	میوه و خشکبار
۷.۳۱۴.۱۵۲	۶.۲۸۲.۴۴۵	۵.۱۷۰.۵۳۴	۴.۶۳۷.۸۳۱	۶.۷۴۹.۸۸۲	۵.۷۲۸.۳۵۲	۴.۸۰۴.۶۵۲	۴.۴۳۵.۴۸۰	سایر هزینه‌های خوراکی
۶۶۹.۸۴۶	۶۱۴.۰۳۴	۵۷۸.۸۷۰	۴۸۷.۷۸۲	۵۶۳.۱۰۸	۵۳۵.۶۵۸	۵۰۴.۴۲۱	۴۹۱.۶۶۸	دخانی‌ها
۵۲.۷۳۸.۴۹۸	۴۴.۲۴۳.۰۵۰	۳۹.۱۳۷.۲۸۱	۳۴.۹۲۱.۶۴۷	۱۰۳.۲۵۴.۸۹۳	۹۱.۴۲۶.۱۶۸	۸۰.۸۴۳.۳۱۲	۷۶.۷۴۰.۵۸۶	هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل)
۵.۱۹۵.۱۰۰	۴.۳۰۸.۹۸۸	۳.۹۷۲.۰۶۱	۳.۷۳۱.۱۱۲	۵.۶۰۲.۷۹۵	۵.۴۳۶.۷۵۴	۵.۰۰۷.۳۹۵	۵.۰۳۲.۴۷۲	یوشاک و کفش
۱۵.۲۷۱.۶۷۹	۱۱.۰۷۱.۸۰۱	۹.۵۹۹.۹۵۵	۸.۹۴۸.۱۵۸	۴۴.۱۶۵.۵۶۲	۳۶.۸۴۲.۳۷۴	۳۰.۸۲۹.۸۵۲	۳۱.۲۳۵.۱۳۱	مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی
۹.۵۰۹.۰۳۱	۸.۴۰۴.۷۳۷	۷.۶۰۲.۳۵۳	۷.۰۴۸.۹۱۳	۳۷.۷۶۴.۱۲۲	۳۳.۹۶۲.۵۴۰	۲۸.۷۸۶.۶۸۸	۲۹.۱۸۵.۸۱۴	اجارهبهای واقعی و احتمالی مسکن
۷۵۷.۹۸۱	۴۲۷.۸۵۵	۳۶۶.۵۸۴	۳۲۷.۵۶۱	۱.۵۴۰.۸۳۶	۸۴۱.۲۲۲	۷۱۳.۹۳۸	۶۹۱.۷۰۶	آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی
۷۰۸.۵۰۵	۳۸۰.۶۷۱	۳۳۱.۶۶۷	۲۹۷.۱۴۰	۱.۲۵۶.۴۷۳	۵۸۴.۷۲۶	۴۸۹.۴۹۴	۴۸۷.۲۲۹	آب
۴۹.۴۷۶	۴۷.۱۸۴	۳۴.۹۱۷	۳۰.۴۲۱	۲۸۴.۳۶۳	۲۵۶.۴۹۶	۲۲۴.۴۴۴	۲۰۴.۴۷۷	جمع آوری فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی
۵.۰۰۴.۶۶۷	۲.۲۳۹.۲۰۹	۱.۶۳۱.۰۱۸	۱.۵۷۱.۶۸۴	۴.۸۶۰.۶۰۴	۲.۰۳۸.۶۱۲	۱.۳۲۹.۲۲۶	۱.۳۵۷.۵۴۱	روشنایی و سوخت
۱.۴۱۸.۲۹۵	۶۳۵.۵۴۹	۵۷۶.۱۸۳	۵۵۲.۶۹۷	۱.۹۰۰.۹۳۱	۸۸۴.۱۹۳	۷۰۵.۴۱۴	۷۱۶.۳۳۰	برق
۱.۹۹۰.۹۰۱	۸۸۶.۶۶۳	۵۰۵.۸۲۲	۴۷۹.۴۸۸	۲.۸۹۴.۵۰۲	۱.۱۱۳.۶۳۳	۵۸۹.۹۴۵	۵۹۸.۲۷۱	گاز
۱.۴۰۵.۳۹۱	۵۹۹.۰۰۸	۴۲۰.۹۸۲	۴۳۱.۸۶۹	۵۶.۹۲۵	۳۲.۱۰۵	۲۳.۵۶۸	۳۴.۳۹۳	سوخت مایع
۱۹۰.۰۸۰	۱۱۷.۹۸۹	۱۲۸.۰۳۰	۱۰۷.۶۳۰	۸.۲۴۵	۸.۶۸۲	۱۰.۲۹۹	۸.۵۴۷	سوخت جامد
۴.۳۰۶.۰۹۰	۴.۱۴۸.۷۶۵	۳.۸۴۷.۹۵۴	۳.۴۱۳.۴۰۰	۴.۹۶۳.۸۴۱	۴.۷۴۲.۴۴۱	۴.۷۳۳.۷۸۹	۴.۱۰۹.۶۸۹	میلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها
۵.۲۹۶.۵۸۶	۵.۲۱۴.۷۴۳	۴.۳۰۷.۸۳۴	۳.۶۳۶.۵۹۷	۸.۱۰۹.۷۴۸	۷.۹۲۷.۷۹۴	۶.۳۹۰.۸۶۱	۵.۹۳۳.۳۹۴	بهداشت و درمان
۸.۰۰۷.۶۱۷	۶.۴۶۹.۶۸۶	۵.۶۹۵.۱۳۹	۵.۳۰۰.۶۱۵	۱۲.۰۵۰.۴۰۲	۱۱.۴۸۹.۰۹۳	۱۰.۸۲۳.۴۴۳	۱۰.۲۲۴.۵۶۶	حمل و نقل
۲.۷۶۲.۰۷۷	۲.۲۱۰.۱۴۱	۲.۱۰۷.۸۶۲	۲.۰۱۸.۰۸۱	۴.۴۵۷.۱۲۳	۳.۵۲۵.۷۳۱	۳.۵۶۹.۱۸۷	۳.۷۲۵.۸۳۹	ارتباطات
۱.۳۷۸.۹۸۹	۱.۳۴۲.۷۱۱	۱.۲۱۷.۲۹۸	۹۲۴.۲۴۱	۲.۷۸۶.۳۷۹	۲.۶۹۸.۴۶۱	۲.۳۳۵.۸۶۱	۱.۹۸۸.۷۸۸	خدمات فرهنگی و تفریحات
۸۲۳.۸۷۳	۷۴۰.۶۱۵	۶۳۰.۳۶۷	۴۵۳.۷۶۶	۲.۷۸۰.۰۰۱	۲.۵۴۱.۶۵۵	۲.۰۸۹.۹۵۷	۱.۹۵۲.۶۲۷	آموزش و تحصیل
۷۴۶.۸۱۵	۶۴۸.۶۰۶	۶۷۱.۰۰۸	۶۱۹.۶۶۴	۱.۷۵۶.۸۱۹	۱.۵۸۸.۳۵۸	۱.۳۹۵.۸۶۴	۱.۱۹۹.۴۴۳	غذاهای آماده، هتل و رستوران
۶.۸۷۸.۶۷۹	۵.۹۵۶.۳۹۷	۵.۲۷۰.۵۲۴	۴.۳۷۹.۲۴۷	۱۴.۳۴۳.۰۳۹	۱۲.۲۶۹.۲۶۳	۱۱.۱۳۶.۱۲۰	۹.۵۳۰.۴۲۸	کالاها و خدمات متفرقه
۲.۰۷۰.۹۹۳	۲.۱۳۰.۵۹۸	۱.۸۱۷.۲۷۸	۱.۴۹۶.۷۵۷	۲.۲۳۹.۱۸۴	۲.۳۶۴.۲۴۳	۲.۵۲۸.۲۵۷	۱.۸۰۸.۲۰۸	انتقالات
۱۱.۳۳۲.۷۲۵	۱۶.۳۷۶.۳۴۳	۱۷.۰۰۱.۱۵۶	۸.۸۵۶.۰۶۵	۱۲.۷۲۸.۵۷۵	۱۳.۷۵۵.۹۰۹	۱۲.۳۸۲.۵۸۹	۱۲.۶۸۰.۴۵۶	سرمایه‌گذاری
۷.۱۸۰.۸۷۹	۷.۴۰۱.۷۶۷	۶.۵۸۹.۴۹۶	۶.۸۶۵.۴۵۱	۱۱.۰۷۸.۰۷۲	۱۰.۸۲۶.۶۵۸	۹.۰۸۷.۸۱۲	۱۲.۲۳۱.۷۰۹	سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان
۴.۰۵۱.۸۴۷	۸.۹۷۴.۵۷۶	۱۰.۴۱۱.۶۶۰	۱.۹۹۰.۶۱۴	۱.۶۵۰.۵۰۳	۲.۹۲۹.۲۵۱	۳.۲۹۴.۷۷۸	۴۴۸.۷۴۶	سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

جدول ۳-۲- نرخ رشد متوسط هزینه‌ی اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP (درصد)

اقلام	شهری			روستایی		
	رشد ۸۸ نسبت به ۸۷	رشد ۸۹ نسبت به ۸۸	رشد ۹۰ نسبت به ۸۹	رشد ۸۸ نسبت به ۸۷	رشد ۸۹ نسبت به ۸۸	رشد ۹۰ نسبت به ۸۹
هزینه‌ی کل	۶	۱۴	۱۶	۱۰	۱۵	۲۲
هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی	۷	۱۶	۲۶	۵	۱۹	۲۶
هزینه‌های خوراکی (داخل منزل)	۷	۱۶	۲۶	۵	۲۰	۲۷
غلات، نان، آرد، رشته و فرآورده‌های آن	-۲	۱۱	۶۰	-۳	۱۷	۵۱
گوشت قرمز	۱۳	۱۹	۱۳	۸	۲۵	۱۵
ماهی و میگو و فرآورده‌های آن	۴	۱۴	۲۳	۱۶	۱۰	۲۵
شیر و فرآورده‌های آن (بجز کره) و تخم پرندگان	۵	۱۰	۳۰	۵	۹	۲۷
روغن و چربی‌ها و کره	۲	۲۵	۲۲	-۵	۳۰	۲۶
میوه و خشکبار	۱۱	۱۶	۱۵	۸	۲۰	۲۰
سایر هزینه‌های خوراکی	۸	۱۹	۱۸	۱۱	۲۲	۱۶
دخانی‌ها	۳	۶	۵	۱۹	۶	۹
هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل)	۵	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۹
پوشاک و کفش	۰	۹	۳	۶	۸	۲۱
مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی	-۱	۲۰	۲۰	۷	۱۵	۳۸
اجاره‌بهای واقعی و احتسابی مسکن	-۱	۱۸	۱۱	۸	۱۱	۱۳
آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی	۳	۱۸	۸۳	۱۲	۱۷	۷۷
آب	۰	۱۹	۱۱۵	۱۲	۱۵	۸۶
جمع آوری فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی	۱۰	۱۴	۱۱	۱۵	۳۵	۵
روشنایی و سوخت	-۲	۵۳	۱۳۸	۴	۳۷	۱۲۴
برق	-۲	۲۵	۱۱۵	۴	۱۰	۱۲۳
گاز	-۱	۸۹	۱۶۰	۵	۷۵	۱۲۵
سوخت مایع	-۳۱	۳۶	۷۷	-۳	۴۲	۱۳۵
سوخت جامد	۲۰	-۱۶	-۵	۱۹	-۸	۶۱
مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها	۱۵	۰	۵	۱۳	۸	۴
بهداشت و درمان	۸	۲۴	۲	۱۸	۲۱	۲
حمل و نقل	۶	۶	۵	۷	۱۴	۲۴
ارتباطات	-۴	-۱	۲۶	۴	۵	۲۵
خدمات فرهنگی و تفریحات	۱۷	۱۶	۳	۳۲	۱۰	۳
آموزش و تحصیل	۷	۲۲	۹	۳۹	۱۷	۱۱
غذاهای آماده، هتل و رستوران	۱۶	۱۴	۱۱	۸	-۳	۱۵
کالاها و خدمات متفرقه	۱۷	۱۰	۱۷	۲۰	۱۳	۱۵
انتقالات	۴۰	-۶	-۵	۲۱	۱۷	۱۵
سرمایه‌گذاری	-۲	۱۱	-۷	۹۲	-۴	-۳
سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان	-۲۶	۱۹	۲	-۴	۱۲	-۳۱
سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۶۳۴	-۱۱	-۴۴	۴۲۳	-۱۴	-۳

جدول ۳-۳- درصد تغییرات هزینه‌ی اسمی، نرخ تورم و درصد تغییرات مقدار مصرف خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP

اقدام	شهری						روستایی										
	سال ۸۸ نسبت به ۸۷			سال ۸۹ نسبت به ۸۸			سال ۸۸ نسبت به ۸۷			سال ۸۹ نسبت به ۸۸							
	درصد تغییرات	نرخ تورم	درصد هزینه‌ی اسمی	درصد تغییرات	نرخ تورم	درصد هزینه‌ی اسمی	درصد تغییرات	نرخ تورم	درصد هزینه‌ی اسمی	درصد تغییرات	نرخ تورم	درصد هزینه‌ی اسمی					
هزینه‌ی کل	۶	۵/۹	-۳/۵	۱۴	۱۳/۹	۰/۱	۱۶	۲۶/۴	-۱۰/۴	۱۰	۳/۱۰	-۰/۳	۱۵	۰/۲۰	۲۲	۳۶/۵	-۵/۱۴
هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی	۷	۱۳/۲	-۶/۲	۱۶	۲۲/۹	-۶/۹	۲۶	۳۲/۷	-۶/۷	۵	۱۲/۱	-۷/۱	۱۹	۲۷/۰	۲۶	۴۷/۲	-۲۱/۲
هزینه‌های خوراکی (داخل منزل)	۷	۱۲/۸	-۵/۸	۱۶	۲۴/۱	-۸/۱	۲۶	۳۴/۸	-۸/۸	۵	۱۱/۳	-۶/۳	۲۰	۲۸/۳	۲۷	۵۰/۸	-۲۳/۸
غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن	-۲	-۰/۱	-۱/۹	۱۱	۱۸/۸	-۷/۸	۶۰	۵۵/۲	۴/۸	-۳	۰/۵	-۳/۵	۱۷	۳۷/۹	۵۱	۱۲۰/۱	-۶۹/۱
گوشت قرمز	۱۳	۲۳	-۱۰	۱۹	۳۱/۶	-۱۲/۶	۱۳	۱۶/۸	-۳/۸	۸	۱۸/۵	-۱۰/۵	۲۵	۲۸/۱	۱۵	۱۰/۷	۴/۳
ماهی و میگو و فراورده‌های آن	۴	۱۸	-۱۴	۱۴	۱۷/۷	-۳/۷	۲۳	۲۳/۲	-۰/۲	۱۶	۲۰/۸	-۴/۸	۱۰	۱۵/۳	۲۵	۱۷/۹	۷/۱
شیر و فراورده‌های آن (بجز کره) و تخم پرندگان	۵	۱۰/۹	-۵/۹	۱۰	۶/۹	۳/۱	۳۰	۴۲/۶	-۱۲/۶	۵	۱۳/۰	-۸/۰	۹	۶/۱	۲۷	۳۱/۲	-۴/۲
روغن و چربی‌ها و کره	۲	۳/۳	-۱/۳	۲۵	۲۲/۲	۲/۸	۲۲	۴۴/۵	-۲۲/۵	-۵	۴/۰	-۹/۰	۳۰	۱۶/۸	۲۶	۳۶/۴	-۱۰/۴
میوه و خشکبار	۱۱	۱۵/۴	-۴/۴	۱۶	۷/۱	۸/۹	۱۵	۲۱/۸	-۶/۸	۸	۲۴/۴	-۱۶/۴	۲۰	۲۱/۴	۲۰	۴۵/۲	-۲۵/۲
دخانی‌ها	۳	۳۲/۹	-۲۹/۹	۶	۱۵/۲	-۹/۲	۵	۱۰/۳	-۵/۳	۱۹	۳۸/۲	-۱۹/۲	۶	۱۸/۱	۹	۱۰/۵	-۱/۵
هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل)	۳	۸	-۳	۱۳	۱۰/۲	۲/۸	۱۳	۲۳/۴	-۱۰/۴	۱۲	۸/۷	۳/۳	۱۳	۱۳/۳	۱۹	۲۵	-۶
پوشاک و کفش	۰	۹/۳	-۹/۳	۹	۸/۴	۰/۶	۳	۱۵/۴	-۱۲/۴	۶	۱۰/۹	-۴/۹	۸	۹/۶	۲۱	۱۶/۴	۴/۶
مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی	-۱	۸/۱	-۹/۱	۲۰	۹/۲	۱۰/۸	۲۰	۲۷/۷	-۷/۷	۷	۶/۱	۰/۹	۱۵	۱۵/۵	۳۸	۳۸/۲	-۰/۲
مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها	۱۵	۶/۶	۸/۴	۰	۶/۷	-۶/۷	۵	۱۲/۳	-۷/۳	۱۳	۸/۷	۴/۳	۸	۸/۴	۴	۱۳/۲	-۹/۲
بهداشت و درمان	۸	۱۰/۲	-۲/۲	۲۴	۱۲/۱	۱۱/۹	۲	۱۱/۱	-۹/۱	۱۸	۱۲/۲	۵/۸	۲۱	۱۴/۴	۲	۱۱/۲	-۹/۲
حمل و نقل	۶	۴/۸	۱/۲	۶	۱۲/۶	-۶/۶	۵	۲۱/۳	-۱۶/۳	۷	۷/۵	-۰/۵	۱۴	۱۳/۵	۲۴	۲۴/۳	-۰/۳
ارتباطات	-۴	۱/۱	-۵/۱	-۱	۰/۴	-۱/۴	۲۶	۳/۷	۲۲/۳	۴	۰/۳	۳/۷	۵	۰/۰	۲۵	۲/۰	۲۳/۰
خدمات فرهنگی و تفریحات	۱۷	۶/۵	۱۰/۵	۱۶	۹/۵	۶/۵	۳	۱۴/۵	-۱۱/۵	۳۲	۵/۰	۲۷/۰	۱۰	۵/۲	۳	۸/۵	-۵/۵
آموزش و تحصیل	۷	۸/۴	-۱/۴	۲۲	۱۲/۶	۹/۴	۹	۱۰/۹	-۱/۹	۳۹	۳/۴	۳۵/۶	۱۷	۴/۷	۱۱	۶/۳	۴/۷
غذاهای آماده، هتل و رستوران	۱۶	۱۲/۹	۳/۱	۱۴	۱۴/۳	-۰/۳	۱۱	۱۷	-۶	۸	۱۵/۷	-۷/۷	-۳	-۳	۱۵	۱۷/۰	-۲/۰
کالاها و خدمات متفرقه	۱۷	۱۴/۵	۲/۵	۱۰	۲۳/۸	-۱۳/۸	۱۷	۴۲/۵	-۲۵/۵	۲۰	۱۷/۲	۲/۸	۱۳	۲۵/۶	۱۵	۴۵/۵	-۳۰/۵

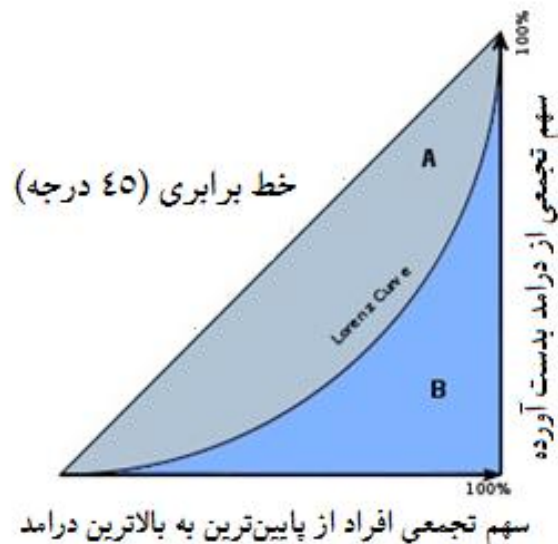
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

جدول ۳-۴- سهم انواع هزینه‌های اسمی ناخالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی از هزینه‌ی کل به تفکیک بخش‌های پرسشنامه بر اساس طبقه‌بندی COICOP

روستایی			شهری			اقلام		
۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	هزینه‌ی کل
۳۸/۰	۳۶/۶	۳۵/۳	۳۶/۷	۲۳/۴	۲۱/۵	۲۱/۱	۲۰/۹	هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی
۳۷/۲	۳۵/۷	۳۴/۴	۳۵/۹	۲۳/۰	۲۱/۰	۲۰/۶	۲۰/۴	هزینه‌های خوراکی (داخل منزل)
۱۰/۷	۸/۶	۸/۴	۹/۵	۵/۹	۴/۳	۴/۴	۴/۷	غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن
۸/۰	۸/۴	۷/۸	۷/۹	۵/۱	۵/۲	۵/۰	۴/۶	گوشت قرمز
۰/۸	۰/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	ماهی و میگو و فراورده‌های آن
۳/۵	۳/۴	۳/۶	۳/۸	۲/۴	۲/۱	۲/۲	۲/۲	شیر و فراورده‌های آن (بجز کره) و تخم پرندگان
۲/۰	۱/۹	۱/۷	۲/۰	۱/۱	۱/۰	۰/۹	۱/۰	روغن و چربی‌ها و کره
۳/۵	۳/۶	۳/۴	۳/۵	۲/۹	۲/۹	۲/۸	۲/۷	میوه و خشکبار
۸/۶	۹/۰	۸/۵	۸/۴	۵/۰	۴/۹	۴/۷	۴/۶	سایر هزینه‌های خوراکی
۰/۸	۰/۹	۱/۰	۰/۹	۰/۴	۰/۵	۰/۵	۰/۵	دخانی‌ها
۶۲/۱	۶۳/۴	۶۴/۷	۶۳/۳	۷۶/۶	۷۸/۵	۷۸/۹	۷۹/۱	هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل)
۶/۱	۶/۲	۶/۶	۶/۸	۴/۲	۴/۷	۴/۹	۵/۲	پوشاک و کفش
۱۸/۰	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۶/۲	۳۲/۸	۳۱/۶	۳۰/۱	۳۲/۲	مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی
۱۱/۲	۱۲/۰	۱۲/۶	۱۲/۸	۲۸/۰	۲۹/۲	۲۸/۱	۳۰/۱	اجاره‌بهای واقعی و احتسابی مسکن
۰/۹	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۱/۱	۰/۷	۰/۷	۰/۷	آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی
۰/۸	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۰/۹	۰/۵	۰/۵	۰/۵	آب
۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	جمع آوری فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی
۵/۹	۳/۲	۲/۷	۲/۹	۳/۶	۱/۸	۱/۳	۱/۴	روشنایی و سوخت
۱/۷	۰/۹	۱/۰	۱/۰	۱/۴	۰/۸	۰/۷	۰/۷	برق
۲/۳	۱/۳	۰/۸	۰/۹	۲/۲	۱/۰	۰/۶	۰/۶	گاز
۱/۷	۰/۹	۰/۷	۰/۸	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سوخت مایع
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	سوخت جامد
۵/۱	۵/۹	۶/۴	۶/۲	۳/۷	۴/۱	۴/۶	۴/۲	مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها
۶/۲	۷/۵	۷/۱	۶/۶	۶/۰	۶/۸	۶/۲	۶/۱	بهداشت و درمان
۹/۴	۹/۳	۹/۴	۹/۶	۸/۹	۹/۹	۱۰/۶	۱۰/۵	حمل و نقل
۳/۳	۳/۲	۳/۵	۳/۷	۳/۳	۳/۰	۳/۵	۳/۸	ارتباطات
۱/۶	۱/۹	۲/۰	۱/۷	۲/۱	۲/۳	۲/۳	۲/۱	خدمات فرهنگی و تفریحات
۱/۰	۱/۱	۱/۰	۰/۸	۲/۱	۲/۲	۲/۰	۲/۰	آموزش و تحصیل
۰/۹	۰/۹	۱/۱	۱/۱	۱/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۲	غذاهای آماده، هتل و رستوران
۸/۱	۸/۵	۸/۷	۷/۹	۱۰/۶	۱۰/۵	۱۰/۹	۹/۸	کالاها و خدمات متفرقه
۲/۴	۳/۱	۳/۰	۲/۷	۱/۷	۲/۰	۲/۵	۱/۹	انتقالات
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	سرمایه‌گذاری
۶۳/۹	۴۵/۲	۳۸/۸	۷۷/۵	۸۷/۰	۷۸/۷	۷۳/۴	۹۶/۵	سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان
۳۶/۱	۵۴/۸	۶۱/۲	۲۲/۵	۱۳/۰	۲۱/۳	۲۶/۶	۳/۵	سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

یکی از شاخص‌های اقتصادی برای بررسی توزیع ثروت در میان مردم، شاخص جینی یا ضریب جینی است. بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی در کشور در نظر گرفته می‌شود.

شاخص جینی از لحاظ ریاضیاتی معمولاً بر اساس منحنی لورنز تعریف می‌شود. در این منحنی محور y نشان‌دهنده درصدی از کل درآمد جامعه است که توسط x درصد فقیرتر جامعه کسب می‌شود. برای مثال، عبور منحنی لورنز از نقطه‌ی $(x=30, y=15)$ برای یک کشور نشان می‌دهد که در این کشور سی درصد فقیرتر جمعیت تنها ۱۵ درصد از کل درآمد این کشور را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین، مشخص است که این منحنی همواره از نقطه‌ی $(x=100, y=100)$ می‌گذرد. شکل ۱-۳ منحنی لورنز را نشان می‌دهد که در آن خط ۴۵ درجه توزیع برابری کامل درآمدها را نشان می‌دهد. می‌توان در نظر گرفت که شاخص جینی نسبت مساحت بین خط برابری و منحنی لورنز (منطقه A در شکل) و مساحت کل زیر خط برابری (منطقه A و B در شکل) یعنی $G = \frac{A}{A+B}$ باشد.

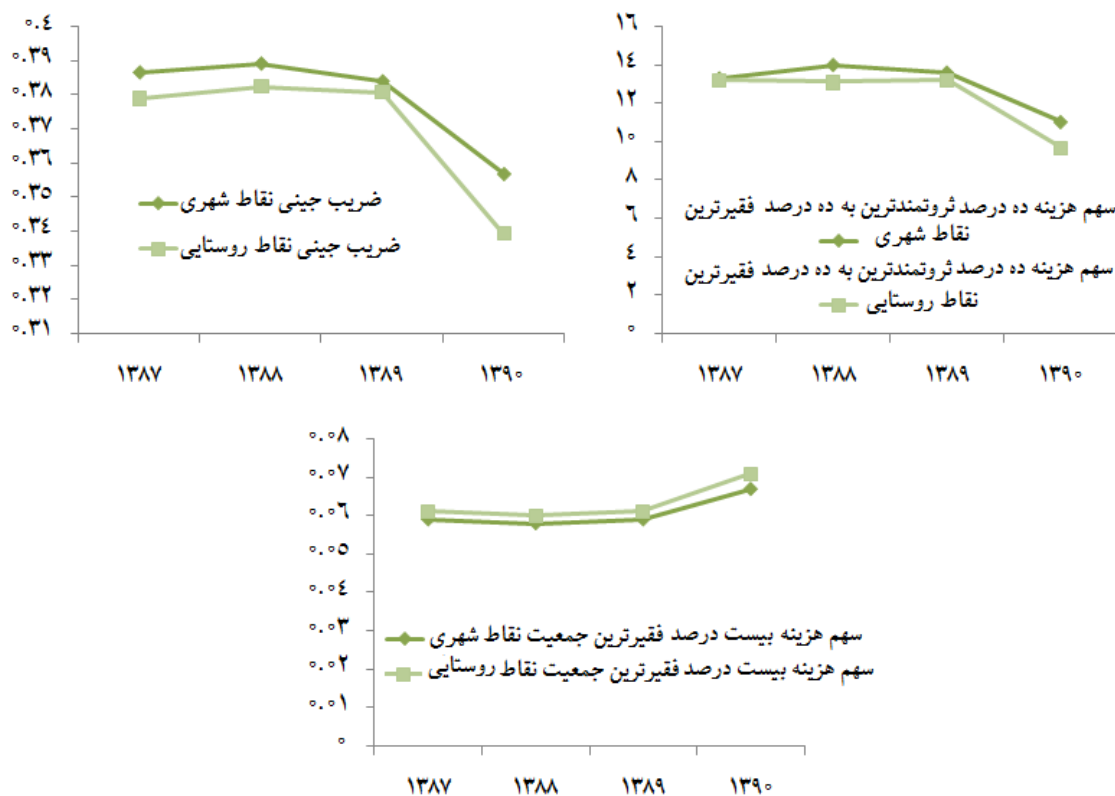


شکل ۱-۳ - منحنی لورنز

شاخص جینی معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود. عدد صفر نشان‌دهنده برابری کامل (انطباق منحنی لورنز با خط ۴۵ درجه) است و بالا رفتن این عدد به معنای نابرابری بیشتر است.

شکل ۲-۳ ضریب جینی و سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین و همچنین سهم هزینه بیست درصد فقیرترین خانوارها را طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که با اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها در اواخر سال ۱۳۸۹، ضریب جینی از $0/381$ در سال ۱۳۸۹ به $0/339$ در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی و از $0/384$ در سال ۱۳۸۹ به $0/357$ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری کاهش یافته است که همان‌طور که مشاهده می‌شود این کاهش در نقاط روستایی بیشتر دیده می‌شود. به عبارت دیگر نابرابری کاهش یافته است. همچنین سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین از $13/30$ در سال ۱۳۸۹ به $11/03$ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و از $13/22$ در سال ۱۳۸۹ به $9/71$ در

سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی کاهش یافته و سهم هزینه بیست درصد فقیرترین خانوارها از ۰/۰۵۹ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۰۶۷ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و از ۰/۰۶۱ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۰۷۱ در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی افزایش یافته است. نتایج نشان می‌دهد که قدرت خرید خانوارهای دهک‌های پایین پس از هدفمندی یارانه‌ها بالاتر رفته است.



شکل ۳-۲- الگوی ضریب جینی، سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین و سهم هزینه بیست درصد فقیرترین جمعیت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱)

جدول ۳-۵ سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ را به تفکیک نقاط شهری و روستایی نشان می‌دهد. نحوه محاسبه سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی به صورت زیر است:

$$\text{سهم هزینه ناخالص سرانه‌ی دهک زام} = \frac{\sum_{i=1}^{n_j} w_i x_i}{\sum_{i=1}^n w_i x_i}$$

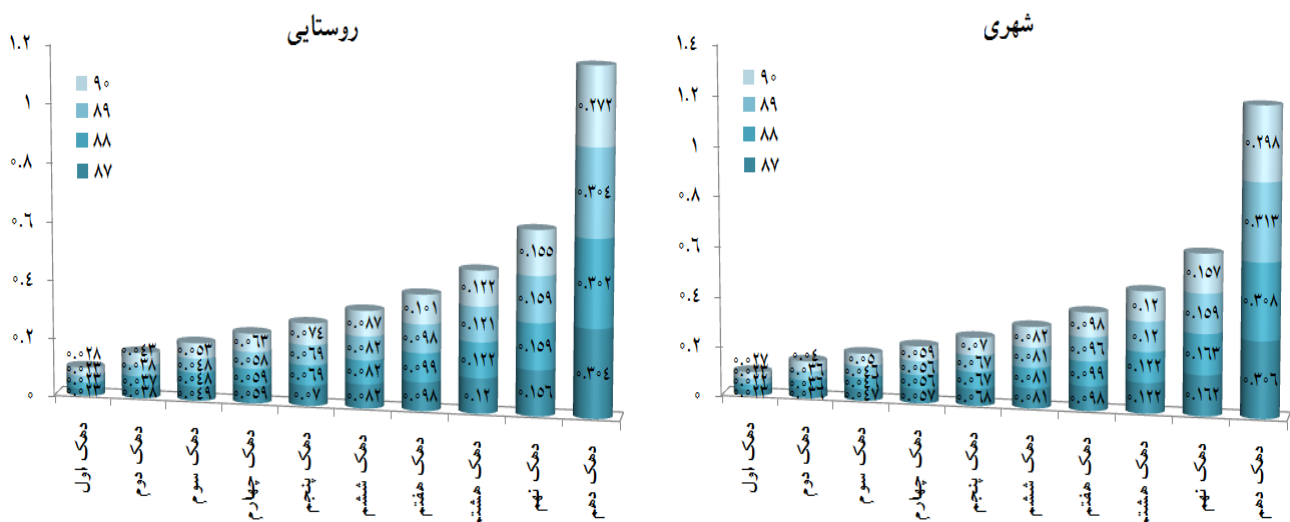
که در آن n_j تعداد خانوارهای موجود در دهک زام سرانه‌ی هزینه‌ی ناخالص، n تعداد کل خانوارها در نمونه، w_i وزن خانوار i ام و x_i هزینه‌ی ناخالص خانوار i ام است. نتایج نشان از افزایش سهم هزینه‌ی ناخالص سرانه‌ی دهک‌های پایین در سال ۱۳۹۰ و کاهش این سهم در دهک‌های نهم و دهم دارد که این افزایش سهم در دهک‌های پایین و کاهش سهم در دهک‌های بالا در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری است. لازم به ذکر است که سهم هزینه‌ی ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در نقاط روستایی به عدد زیر ۱۰ رسیده است. نتایج جدول ۳-۵ و شکل ۳-۳ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ سهم هزینه ناخالص دو دهک ثروتمند جامعه کاهش داشته که این کاهش در نقاط روستایی و در دهک دهم بیشتر دیده

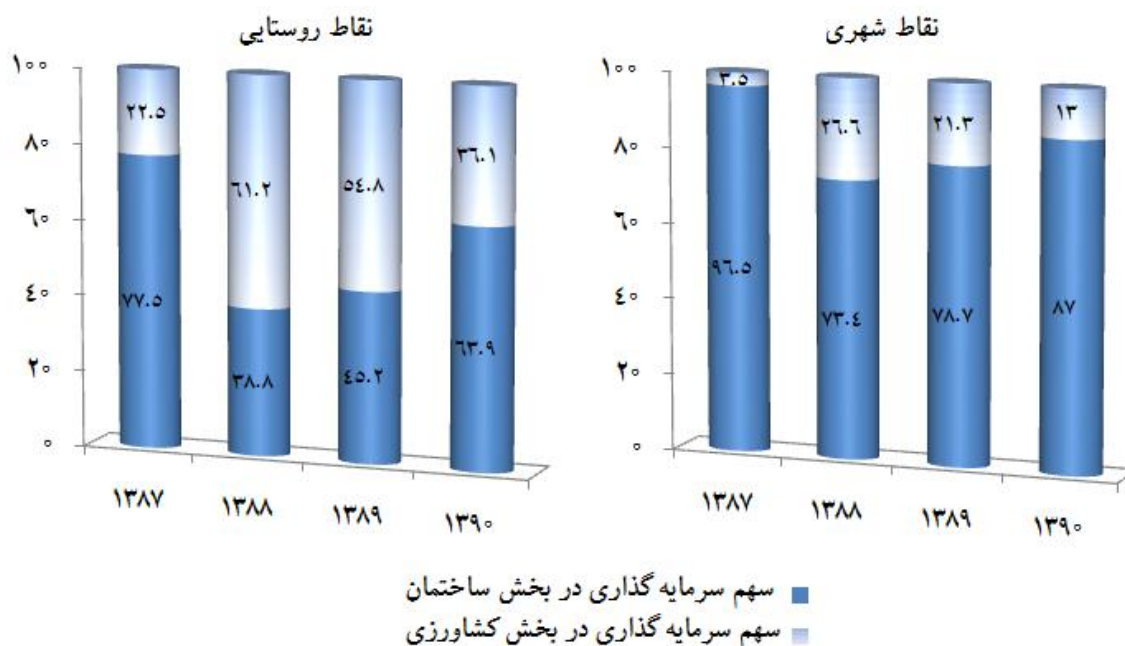
می‌شود. این در حالی است که الگوی سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ تقریباً یکسان بوده است.

جدول ۳-۵- سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

شرح	شهری				روستایی			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
دهک اول	۰/۰۲۳	۰/۰۲۲	۰/۰۲۳	۰/۰۲۷	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۰۲۸
دهک دوم	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۰۴	۰/۰۳۸	۰/۰۳۷	۰/۰۳۸	۰/۰۴۳
دهک سوم	۰/۰۴۷	۰/۰۴۶	۰/۰۴۶	۰/۰۵	۰/۰۴۹	۰/۰۴۸	۰/۰۴۸	۰/۰۵۳
دهک چهارم	۰/۰۵۷	۰/۰۵۶	۰/۰۵۶	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۰/۰۵۸	۰/۰۶۳
دهک پنجم	۰/۰۶۸	۰/۰۶۷	۰/۰۶۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۰۷۴
دهک ششم	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۸۲	۰/۰۸۲	۰/۰۸۲	۰/۰۸۲	۰/۰۸۷
دهک هفتم	۰/۰۹۸	۰/۰۹۹	۰/۰۹۶	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۹۹	۰/۰۹۸	۰/۱۰۱
دهک هشتم	۰/۱۲۲	۰/۱۲۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲۲	۰/۱۲۱	۰/۱۲۲
دهک نهم	۰/۱۶۲	۰/۱۶۳	۰/۱۵۹	۰/۱۵۷	۰/۱۵۶	۰/۱۵۹	۰/۱۵۹	۰/۱۵۵
دهک دهم	۰/۳۰۶	۰/۳۰۸	۰/۳۱۳	۰/۲۹۸	۰/۳۰۴	۰/۳۰۲	۰/۳۰۴	۰/۲۷۲
سهم هزینه بیست درصد فقیرترین جمعیت	۰/۰۵۷	۰/۰۵۸	۰/۰۵۹	۰/۰۶۷	۰/۰۶۱	۰/۰۶	۰/۰۶۱	۰/۰۷۱
سهم هزینه ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین	۱۱/۰۳	۱۴	۱۳/۳۰	۱۱/۰۳	۱۳/۲۲	۱۳/۱۳	۱۳/۲۲	۹/۷۱

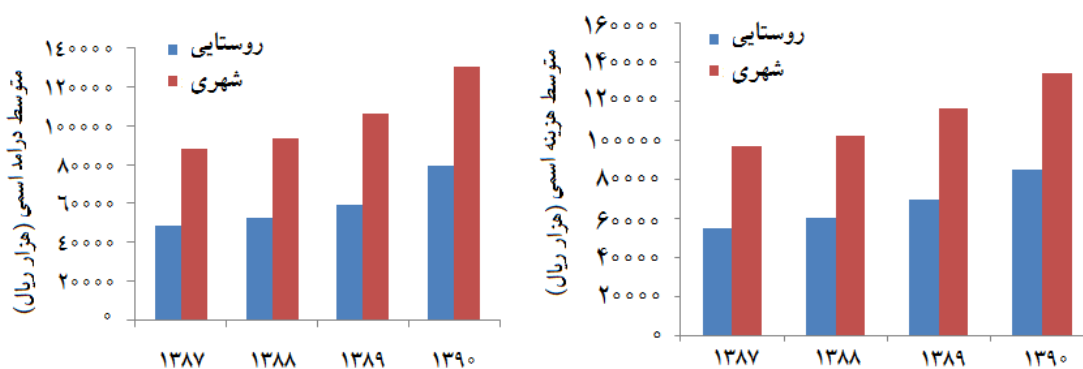
شکل ۳-۳- سهم هزینه ناخالص سرانه هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی





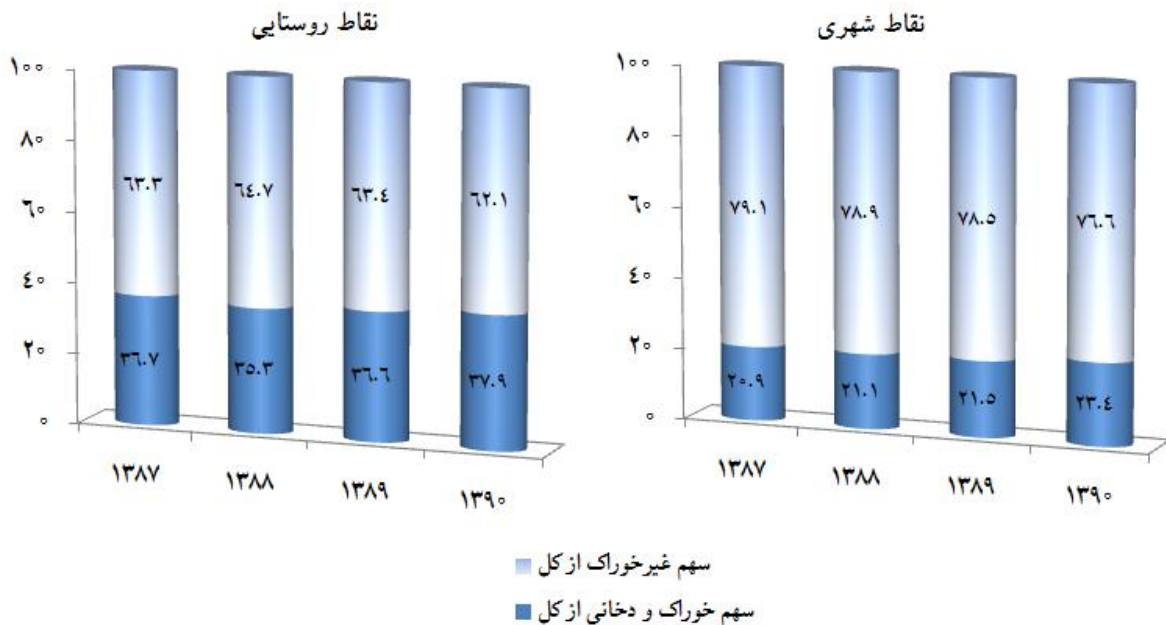
شکل ۳-۴- سهم هزینه سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)

اکنون به بررسی الگوی هزینه‌ها طی ۴ سال مورد مطالعه پرداخته خواهد شد. نتایج شکل ۳-۴ نشان می‌دهد که بالاترین سهم سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان طی ۴ سال مورد بررسی در سال ۱۳۸۷ بوده است که دلیل آن افزایش قیمت‌ها در این سال بوده است. سپس این سهم در سال ۱۳۸۸ کاهش و پس از آن افزایش شده است. کم‌ترین سهم سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان طی سال‌های مورد بررسی در سال ۱۳۸۸ بوده است. اگرچه سهم سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در نقاط شهری خیلی بیشتر از نقاط روستایی است ولی روند افزایشی یا کاهشی آن در نقاط شهری و نقاط روستایی یکسان است. شکل ۳-۵ که متوسط درآمد و هزینه‌های اسمی ناخالص سالانه یک خانوار طی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد، نشان‌دهنده‌ی افزایش درآمد خانوارهای روستایی نسبت به بقیه‌ی گروه‌ها می‌باشد.



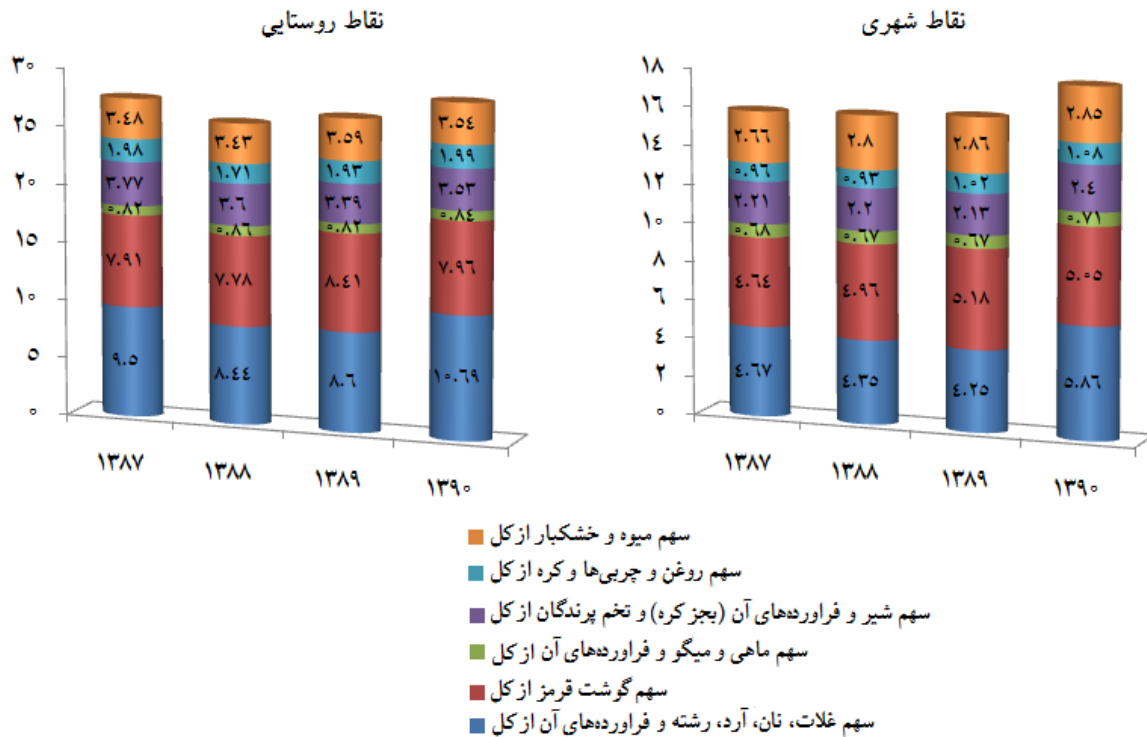
شکل ۳-۵- متوسط درآمد و هزینه اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار به تفکیک نقاط شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰

نتایج شکل ۳-۶ نشان می‌دهد که سهم مواد خوراکی و دخانی در نقاط شهری طی ۴ سال مورد بررسی افزایشی بوده اما این سهم در نقاط روستایی همواره افزایشی نبوده و در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است. بالعکس سهم هزینه‌های غیر خوراکی کاهش یافته است.

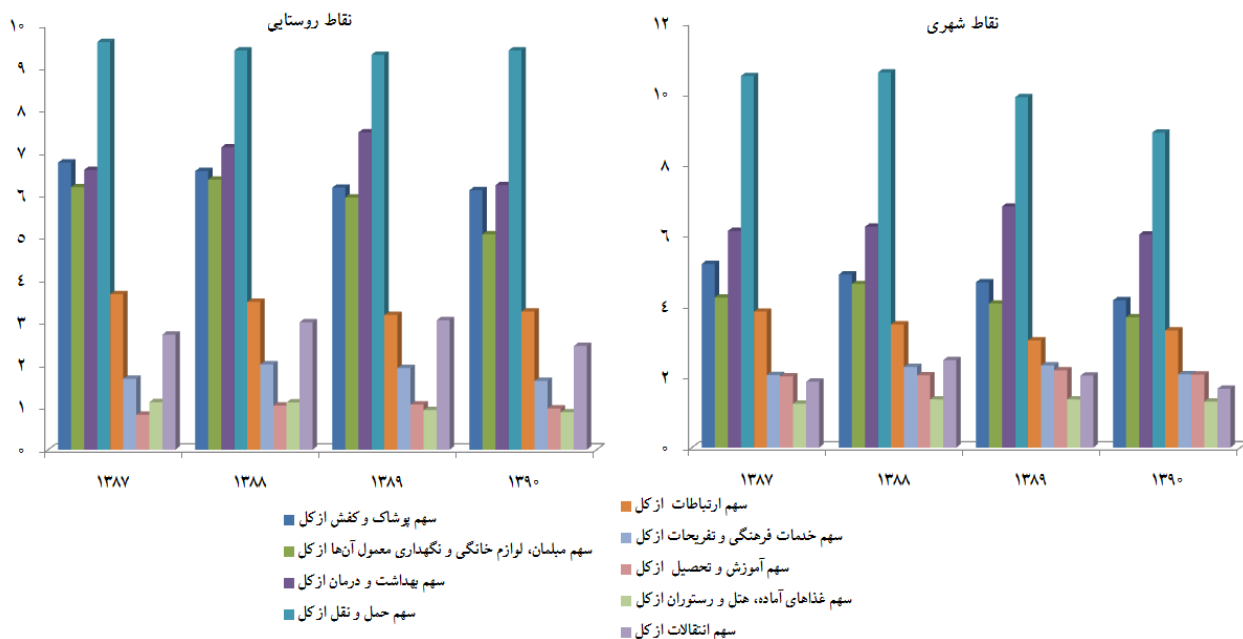


شکل ۳-۶- سهم هزینه‌های ناخالص خوراکی و غیرخوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)

نتایج شکل ۳-۷ نشان می‌دهد که با توجه به حذف یارانه گندم و شیر و فراورده‌های آن در اواخر سال ۱۳۸۹ به بعد، براساس نتایج جدول ۳-۲ شاهد افزایش نرخ رشد این محصولات در سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۹ (۶۰ و ۳۰ درصد در نقاط شهری و ۵۱ و ۲۷ درصد در نقاط روستایی) هستیم. بنابراین علی‌رغم کاهش سهم هزینه‌های این کالاها طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ در نقاط شهری و روستایی، سهم هزینه این کالاها در سال ۱۳۹۰ رشد چشم‌گیری داشته است. اما در خصوص گوشت قرمز، با توجه به کاهش نرخ رشد گوشت قرمز در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ (۱۳ درصد در نقاط شهری و ۱۵ درصد در نقاط روستایی) نسبت به نرخ رشد سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸ (۱۹ درصد در نقاط شهری و ۲۵ درصد در نقاط روستایی) شاهد کاهش سهم هزینه‌های گوشت قرمز در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی هستیم.



شکل ۳-۷- سهم برخی از انواع هزینه‌های ناخالص خوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)

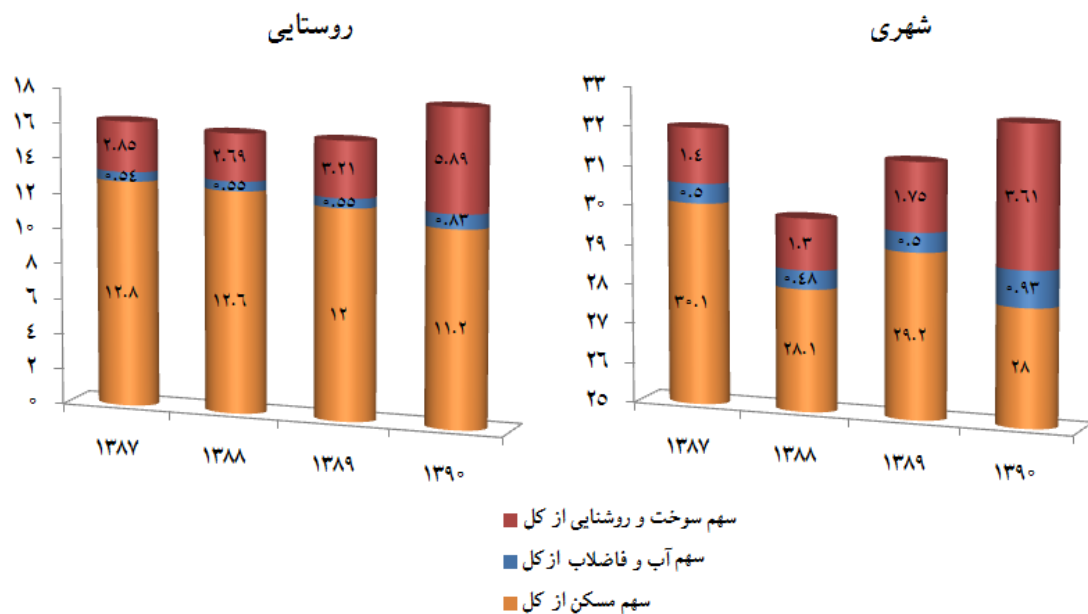


شکل ۳-۸- سهم برخی از هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)

نتایج شکل ۳-۸ کاهش سهم هزینه پوشاک و کفش، سهم میلمان، لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها، سهم بهداشت و درمان، سهم حمل و نقل، سهم خدمات فرهنگی و تفریحی، سهم آموزش، سهم غذاهای آماده، هتل

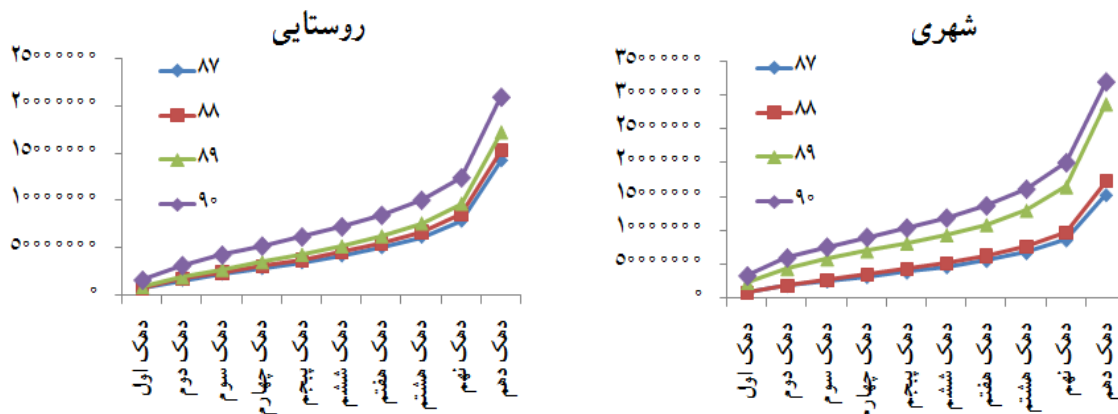
و رستوران و سهم انتقالات در سال ۱۳۹۰ را نسبت به سال ۱۳۸۹ و افزایش سهم هزینه ارتباطات در نقاط شهری را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۳-۶ دیدیم سهم هزینه‌های غیرخوراکی در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. نتایج این نمودار همچنین افزایش سهم حمل و نقل و ارتباطات در نقاط روستایی و کاهش بقیه کالا و خدمات را نشان می‌دهد. در این نمودار بالاترین سهم مربوط به هزینه حمل و نقل با سهم تقریباً بین ۹/۵ تا ۱۰/۵ درصد است.

نتایج شکل ۳-۹ کاهش سهم هزینه‌های بخش مسکن طی ۴ سال مورد بررسی در نقاط روستایی را نشان می‌دهد در حالی که در نقاط شهری این روند دیده نمی‌شود به‌گونه‌ای که این سهم در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ به بالاترین سهم و در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ به کم‌ترین سهم رسیده است. سهم هزینه‌های آب و فاضلاب طی سال‌های مورد بررسی در نقاط شهری و روستایی تقریباً افزایشی بوده است که با توجه به حذف یارانه آب این افزایش سهم در سال ۱۳۹۰ به طور قابل توجه است. سهم هزینه‌های سوخت و روشنایی نیز در همه‌ی سال‌های مورد بررسی غیر از سال ۱۳۸۸ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی افزایشی بوده است که با توجه به حذف یارانه سوخت نیز این افزایش سهم در سال ۱۳۹۰ به طور چشم‌گیر بوده است.



شکل ۳-۹- سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی از کل هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)

شکل ۳-۱۰ متوسط درآمد سالانه‌ی هر خانوار روستایی و شهری را در هر یک از دهک‌های درآمدی نشان می‌دهد. فاصله‌ی بین خطوط شکل ۳-۱۰ که مربوط به سال‌های مختلف است، نشان می‌دهد که درآمد خانوارهای روستایی در تمامی دهک‌ها در سال ۱۳۹۰ بالا رفته است. همچنین در مورد خانوارهای شهری وضعیت درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۹ بسیار رشد داشته است.



شکل ۳-۱۰- متوسط درآمد سالانه یک خانوار در هر یک از دهک‌های درآمد سالانه به تفکیک نقاط شهری و روستایی

اکنون به مقایسه‌ی روند سهم هزینه‌ی ناخالص کل و هزینه‌های جزئی‌تر خانوار در هر دهک طی چهار سال مورد بررسی می‌پردازیم که نتایج آن در شکل‌های ۱ تا ۲۶ پیوست ارائه شده است. نحوه محاسبه سهم هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر از هر دهک وزنی، از تقسیم مجموع وزنی هزینه ناخالص کالاهای مورد نظر در هر دهک بر مجموع وزنی کل هزینه ناخالص به دست آمده است.

به‌طور کلی نتایج شکل‌های ۱ تا ۲۶ پیوست گزارش نشان از کاهش سهم هزینه‌های مختلف در دهک‌های بالا و افزایش سهم انواع هزینه‌ها در دهک‌های پایین دارد که نشان‌دهنده‌ی کاهش فاصله‌ی طبقاتی است.

کاهش فاصله‌ی طبقاتی و افزایش قدرت خرید مردم در دهک‌های پایین برای برخی کالاها مانند غلات، نان و ...، گوشت قرمز در نقاط روستایی، روغن و چربی، آب، انتقالات، کفش و پوشاک، حمل و نقل و ... قابل توجه است ولی در مورد برخی اقلام مانند شیر و فراورده‌های آن، مواد دخانی، مسکن، میوه و خشکبار و ارتباطات، تفاوت فاحشی دیده نمی‌شود. در مورد برخی از اقلام هزینه‌ای مانند هزینه‌های غذای آماده و کالا و خدمات متفرقه کاهش فاصله‌ی طبقاتی دیده نمی‌شود از طرفی الگوی رفتاری آن‌ها در نقاط شهری و روستایی متفاوت است به‌گونه‌ای در نقاط روستایی کاهش فاصله‌ی طبقاتی تا حدی ایجاد شده است.

براساس نتایج شکل ۳-۶ به این نتیجه رسیدیم که سهم مواد خوراکی و دخانی در نقاط شهری طی ۴ سال مورد بررسی افزایشی و سهم هزینه‌های غیر خوراکی کاهش یافته است. نکته قابل توجه این است که افزایش سهم هزینه‌های گروه کالاهای خوراکی به تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تصمیم‌گیری در مورد وضعیت رفاهی گروهی خاص باشد. در دهک‌های پایین درآمدی که افراد از نظر وضعیت مادی در سطوح پایین‌تری قرار دارند معمولاً ترکیب خوراکی‌ها به‌گونه‌ای است که حتی با افزایش سطح قیمت‌ها، به دلیل اینکه این گروه از افراد باید حداقل نیازهای خوراکی خود را برآورده کنند، امکان کم کردن از مقدار مصرف آن‌ها وجود ندارد که اصطلاحاً برای این گروه‌های ضعیف درآمدی خوراکی‌ها جنبه کالاهای کم‌کشش و گاهاً بی‌کشش پیدا می‌کند. در صورتی که درآمد کل این افراد به واسطه تغییر شرایط اقتصادی کاهش یابد، میزان مصرف آن‌ها به آن میزان کاهش نخواهد یافت، لذا سهم گروه کالاهای خوراکی از کل هزینه‌های خانوار

افزایش خواهد یافت و این افزایش نشان دهنده‌ی بهبود وضعیت خانوار نیست. می‌توان حالتی دیگر را متصور بود که در آن، با افزایش سطوح مشخصی در درآمدهای خانوار در گروه‌های (دهک) پایین درامدی چون مصارف در حداقل مقدار ممکنه قرار دارد، میزان افزایش در مصرف در اغلب اوقات بیش از افزایش در درآمد است که سبب می‌شود تا باز هم سهم هزینه‌های مصرفی از کل هزینه‌ها (درآمد) افزایش یابد لذا افزایش در هزینه‌های خوراکی نمی‌تواند نشان دهنده بهبود و یا تضعیف وضعیت موجود باشد. این شاخص باید در کنار سایر شاخص‌ها مورد مطالعه قرار گیرد تا بتوان تفسیری صحیح از این تغییرات ارائه داد.

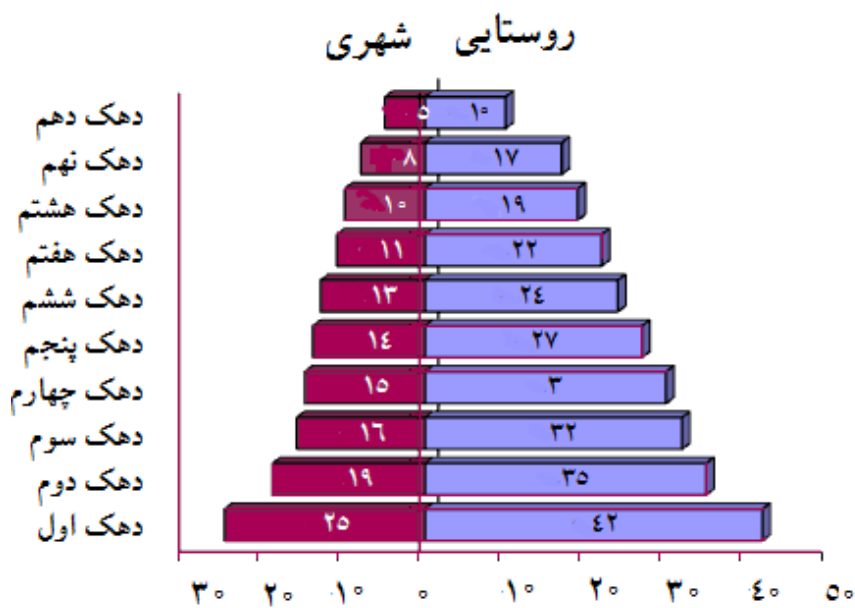
شاخص دیگری که در کنار شاخص سهم هزینه‌های خوراکی باید در نظر گرفته شود تا توضیح دهد که آیا برای افراد دهک‌های پایین وضعیت بهتر شده یا خیر، شاخص سهم هزینه کل از هر دهک وزنی می‌باشد. در این گزارش براساس نتایج شکل‌های ۱ تا ۲۶ پیوست، مجموع وزنی هزینه‌ها به مجموع وزنی هزینه‌های کل در دهک‌های پایین در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است. پس هزینه‌های کل دهک‌های پایین نسبت به سایر دهک‌ها افزایش داشته و این افزایش در کنار افزایش در سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌های خانوار در دهک‌های پایین نشان دهنده‌ی افزایش نسبی قدرت خرید خانوارها در دهک‌های پایین درامدی است. نکته دیگر این است که چون از نسبت هزینه‌ها استفاده شده است، آثار قمیتی یا اسمی از افزایش هزینه‌ها زدوده شده و تغییرات به دست آمده نشان دهنده‌ی تغییرات واقعی است.

نکته‌ی قابل توجه دیگر در این نمودارها این است که در برخی از هزینه‌ها مانند غذاهای آماده، هتل و رستوران‌ها و حمل و نقل نزدیک ۵۰ درصد سهم هزینه‌ها مربوط به دهک دهم است ولی در مورد برخی دیگر از هزینه‌ها مانند غلات، نان، آرد، شیر، روغن و چربی‌ها، سوخت و روشنایی، خوراکی و دخانی و هزینه‌های ضروری خانوار حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد سهم هزینه‌ها به دهک دهم تعلق دارد و این سهم بین دهک‌ها از دهک اول به بالا با شیب ملایمی افزایشی است.

از آن‌جا که در پرسشنامه‌ی طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارها سؤال یارانه‌ی دریافتی در سال ۱۳۹۰ اضافه شده است، در جدول ۳-۶ سهم یارانه‌ی دریافتی از درآمد خانوار در سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های درامدی در نقاط شهری و روستایی ارائه شده است. نحوه‌ی محاسبه سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک وزنی درآمد از تقسیم مجموع وزنی یارانه دریافتی همه خانوارها در هر دهک درامدی بر مجموع وزنی کل درآمد همه خانوارها در هر دهک مورد بررسی به دست آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوارهای روستایی در دهک اول ۴۲ درصد و در خانوارهای شهری ۲۵ درصد بوده است که با افزایش دهک‌ها این سهم کاهش می‌یابد به گونه‌ای که این سهم در دهک دهم خانوارهای روستایی به ۱۰ درصد و در خانوارهای شهری به ۵ درصد می‌رسد. شکل ۳-۱۱ نیز توزیع سهم یارانه‌ی دریافتی خانوارها از درآمد خانوار را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۶- سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک درآمدی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ (درصد)

دهک	روستایی	شهری
دهک اول	۴۲	۲۵
دهک دوم	۳۵	۱۹
دهک سوم	۳۲	۱۶
دهک چهارم	۳۰	۱۵
دهک پنجم	۲۷	۱۴
دهک ششم	۲۴	۱۳
دهک هفتم	۲۲	۱۱
دهک هشتم	۱۹	۱۰
دهک نهم	۱۷	۸
دهک دهم	۱۰	۵



شکل ۳-۱۱- توزیع سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوار در هر دهک درآمدی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ (درصد)

برای محاسبه سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک از فرمول زیر استفاده شده است

$$\text{سهم هزینه‌ی } k \text{ ام از هزینه‌ی کل در دهک } j \text{ ام} = \frac{\sum_{i=1}^{n_j} w_{ij} x_{ijk}}{\sum_{i=1}^{n_j} w_{ij} y_{ij}} \times 100$$

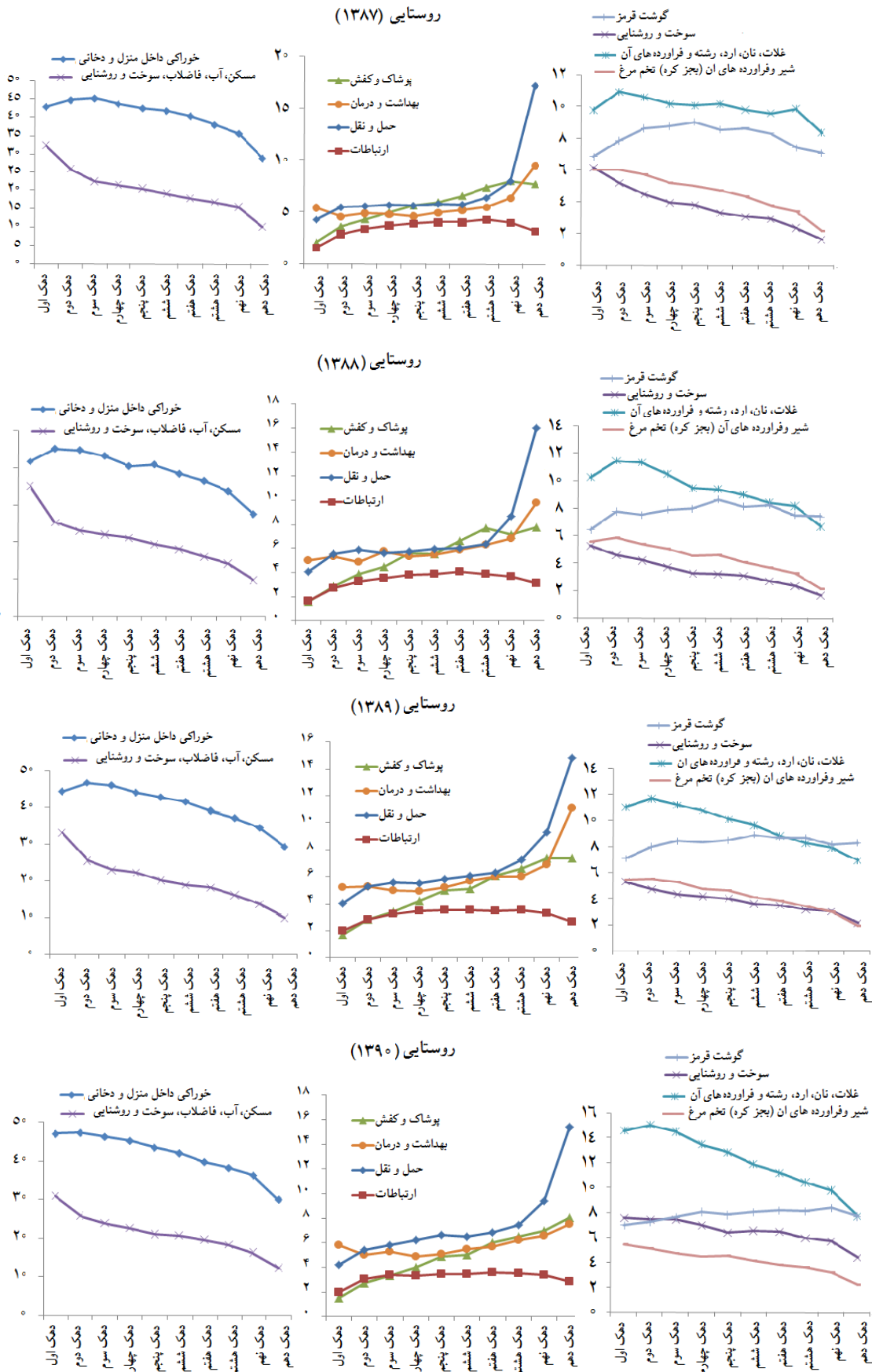
که در آن n_j تعداد خانوارها در دهک z_j ، w_{ij} وزن خانوار i ام در دهک z_j ام، x_{ijk} هزینه k ام خانوار i ام در دهک z_j ام و y_{ij} هزینه‌ی کل خانوار i ام در دهک z_j ام است. شکل‌های ۳-۱۲ و ۳-۱۳ به ترتیب سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه را در نقاط روستایی و شهری نشان می‌دهد.

نتایج شکل ۳-۱۲ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ سهم هزینه‌ی خوراکی داخل منزل و دختی خانوارهای دهک اول روستایی نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. همچنین در نقاط روستایی سهم هزینه‌های خوراکی داخل منزل و دختی در تمام دهک‌ها بیشتر از سهم هزینه‌ی مسکن، آب، فاضلاب و سوخت و روشنایی است در حالی که براساس نتایج شکل ۳-۱۳ سهم هزینه‌ی مسکن، آب، فاضلاب و سوخت و روشنایی در نقاط شهری در تمام دهک‌ها از سهم هزینه‌های خوراکی بالاتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سهم هزینه‌های مسکن و هزینه‌های خوراکی هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی در دهک‌های پایین بیشتر از دهک‌های بالا است، به‌گونه‌ای که سهم هزینه‌ی مسکن دهک اول خانوارهای روستایی از ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۰ درصد در دهک دهم رسیده است که این سهم در خانوارهای شهری از ۴۳ درصد در دهک اول به ۲۸ درصد در دهک دهم رسیده است.

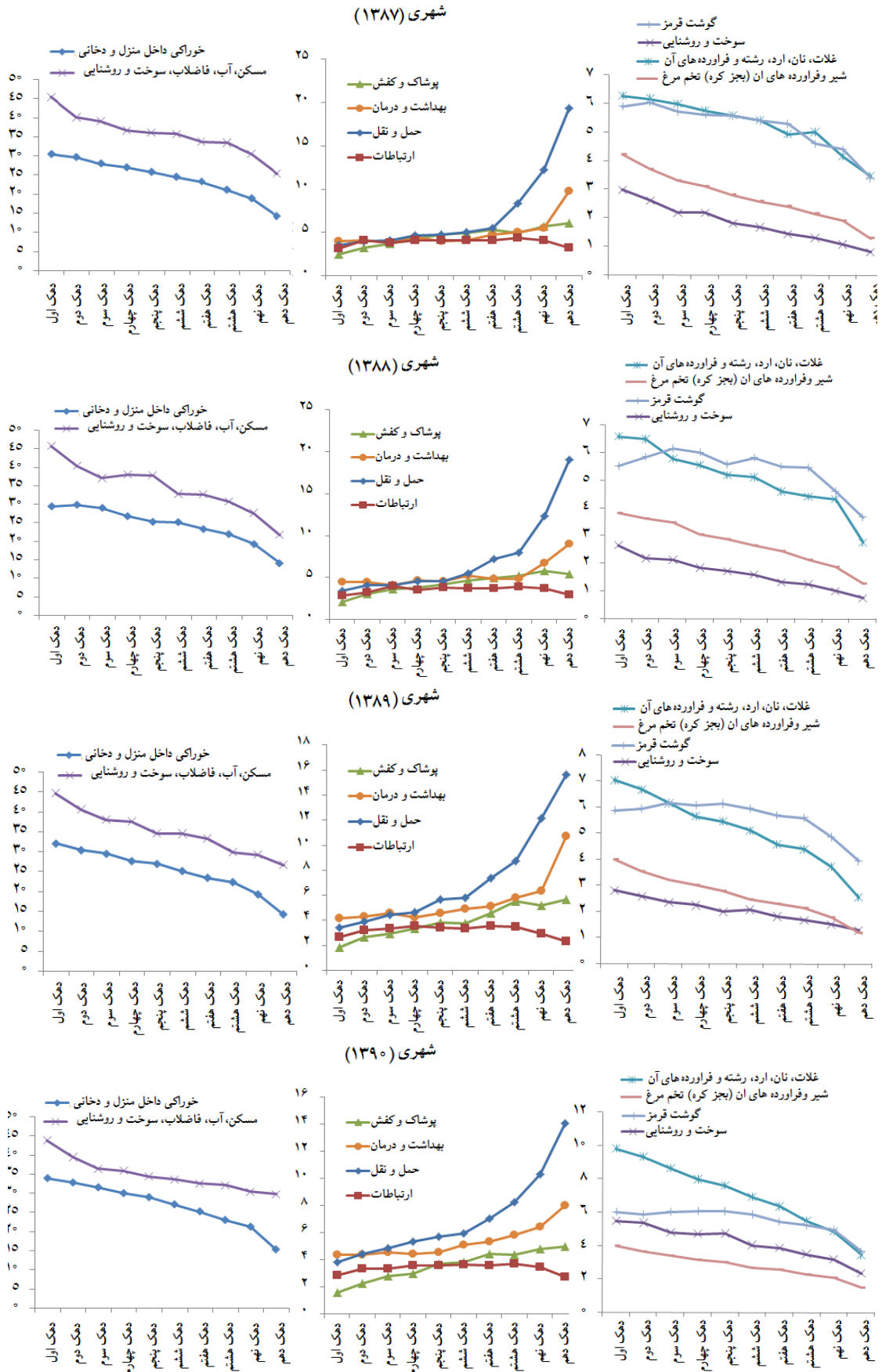
الگوی سهم هزینه‌های بهداشت و درمان دهک دهم در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل تغییر کرده است به گونه‌ای که در دهک دهم سهم این هزینه در سال‌های قبل تقریباً ۱۰ یا ۱۱ درصد بوده در حالی که در سال ۱۳۹۰ به ۸ درصد کاهش یافته و سهم هزینه‌ی دهک اول در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

سهم هزینه‌های غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و روستایی در تمام دهک‌ها نسبت به سال‌های قبل تقریباً ۲ درصد افزایش یافته و سهم این قلم با شیب تندتری با افزایش دهک، کاهش می‌یابد. همچنین سهم گوشت قرمز تقریباً در تمام دهک‌ها یکسان و تقریباً ۸ درصد بوده است.

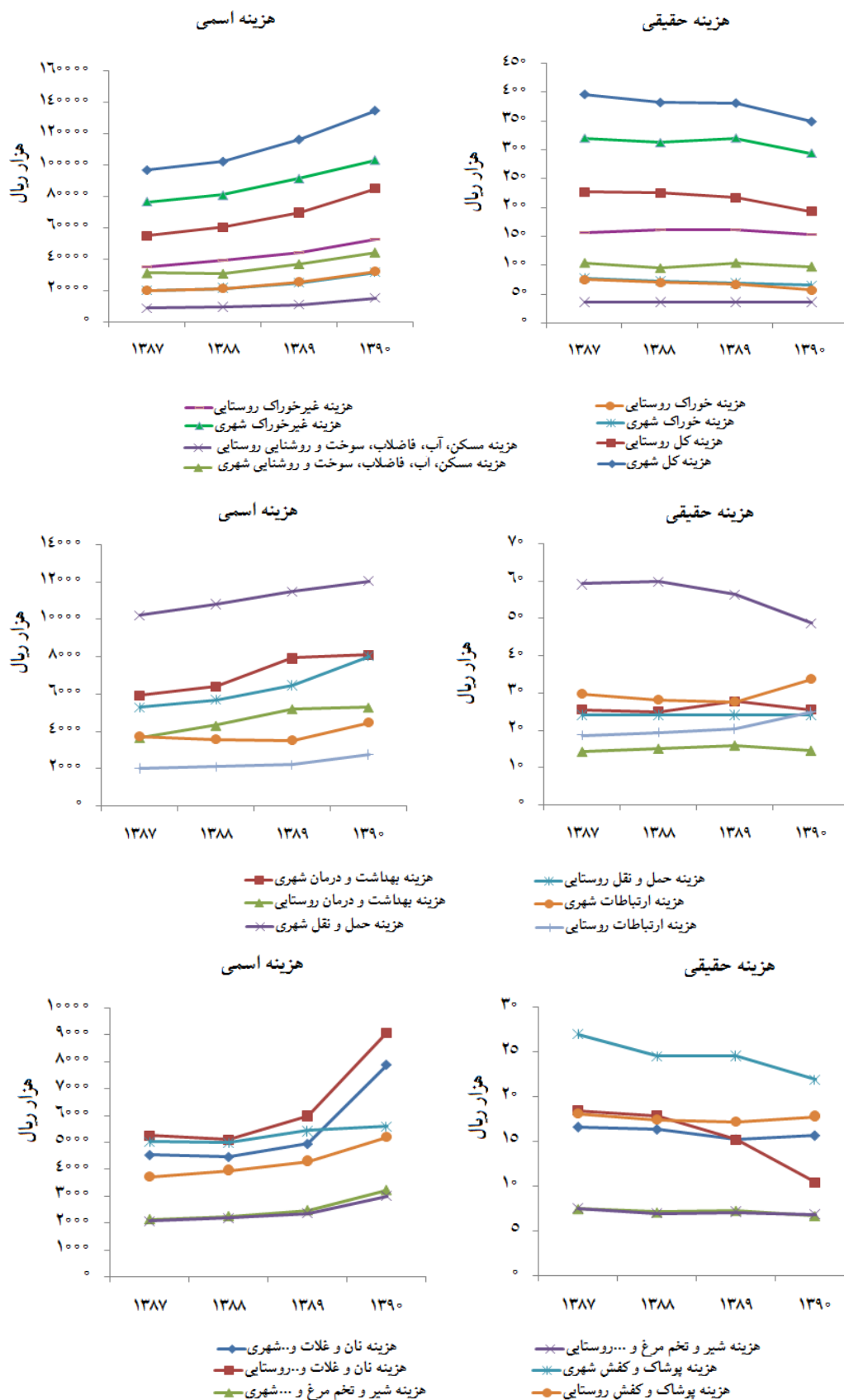
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها



شکل ۳-۱۲- سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه در نقاط روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ (درصد)



شکل ۳-۱۳- سهم انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل در هر دهک وزنی هزینه در نقاط شهری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ (درصد)

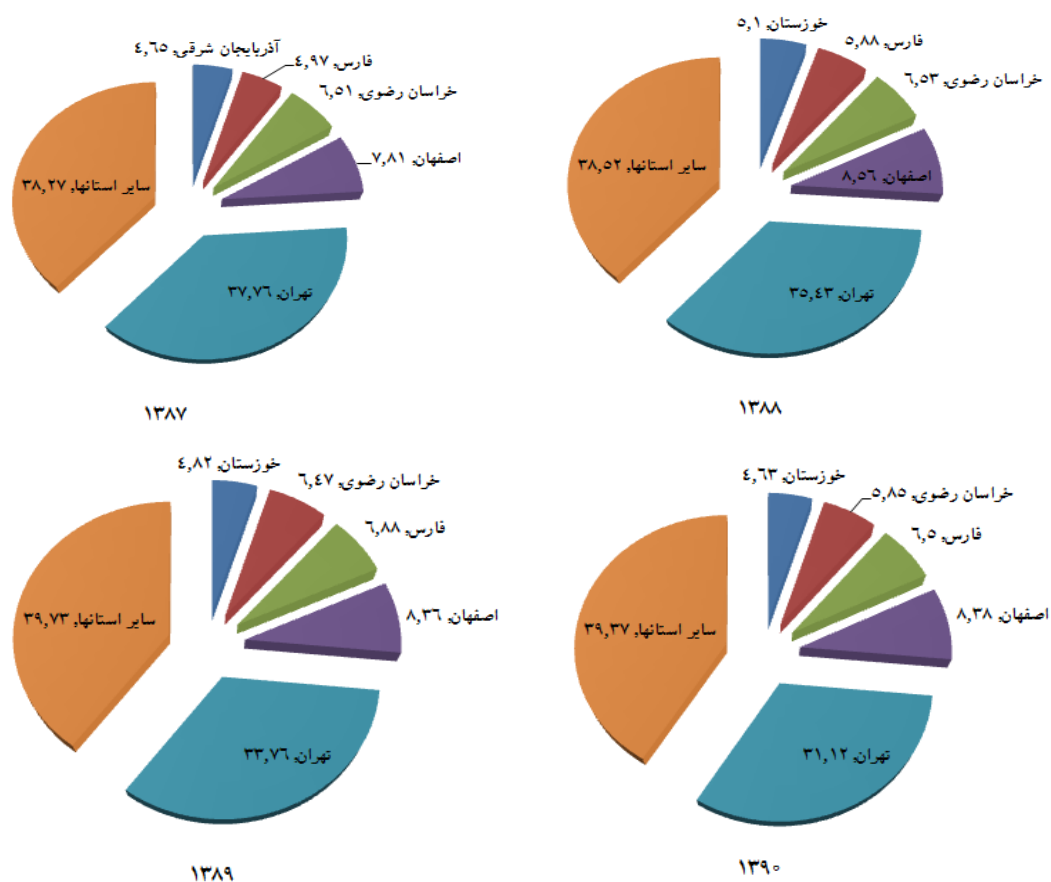


شکل ۳-۱۴- الگوی هزینه‌ی حقیقی خانوارهای شهری و روستایی در بخش‌های مختلف هزینه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۱)

شکل ۳-۱۴ الگوی هزینه‌های اسمی و حقیقی خانوارهای شهری و روستایی را قبل و پس از تورم‌زدایی براساس قیمت ثابت سال ۱۳۸۱ در بخش‌های مختلف هزینه‌ای از جمله کل هزینه‌ها، هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی، هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، حمل و نقل، و... طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. نتایج شکل ۳-۱۴ نشان می‌دهد که هزینه‌های اسمی اقلام مورد بررسی غیر از بهداشت و درمان طی سال‌های مورد مطالعه افزایشی است که این مسأله به دلایل افزایش نرخ تورم، طبیعی است. اما هزینه‌های حقیقی کل شهری و روستایی، هزینه‌های حقیقی خوراکی (داخل منزل) و دخانی خانوارهای روستایی و هزینه‌های غیر خوراکی شهری در سال ۱۳۹۰ یعنی پس از هدفمندی یارانه‌ها کاهش چشم‌گیری داشته است ولی هزینه‌های خوراکی شهری، غیر خوراکی روستایی و مسکن نقاط شهری و روستایی تقریباً طی سال‌های مورد بررسی ثابت مانده است.

همچنین هزینه‌های حقیقی حمل و نقل، بهداشت و درمان، پوشاک و کفش نقاط شهری و همچنین هزینه‌های حقیقی نان و غلات نقاط روستایی در سال ۱۳۹۰ کاهش چشم‌گیری داشته است اما هزینه‌هایی مانند ارتباطات نقاط شهری و روستایی افزایش چشم‌گیری داشته است. همچنین هزینه‌های حقیقی بقیه‌ی اقلام مورد بررسی طی سال‌های مورد مطالعه تقریباً ثابت مانده‌اند.

درآمد (نقاط شهری)

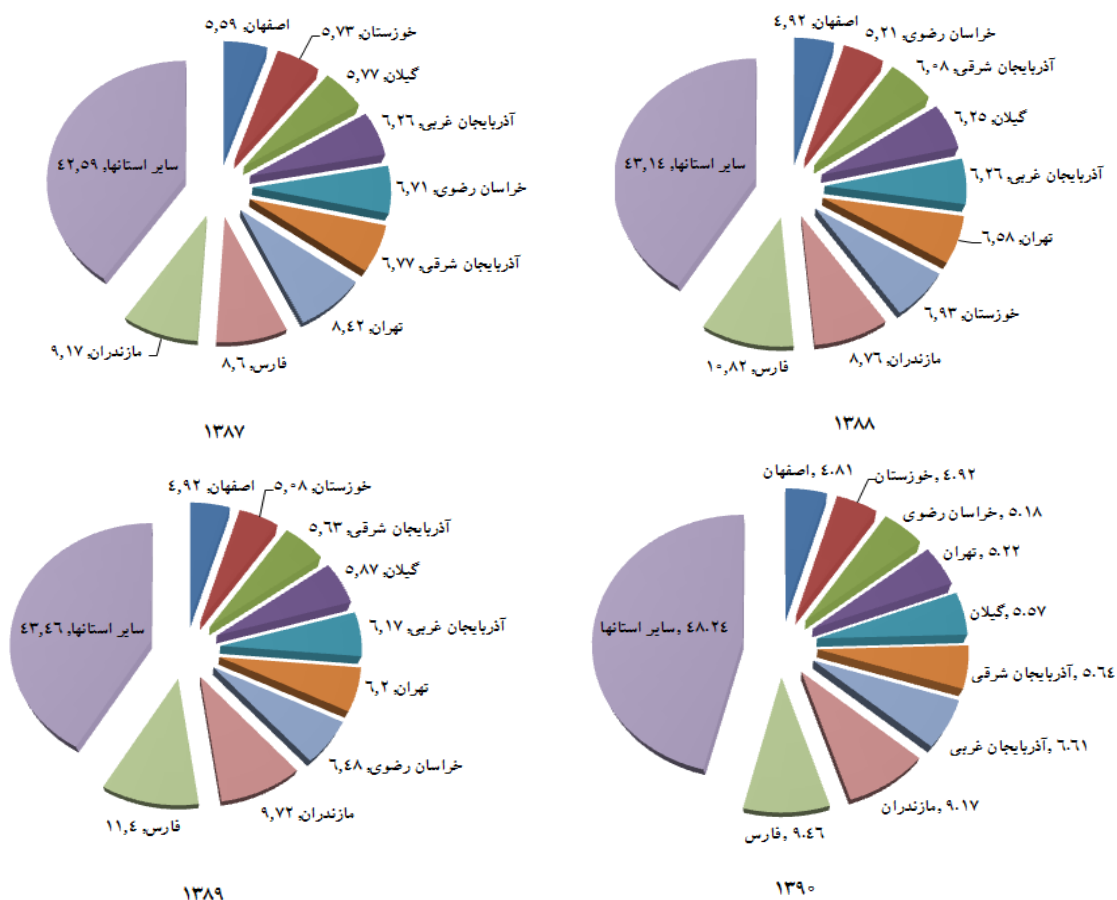


شکل ۳-۱۵ - سهم درآمد نقاط شهری هر استان از درآمد کل نقاط شهری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

به منظور بررسی الگوی سهم هزینه و درآمد هر استان از هزینه و درآمد کل کشور و طبقه‌بندی استان‌ها از لحاظ بالا بودن سهم هزینه‌ها، جدول ۳-۷ و شکل‌های ۳-۱۵ و ۳-۱۶ سهم درآمد هر استان از درآمد کل کشور، و جداول ۳-۸ تا ۳-۱۳ سهم برخی هزینه‌های مهم از جمله خوراکی، غیر خوراکی، مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی، بهداشت و درمان و حمل و نقل را در هر استان از هزینه‌های مربوطه کل کشور در نقاط شهری و روستایی ارائه داده است.

نتایج جدول ۳-۷ و شکل‌های ۳-۱۵ و ۳-۱۶ نشان می‌دهد سهم درآمد نقاط روستایی استان‌های مازندران و فارس با سهم تقریباً ۸/۵ تا ۱۱ درصد در تمام سال‌های مورد بررسی، بالاترین سهم، و سپس آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی، تهران، خوزستان، گیلان و اصفهان بالاترین سهم درآمد از درآمد کل نقاط روستایی با سهم تقریباً ۵ تا ۷ درصد را دارا می‌باشند. نکته قابل توجه این است که سهم درآمد نقاط روستایی تهران از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ در حال کاهش است. بالاترین سهم درآمد نقاط شهری استان‌ها از کل درآمد نقاط شهری به استان تهران با سهم ۳۷/۷۶ در سال ۱۳۸۶ و سهم ۳۱/۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰ اختصاص دارد که روند کاهشی طی چهار سال مورد بررسی را دارد. استان‌های بعدی، اصفهان با سهم تقریباً ۸ درصد، فارس، خراسان رضوی با سهم بین ۵ تا ۷ درصد، خراسان رضوی با سهم بین ۶ تا ۷ درصد و خوزستان با سهم ۴ تا ۵ درصد بالاترین سهم درآمد از کل نقاط شهری را دارا بوده‌اند.

درآمد (نقاط روستایی)



شکل ۳-۱۶ - سهم درآمد نقاط روستایی هر استان از درآمد کل نقاط روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

الگوی سهم هزینه‌های ناخالص کل هر استان از هزینه‌ی کل کشور در نقاط شهری و روستایی تقریباً روند الگوی درآمد را دربردارد.

سهم هزینه‌های ناخالص خوراکی داخل منزل و دخانی استان‌های مازندران و فارس با سهم تقریباً ۸ درصد در نقاط روستایی بالاترین سهم و سپس خراسان رضوی، آذربایجان غربی و خوزستان با سهم تقریباً ۶ تا ۷ درصد در رتبه‌ی بعدی قرار دارند. در نقاط شهری بالاترین سهم در تمام سال‌های مورد بررسی مربوط به تهران با سهم ۲۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ روندی کاهشی داشته است. سپس بالاترین سهم مربوط به اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان و فارس با سهمی بین ۶ تا ۷ درصد می‌باشد.

کمترین سهم هزینه‌های خوراکی خانوارهای روستایی مربوط به قم با سهم ۰/۲۵ درصد و استان‌های سمنان، یزد و البرز و خراسان جنوبی با سهم کمتر از ۱ درصد بوده است. در نقاط شهری کمترین سهم مربوط به استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، خراسان شمالی و جنوبی با سهم کمتر از ۱ درصد بوده است.

در خصوص هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی خارج از منزل خانوارهای روستایی، بالاترین سهم مربوط به استان مازندران با ۱۰/۴ درصد و فارس و خراسان رضوی به ترتیب با سهمی تقریباً ۸ و ۷ درصد جزو استان‌های با بالاترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی بوده‌اند و استان قم با ۰/۲۷ درصد کمترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی را دربردارند.

در نقاط شهری نیز تهران با سهم ۳۶/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ بالاترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی خارج از منزل را به خود اختصاص داده است. سپس استان‌های فارس، خراسان رضوی و اصفهان با سهمی بین ۶ و ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

تقریباً ترتیب بالاترین سهم هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی در نقاط شهری مانند هم بوده‌اند و همچنین روند سهم نقاط روستایی مربوط به هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی نیز یکسان است.

در خصوص سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی در نقاط روستایی، استان‌های مازندران، فارس و تهران با سهم بین ۸ تا ۹ درصد بالاترین سهم و استان تهران در نقاط شهری با ۴۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به عنوان استان با بالاترین سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب و سوخت و روشنایی شناخته شده است. سپس استان‌های فارس، اصفهان و خراسان رضوی با سهمی تقریباً ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در خصوص هزینه‌ی بهداشت و درمان در نقاط روستایی استان فارس با سهم ۱۴ درصد در رتبه‌ی اول و استان‌های گیلان، آذربایجان شرقی و غربی با سهم تقریباً ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در خصوص خانوارهای نقاط شهری، تهران با ۲۸/۶ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ بالاترین سهم و استان‌های فارس و اصفهان با سهمی بین ۱۰ تا ۱۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. هزینه‌های حمل و نقل نقاط روستایی استان‌ها، فارس و مازندران به ترتیب با سهم ۹/۸ و ۸/۹ درصد بالاترین سهم و استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، خوزستان، کرمان و خراسان رضوی با سهمی تقریباً بین ۵ تا ۷ درصد در رتبه‌های

بعدی قرار دارد. بالاترین سهم این هزینه در نقاط شهری به استان تهران با $31/75$ درصد در سال 1387 و 23 درصد در سال 1390 تعلق دارد و استان‌های اصفهان، فارس و خوزستان با سهم بین 7 تا 9 درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نکته‌ی قابل توجه این که سهم تمام هزینه‌های مورد بررسی استان تهران طی سال‌های مورد بررسی چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی روند کاهشی داشته است. استان فارس چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی از جمله استان‌های دارای سهم بالای انواع هزینه‌ها از هزینه‌ی کل و استان تهران در نقاط شهری بالاترین سهم هزینه‌ها و درآمد را نسبت به استان‌های دیگر دارد.

جدول ۳-۷- سهم درآمد هر استان از درآمد به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۵۵	۱/۴۵	۲/۰۷	۲/۲۵	۱/۳۸	۱/۸۱	۲/۰۱	۲/۱۸
گیلان	۵/۷۷	۶/۲۵	۵/۸۷	۵/۵۷	۲/۹۱	۲/۷۲	۲/۶۲	۲/۶۲
مازندران	۹/۱۷	۸/۷۶	۹/۷۲	۹/۱۷	۳/۲۸	۳/۱۲	۳/۶	۲/۹۶
آذربایجان شرقی	۶/۷۷	۶/۰۸	۵/۶۳	۵/۶۴	۴/۶۵	۴/۷۳	۴/۵	۴/۱۴
آذربایجان غربی	۶/۲۶	۶/۲۶	۶/۱۷	۶/۶۱	۳/۲۹	۳/۰۴	۳/۴۵	۳/۴۵
کرمانشاه	۲/۷۱	۲/۵۵	۲/۸	۲/۷۳	۲	۲/۰۱	۲/۳۴	۲/۴۶
خوزستان	۵/۷۳	۶/۹۳	۵/۰۸	۴/۹۲	۴/۶۱	۵/۱	۴/۸۲	۴/۶۳
فارس	۸/۶	۱۰/۸۲	۱۱/۴	۹/۴۶	۴/۹۷	۵/۸۸	۶/۸۸	۶/۵
کرمان	۳/۵۱	۴/۱۴	۴/۲۲	۴/۸	۲/۵۲	۲/۱۹	۲/۳۴	۲/۰۲
خراسان رضوی	۶/۷۱	۵/۲۱	۶/۴۸	۵/۱۸	۶/۵۱	۶/۵۳	۶/۴۷	۵/۸۵
اصفهان	۵/۵۹	۴/۹۲	۴/۹۲	۴/۸۱	۷/۸۱	۸/۵۶	۸/۳۶	۸/۳۸
سیستان و بلوچستان	۱/۸۱	۲/۰۳	۱/۶۳	۲/۱۶	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۹	۱/۰۱
کردستان	۱/۹۴	۲/۳۸	۲/۳۵	۱/۹۹	۱/۰۹	۱/۳۷	۱/۳	۱/۳۵
همدان	۲/۴۳	۲/۶۸	۲/۶۹	۲/۶۸	۱/۳۶	۱/۵۳	۱/۷۴	۱/۶۲
چهارمحال و بختیاری	۱/۶۳	۱/۷۸	۱/۹۱	۱/۹۴	۰/۶۳	۰/۶۷	۰/۷۴	۱
لرستان	۲/۳۳	۲/۸۶	۲/۰۹	۳/۴۷	۱/۸۴	۲/۰۱	۱/۶۹	۱/۹۹
ایلام	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۸۲	۱/۲	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۴۴	۰/۶۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۷۶	۰/۷۹	۱/۱۲	۱/۱۹	۰/۳۶	۰/۴۴	۰/۵۷	۰/۵
بوشهر	۱/۶۴	۱/۴۴	۱/۲	۱/۵۲	۰/۸۸	۱/۰۲	۰/۸۱	۰/۹۵
زنجان	۱/۷۲	۱/۶۶	۲/۲۴	۲/۲۲	۱/۱۵	۰/۹۷	۱	۱
سمنان	۰/۶۲	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۷۷	۰/۷۴
یزد	۱/۰۳	۰/۹۲	۱/۰۳	۰/۹۱	۱/۱۱	۱/۰۸	۱/۲۴	۱/۱۶
هرمزگان	۲/۵۸	۲/۵۱	۱/۷۳	۲/۶	۱/۰۶	۱/۱۴	۱/۰۱	۱/۳۱
تهران	۸/۴۲	۶/۵۸	۶/۲	۵/۲۲	۳۷/۷۶	۳۵/۴۳	۳۳/۷۶	۳۱/۱۲
اردبیل	۲/۶۹	۲/۴۳	۲/۸۳	۲/۶۴	۱/۲۸	۱/۲۸	۱/۳	۱/۳۵
قم	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۲۹	۱/۲۹	۱/۳۸	۱/۴۶	۱/۷۳
قزوین	۲/۴۲	۱/۸۸	۱/۸	۱/۸۶	۱/۸۱	۱/۴۹	۱/۴۱	۱/۵۳
گلستان	۲/۴۲	۳/۰۷	۳/۰۶	۳/۲۹	۱/۲۴	۱/۳۲	۱/۳۵	۱/۳۶
خراسان شمالی	۱/۳۱	۱/۲۸	۱/۲۷	۱/۲۸	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۶	۰/۶۵
خراسان جنوبی	۰/۶۴	۰/۵۵	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۴۵	۰/۴۵
البرز	-	-	-	۱/۰۲	-	-	-	۳/۳۴

جدول ۳-۸- سهم هزینه ناخالص کل هر استان از هزینه ناخالص کل به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۶۲	۱/۴۹	۱/۹۸	۲/۱۵	۱/۴۵	۱/۸۴	۲/۰۱	۲/۱۹
گیلان	۶/۱۲	۶/۳۹	۶/۰۲	۵/۵۴	۳/۰۱	۲/۷۹	۲/۷	۲/۷۲
مازندران	۸/۶۶	۸/۴۷	۹/۲۲	۸/۷۲	۳/۳۶	۳/۲۱	۳/۶۷	۳/۰۲
آذربایجان شرقی	۶/۳۴	۶/۱۴	۵/۸۹	۵/۴۷	۴/۶۲	۴/۸۲	۴/۷	۴/۲
آذربایجان غربی	۶/۲۸	۶/۲۹	۶/۲۳	۶/۵۹	۳/۳۸	۳/۱۶	۳/۵۵	۳/۵۱
کرمانشاه	۲/۷۷	۲/۶۴	۲/۹	۲/۷۸	۲/۰۸	۲/۱۵	۲/۴۴	۲/۵۱
خوزستان	۶/۱۷	۶/۹	۵/۳۲	۵/۳۶	۴/۹۵	۵/۳۸	۵/۰۸	۵/۱۸
فارس	۸/۰۷	۹/۸۹	۱۰/۶۴	۸/۸۱	۵/۰۳	۵/۸۸	۶/۷۵	۶/۴۱
کرمان	۳/۶۵	۴/۰۷	۴/۰۸	۴/۷۲	۲/۵۸	۲/۲۴	۲/۴	۲/۱
خراسان رضوی	۷/۰۸	۵/۸	۶/۷۶	۵/۹	۶/۷۹	۶/۸۵	۶/۷۸	۶/۳۴
اصفهان	۵/۰۴	۴/۴۸	۴/۵۴	۴/۳۶	۷/۷۷	۸/۵۵	۸/۳۸	۸/۳۸
سیستان و بلوچستان	۲/۳۵	۲/۴۷	۲/۲۶	۲/۸۲	۱/۰۸	۱/۰۷	۱/۱۷	۱/۲۱
کردستان	۲/۲	۲/۶۵	۲/۵۲	۲/۱۹	۱/۲	۱/۴۶	۱/۴۱	۱/۴۵
همدان	۲/۸	۲/۸۵	۲/۹	۲/۸۱	۱/۵	۱/۵۷	۱/۸۳	۱/۶
چهارمحال و بختیاری	۱/۷	۱/۸۶	۱/۹۲	۱/۸۷	۰/۷	۰/۷۳	۰/۷۹	۱/۰۶
لرستان	۲/۴۷	۳/۰۳	۲/۲	۳/۴۸	۱/۹۶	۲/۰۹	۱/۷۶	۲/۰۵
ایلام	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۸۵	۱/۱۹	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸۵	۰/۸۸	۱/۱۹	۱/۲۷	۰/۴	۰/۴۵	۰/۵۸	۰/۵۵
بوشهر	۱/۶۱	۱/۳۶	۱/۱۷	۱/۳۹	۰/۹۵	۱/۰۶	۰/۸۷	۰/۹۸
زنجان	۱/۸۵	۱/۷۳	۲/۲۴	۲/۲۵	۱/۲	۱/۰۱	۱/۰۴	۱/۰۷
سمنان	۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۷۷	۰/۷۴
یزد	۰/۹۵	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۸۶	۱/۱۲	۱/۱۱	۱/۲۸	۱/۱۹
هرمزگان	۲/۵	۲/۶۱	۱/۹۶	۳/۰۹	۱/۰۹	۱/۲۱	۱/۰۸	۱/۴۲
تهران	۷/۳	۵/۸۴	۵/۴۶	۴/۴۹	۳۵/۶۲	۳۳/۴	۳۱/۶۷	۲۸/۷۳
اردبیل	۲/۷۸	۲/۶۲	۲/۹۲	۲/۷۳	۱/۳۴	۱/۳۹	۱/۴۱	۱/۴۶
قم	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۳	۰/۲۷	۱/۳۵	۱/۳۸	۱/۴۸	۱/۶۸
قزوین	۲/۳۷	۱/۹۱	۱/۷۸	۱/۷۷	۱/۸۳	۱/۵۵	۱/۴۶	۱/۵۶
گلستان	۲/۴۸	۲/۹۴	۲/۹۳	۳/۲۸	۱/۲۷	۱/۳۱	۱/۳۵	۱/۳۸
خراسان شمالی	۱/۳۹	۱/۳۸	۱/۳۵	۱/۳۵	۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۶۲	۰/۶۶
خراسان جنوبی	۰/۷۳	۰/۶۳	۰/۸۷	۰/۹	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۴۹	۰/۴۹
البرز	-	-	-	۱	-	-	-	۳/۴۵

جدول ۳-۹- سهم هزینه‌های ناخالص خوراکی (داخل منزل) و دخانی هر استان از هزینه‌های ناخالص خوراکی (داخل منزل) و دخانی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۷۵	۱/۵۵	۱/۸۲	۲	۱/۷۵	۱/۹۶	۲	۲/۲۱
گیلان	۶/۷۱	۶/۶۴	۶/۲۸	۵/۴۸	۳/۳۸	۳/۰۵	۲/۹۷	۳/۰۴
مازندران	۷/۷۸	۷/۹۴	۸/۳۵	۸	۳/۶۷	۳/۵۴	۳/۹۳	۳/۲۲
آذربایجان شرقی	۵/۵۹	۶/۲۵	۶/۳۴	۵/۲	۴/۴۸	۵/۱۸	۵/۴۳	۴/۳۸
آذربایجان غربی	۶/۳	۶/۳۵	۶/۳۳	۶/۵۶	۳/۷۲	۳/۵۹	۳/۹۵	۳/۷
کرمانشاه	۲/۸۷	۲/۸۱	۳/۰۸	۲/۸۵	۲/۳۸	۲/۷۱	۲/۷۸	۲/۷
خوزستان	۶/۹۲	۶/۸۵	۵/۷۲	۶/۰۷	۶/۲۱	۶/۴۲	۶/۰۵	۷
فارس	۷/۱۶	۸/۲	۹/۳۳	۷/۷۵	۵/۲۵	۵/۸۹	۶/۲۶	۶/۱۳
کرمان	۳/۹۱	۳/۹۴	۳/۸۴	۴/۵۹	۲/۸۲	۲/۴۲	۲/۶۱	۲/۳۶
خراسان رضوی	۷/۷۱	۶/۸۹	۷/۲۵	۷/۰۷	۷/۸۳	۸/۰۵	۷/۹	۷/۹۵
اصفهان	۴/۱	۳/۶۸	۳/۸۷	۳/۶۳	۷/۶۱	۸/۵۱	۸/۴۸	۸/۳۵
سیستان و بلوچستان	۳/۲۹	۳/۲۶	۳/۳۶	۳/۹	۱/۶۴	۱/۵۳	۱/۸۱	۱/۸۷
کردستان	۲/۶۵	۳/۱۶	۲/۸۳	۲/۵۲	۱/۶۲	۱/۸	۱/۸۲	۱/۷۹
همدان	۳/۴۲	۳/۱۶	۳/۲۷	۳/۰۱	۲/۰۵	۱/۷۲	۲/۱۶	۱/۵۶
چهارمحال و بختیاری	۱/۸۲	۲/۰۱	۱/۹۳	۱/۷۵	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۸	۱/۲۷
لرستان	۲/۷۳	۳/۳۶	۲/۳۹	۳/۵۱	۲/۴۱	۲/۳۹	۲/۰۱	۲/۲۲
ایلام	۰/۹۶	۱/۰۱	۰/۹	۱/۱۷	۰/۷۳	۰/۷۴	۰/۶۹	۰/۸۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱/۰۱	۱/۰۵	۱/۳۱	۱/۴	۰/۵۵	۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۷
بوشهر	۱/۵۵	۱/۱۹	۱/۱۱	۱/۱۷	۱/۲۱	۱/۱۹	۱/۰۹	۱/۰۸
زنجان	۲/۰۷	۱/۸۵	۲/۲۵	۲/۳۲	۱/۴	۱/۱۷	۱/۱۷	۱/۳
سمنان	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۶۱	۰/۵۵	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۷۳
یزد	۰/۸۲	۰/۷۳	۰/۸۳	۰/۷۸	۱/۱۶	۱/۲	۱/۴۲	۱/۲۸
هرمزگان	۲/۳۷	۲/۷۸	۲/۳۷	۳/۸۸	۱/۱۸	۱/۴۹	۱/۳۳	۱/۸
تهران	۵/۳۸	۴/۵	۴/۱۸	۳/۳	۲۷/۵۴	۲۵/۸	۲۴/۰۶	۲۰/۸۹
اردبیل	۲/۹۴	۲/۹۷	۳/۰۸	۲/۸۸	۱/۵۹	۱/۸۲	۱/۸۲	۱/۸۳
قم	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۲۵	۱/۵۵	۱/۳۸	۱/۵۵	۱/۵۲
قزوین	۲/۲۸	۱/۹۷	۱/۷۷	۱/۶	۱/۹۱	۱/۷۸	۱/۶۳	۱/۶۸
گلستان	۲/۵۸	۲/۷	۲/۷۱	۳/۲۶	۱/۳۹	۱/۲۸	۱/۳۸	۱/۴۶
خراسان شمالی	۱/۵۳	۱/۵۶	۱/۴۹	۱/۴۶	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۶۷
خراسان جنوبی	۰/۸۸	۰/۷۸	۱/۱۱	۱/۱۲	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۶۳	۰/۶۴
البرز	-	-	-	۰/۹۶	-	-	-	۳/۷۹

جدول ۳-۱۰ - سهم هزینه‌های ناخالص غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل) هر استان از هزینه‌های ناخالص غیر خوراکی و خوراکی (خارج منزل) به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۶۶	۱/۶۷	۱/۸۵	۱/۸۱	۱/۵۶	۱/۸۵	۱/۷۴	۱/۷۷
گیلان	۵/۵۹	۵/۷۶	۶/۱	۵/۱۷	۲/۹۳	۲/۶۱	۲/۷۵	۲/۸۱
مازندران	۱۱/۱۸	۱۱/۴۷	۱۰/۴۹	۱۰/۳۹	۳/۹۳	۳/۸۱	۳/۸۱	۳/۴۲
آذربایجان شرقی	۵/۰۸	۴/۵۱	۴/۴۲	۴/۶۷	۳/۹۷	۴/۳۷	۴/۳۲	۳/۷
آذربایجان غربی	۵/۱۵	۵/۱۸	۴/۹۲	۴/۹۹	۲/۶۸	۲/۷	۲/۸۹	۲/۹۵
کرمانشاه	۲/۴۳	۲/۴۴	۲/۴۷	۲/۵۷	۲/۰۱	۲/۱	۲/۲۴	۲/۳۵
خوزستان	۶/۰۲	۵/۵۲	۶/۲۲	۵/۸۳	۵/۲۴	۵/۵۹	۴/۹۱	۵/۴۳
فارس	۸/۶۱	۷/۹۹	۸/۰۵	۸/۰۹	۵/۱۴	۴/۸	۵/۴۶	۶/۳۲
کرمان	۳/۹	۳/۸۶	۳/۵	۴/۶۲	۲/۳۴	۲/۳۵	۲/۲۳	۲/۳
خراسان رضوی	۶/۶۱	۶/۸۸	۷/۴۷	۷/۱۸	۷/۴۹	۷/۶	۷/۳۱	۷/۴۸
اصفهان	۴/۱۳	۳/۶۹	۴/۲	۳/۵	۶/۹۹	۷/۷۱	۷/۲۸	۶/۷۶
سیستان و بلوچستان	۳/۰۸	۳/۶۶	۳/۱۶	۳/۳۵	۱/۲۹	۱/۳	۱/۳۶	۱/۴۵
کردستان	۲/۴۸	۲/۵۴	۲/۶	۲/۳۲	۱/۳۵	۱/۴۶	۱/۴۱	۱/۴۶
همدان	۳/۰۷	۳/۴۳	۲/۹۳	۳/۲۹	۱/۷۵	۲	۱/۹۵	۱/۸۶
چهارمحال و بختیاری	۱/۴۸	۱/۵۷	۱/۶۱	۱/۷۴	۰/۶۶	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۸۴
لرستان	۲/۷۹	۲/۸۹	۲/۴۳	۲/۵۷	۱/۴۹	۱/۸۵	۱/۵۷	۱/۶۹
ایلام	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۴۸	۰/۵۳	۰/۵	۰/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۹۶	۱/۱۲	۱/۳۴	۱/۳۶	۰/۴۲	۰/۴۳	۰/۵۴	۰/۵۷
بوشهر	۱/۴۵	۱/۳۹	۱/۳۷	۱/۶۲	۰/۷۵	۰/۹۴	۰/۹۱	۱/۱۲
زنجان	۱/۵۸	۱/۴۵	۱/۶۲	۱/۸۴	۰/۹۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۹۲
سمنان	۰/۵۹	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۶۳	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۸	۰/۸
یزد	۱/۱	۱/۰۴	۱/۱	۱/۰۲	۱/۳۱	۱/۳۷	۱/۴۴	۱/۴۹
هرمزگان	۲/۲۱	۲/۴۴	۲/۰۳	۲/۹۶	۱/۱۷	۱/۲۴	۱	۱/۴
تهران	۷/۹۱	۷/۱۸	۷/۱	۴/۹	۳۶/۵	۳۴/۰۳	۳۴/۶۱	۲۸/۷۸
اردبیل	۲/۲۸	۲/۴۶	۲/۸۹	۲/۶۵	۱/۱۹	۱/۲۹	۱/۳۲	۱/۴۱
قم	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۲۷	۱/۴۶	۱/۵۷	۱/۷۷	۱/۸
قزوین	۲/۱	۲/۰۷	۲/۲۵	۲/۰۵	۱/۶۴	۱/۷	۱/۶۹	۱/۷
گلستان	۳/۰۴	۳/۶۷	۳/۶۸	۳/۹۳	۱/۴۲	۱/۴۲	۱/۵	۱/۵۴
خراسان شمالی	۱/۵۶	۱/۵۹	۱/۵۱	۱/۶۲	۰/۶۷	۰/۶۶	۰/۶۸	۰/۷۲
خراسان جنوبی	۰/۸۱	۰/۷۲	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۴۶	۰/۴۸
البرز	-	-	-	۱/۳۳	-	-	-	۴/۲

جدول ۳-۱۱- سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی هر استان از هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۸۱	۱/۸۹	۱/۹۹	۱/۷۴	۱/۲۵	۱/۴	۱/۳۶	۱/۳۳
گیلان	۵/۲۹	۵/۳۸	۵/۴۶	۴/۹۵	۲/۴۳	۲/۲۸	۲/۲۴	۲/۱
مازندران	۸/۳۴	۸/۱۹	۸/۶۶	۹/۰۸	۲/۵	۲/۵۶	۲/۶۵	۲/۵۲
آذربایجان شرقی	۴/۶۶	۴/۵۲	۴/۱۳	۵/۷۷	۳/۲۱	۳/۵۶	۳/۲	۳/۲۲
آذربایجان غربی	۳/۸۸	۴/۳۱	۴/۰۶	۵/۴۵	۲/۱۷	۲/۲۲	۲/۱۲	۲/۶۴
کرمانشاه	۲/۶۶	۲/۶۲	۲/۷۴	۲/۷۷	۲/۰۴	۲/۲	۲/۲۱	۲/۲۷
خوزستان	۶/۰۶	۷/۲۴	۴/۹۹	۴/۷۹	۳/۷۸	۴/۲۴	۳/۳۲	۳/۵۱
فارس	۹/۵۶	۹/۷۹	۹/۳۸	۸/۳۲	۴/۸۳	۴/۵۱	۵/۳۴	۵/۶۴
کرمان	۴/۱۸	۳/۸۳	۳/۱۸	۳/۹۲	۱/۷۸	۱/۶	۱/۵۲	۱/۶۲
خراسان رضوی	۵/۸۸	۵/۷۵	۷/۰۳	۶/۰۴	۵/۸۵	۶/۴۴	۶/۳۲	۶/۲۶
اصفهان	۴/۹۲	۴/۳	۴/۵۱	۴/۲۴	۷/۰۵	۷/۰۳	۶/۴۸	۶/۰۴
سیستان و بلوچستان	۲/۰۷	۲/۶۲	۲/۳۵	۲/۹	۰/۸۹	۱	۰/۹۱	۰/۹۴
کردستان	۲	۲/۱۶	۲/۲۹	۱/۹۸	۱/۰۶	۱/۲۴	۱/۱۲	۱/۲۱
همدان	۲/۴۹	۲/۵۷	۲/۵۲	۲/۷۲	۱/۳۶	۱/۶	۱/۵۶	۱/۶۲
چهارمحال و بختیاری	۱/۸۶	۱/۷۸	۲/۱۳	۱/۹۶	۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۵۸	۰/۶۹
لرستان	۳/۱۶	۳/۳۸	۳/۱۴	۳/۱۸	۱/۴۳	۱/۵۲	۱/۴۷	۱/۴۷
ایلام	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۹۱	۱/۰۲	۱/۰۷	۰/۹۶	۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۴۶	۰/۳۵
بوشهر	۱/۸۸	۱/۷	۱/۴۷	۱/۶۳	۰/۷۴	۰/۸۹	۰/۶۵	۰/۸
زنجان	۱/۵۸	۱/۶۴	۲/۰۳	۲/۱۴	۰/۸۴	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۸۲
سمنان	۰/۶۲	۰/۶۸	۰/۶۷	۰/۷۲	۰/۶	۰/۷۲	۰/۷	۰/۷۵
یزد	۱/۲۴	۱/۰۸	۱/۱۸	۰/۹۸	۱/۰۳	۱/۰۶	۱	۱/۰۳
هرمزگان	۲/۷۶	۲/۹۶	۲/۶	۲/۸	۱	۱/۱۸	۰/۹۹	۱/۱۶
تهران	۱۲/۹۳	۱۱/۲۳	۱۲/۵	۸/۸۴	۴۷/۵۷	۴۵/۱۵	۴۷/۰۶	۴۰/۹۸
اردبیل	۱/۸۴	۱/۷۳	۱/۷۳	۱/۸۴	۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۷۶	۰/۸۳
قم	۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۳۸	۱/۳۶	۱/۵۷	۱/۷۹	۱/۷۹
قزوین	۲/۰۱	۱/۸۴	۱/۷۷	۱/۸۲	۱/۴۸	۱/۴۴	۱/۲۶	۱/۴۴
گلستان	۲/۴۱	۲/۸۳	۳/۱۵	۳/۲۵	۰/۹۶	۱/۱۲	۱/۱	۱/۰۹
خراسان شمالی	۱/۱۹	۱/۲۸	۱/۲۷	۱/۵	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۵۲
خراسان جنوبی	۰/۷۳	۰/۶۳	۰/۷۷	۰/۷۴	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۳۳
البرز	-	-	-	۱/۷۶	-	-	-	۴/۷۳

جدول ۳-۱۲ - سهم هزینه‌های بهداشت و درمان هر استان از هزینه‌های بهداشت و درمان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۲۸	۱/۵۳	۲/۲	۳/۲۹	۱/۰۳	۲/۲۲	۳/۲	۳/۳۷
گیلان	۵/۹۹	۸/۵۷	۶/۳۳	۶/۵۵	۳/۹۲	۴/۴۸	۳/۴۸	۳/۴۹
مازندران	۱۰/۵۲	۶/۴۷	۹/۸۲	۸/۲	۳/۳۴	۲/۸۵	۵/۳۵	۲/۹۴
آذربایجان شرقی	۸/۵۴	۵/۱۱	۶/۸۵	۶/۴۲	۶/۹۴	۴/۶۶	۶/۰۴	۶/۱۴
آذربایجان غربی	۸/۸۳	۶/۱۸	۶/۹۲	۶/۵۲	۵/۰۳	۴/۲۱	۳/۸۶	۳/۵۸
کرمانشاه	۲/۶۷	۲/۴۷	۳/۲	۲/۷۷	۲/۸۳	۱/۵۵	۲/۶۴	۲/۱۵
خوزستان	۵/۶۶	۸/۲	۶/۱۶	۴/۳	۴/۴۶	۴/۶۳	۶/۷۵	۴/۵۷
فارس	۱۰/۲۷	۱۶/۰۷	۱۵/۲۱	۱۴/۱	۴/۵۱	۸/۸۵	۱۰/۵۹	۱۰/۴۳
کرمان	۳/۲۳	۴/۹۸	۴/۶۵	۴/۹۶	۴/۳۱	۲/۶۷	۲/۴۹	۲/۲۴
خراسان رضوی	۵/۶۳	۴/۹۹	۷/۷۸	۴/۳۸	۵/۵۵	۴/۲۴	۵/۴۷	۳/۹۳
اصفهان	۴/۹	۵/۳۱	۴/۶۷	۵/۵۶	۱۱/۲۴	۹/۸۱	۸/۹	۱۱/۰۹
سیستان و بلوچستان	۱/۶۹	۱/۰۱	۱/۰۸	۱/۱۹	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۷
کردستان	۱/۲۹	۱/۹۳	۱/۵۹	۱/۹۹	۰/۸۳	۱/۱۱	۱/۰۶	۱/۱۱
همدان	۲/۹۵	۲/۲۳	۲/۱۴	۲/۳۷	۱/۴۴	۱/۴۵	۱/۶۳	۱/۴۲
چهارمحال و بختیاری	۲/۱۸	۲/۲۶	۲/۸۸	۲	۰/۸۲	۰/۸۲	۱/۲۴	۱/۳۷
لرستان	۲/۲۵	۱/۹۲	۰/۸۹	۳/۸	۱/۷۶	۲/۴	۱/۶۷	۱/۶۹
ایلام	۱/۴۹	۱/۲۸	۰/۸۱	۱/۶۹	۰/۸۳	۰/۶۷	۰/۳۳	۰/۹۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴۳	۰/۴۵	۰/۶۸	۰/۹۲	۰/۳	۱/۵۲	۰/۴۳	۰/۴۱
بوشهر	۰/۹۳	۱/۵۵	۰/۶۲	۰/۶۷	۰/۹۷	۱/۰۵	۰/۷۳	۰/۵۸
زنجان	۱/۲۶	۱/۲۶	۲/۱۳	۲/۰۱	۰/۸۴	۰/۷۹	۱/۰۸	۱/۱۱
سمنان	۰/۵۵	۰/۸	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۶	۰/۹۳	۰/۷۹	۰/۷
یزد	۰/۷۷	۰/۶۷	۰/۴۹	۰/۴۶	۱/۲۳	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۸۷
هرمزگان	۲/۱۹	۲/۴	۱	۱/۸۳	۱/۳۳	۱/۱۱	۰/۹۳	۰/۷۶
تهران	۵/۲۱	۴/۰۲	۲/۹۳	۳/۷۶	۲۸/۶	۳۰/۶۱	۲۳/۴۴	۲۵/۶۲
اردبیل	۲/۳۹	۲/۱۳	۲/۴	۲/۷۸	۱/۴۲	۱/۱۴	۱/۱۶	۱/۱۴
قم	۰/۴۵	۰/۲۸	۰/۴۸	۰/۴۲	۱/۱۵	۱/۴۴	۱/۸۴	۲/۳۴
قزوین	۲/۵	۱/۴	۱/۱۲	۱/۵	۱/۸	۰/۹۲	۰/۹۶	۱/۰۶
گلستان	۲/۰۷	۲/۹۱	۲/۵۴	۳	۱/۴۴	۱/۱۹	۱/۳	۱/۳۶
خراسان شمالی	۱/۷۱	۱/۵	۱/۴۷	۱/۱۵	۰/۵۶	۰/۷۷	۰/۷۳	۰/۵۳
خراسان جنوبی	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۱	۰/۱۸	۰/۱۲
البرز	-	-	-	۰/۵۱	-	-	-	۲/۰۶

جدول ۳-۱۳ - سهم هزینه‌های حمل و نقل هر استان از هزینه‌های حمل و نقل به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ (درصد)

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۱/۳۷	۱/۳۶	۲/۲۹	۲/۰۸	۱/۲۶	۲/۲۹	۲/۴۳	۲/۶۳
گیلان	۷/۰۵	۵/۲۵	۵/۱۱	۵/۶۱	۳/۱۹	۲/۱۱	۲/۴۹	۲/۷۷
مازندران	۸/۱۵	۸/۸۸	۱۱/۲۴	۸/۹۳	۴/۳۳	۳/۴۱	۴/۰۳	۳/۳۴
آذربایجان شرقی	۷/۰۵	۶/۵۴	۵/۱۶	۵/۶۸	۵/۷	۴/۹۱	۵/۰۹	۴/۹۹
آذربایجان غربی	۶/۴۴	۵/۶۸	۶/۲۷	۶/۹۵	۴/۰۵	۳/۱۸	۴/۹۳	۴/۱۳
کرمانشاه	۲/۶۱	۲/۷۳	۳/۲۵	۲/۹۳	۱/۶۱	۲/۱۲	۲/۵۵	۲/۹۸
خوزستان	۵/۰۳	۵/۷۵	۴/۹۱	۵/۱۸	۵/۳۹	۴/۶۵	۶/۲۲	۶/۷۳
فارس	۸/۲	۱۱/۶۸	۱۲/۱	۹/۸۱	۵/۲۱	۷/۴۸	۹/۴۴	۷/۴۱
کرمان	۳/۵۱	۴/۹۱	۶/۰۴	۶/۵	۳/۳۴	۳/۰۶	۳/۶۴	۲/۸۲
خراسان رضوی	۸/۱۱	۴/۷۴	۵/۷۳	۵/۱۶	۷/۹۴	۷/۰۳	۶/۴۱	۵/۳۸
اصفهان	۶/۵۲	۴/۸	۴/۹	۴/۶۴	۷/۱۶	۱۰/۲	۱۰/۱۸	۸/۹۴
سیستان و بلوچستان	۱/۳۲	۱/۶۶	۱/۰۸	۱/۳۹	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۹۱	۰/۹۸
کردستان	۱/۳۷	۱/۹۷	۲/۴۹	۱/۳۶	۰/۸۷	۱/۶۴	۱/۳۳	۱/۲۷
همدان	۱/۹۲	۲/۸۵	۲/۸۳	۲/۴۹	۱/۱۱	۱/۲۶	۲	۱/۵۱
چهارمحال و بختیاری	۱/۴۳	۱/۹	۱/۳۳	۱/۶۶	۰/۵۸	۰/۸۲	۰/۶۴	۱/۰۷
لرستان	۲/۱۷	۲/۳۵	۱/۵۷	۳/۴۳	۲/۱۷	۲/۳۲	۲	۲/۱۱
ایلام	۰/۸۹	۰/۷۳	۰/۸۶	۱/۱۲	۰/۶۳	۰/۶۶	۰/۵۵	۰/۷۱
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۶	۰/۵۸	۱/۲۶	۱/۳۸	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۸۴	۰/۶۹
بوشهر	۱/۹۳	۱/۵۱	۱/۶۳	۲/۱۶	۰/۷۹	۱/۱۸	۱/۲۴	۱/۵۶
زنجان	۱/۶۸	۱/۶۱	۲/۳	۲/۲۸	۱/۳۸	۱/۱۲	۱/۰۳	۱/۱۲
سمنان	۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۵۶	۰/۸۳	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۷۵
یزد	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۱	۰/۹۴	۱/۱۱	۰/۹۸	۱/۲۶	۱/۱۶
هرمزگان	۴/۰۵	۳/۰۹	۱/۵۷	۲/۸۱	۰/۹۳	۰/۹۱	۱/۰۷	۱/۵۹
تهران	۷/۷۶	۷/۲۹	۴/۰۵	۳/۵۷	۳۱/۷۵	۲۹/۳۸	۲۱/۵۸	۲۳/۰۱
اردبیل	۱/۷۶	۲/۰۹	۲/۴۶	۲/۰۹	۱/۳۸	۱/۵۷	۱/۷۳	۱/۶۴
قم	۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۲	۱/۲۱	۱/۳۳	۰/۹۴	۱/۵۷
قزوین	۲/۴۸	۲/۲۹	۱/۹۹	۲/۳۴	۲/۳۳	۱/۳۹	۱/۵۷	۱/۸۸
گلستان	۲/۸	۳/۷۵	۳/۳۹	۳/۹۳	۱/۴	۱/۹۲	۱/۸	۱/۸۴
خراسان شمالی	۰/۹۵	۱/۲۱	۱/۲	۱/۱۷	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۶۷	۰/۸
خراسان جنوبی	۰/۸۳	۰/۸۱	۱	۰/۹۱	۰/۴۶	۰/۳۸	۰/۵۱	۰/۶
البرز	-	-	-	۰/۷۳	-	-	-	۲/۰۱

به منظور مقایسه‌ی متوسط درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی هر یک از استان‌ها با متوسط درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی کل کشور، نسبت متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در هر استان به متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در کل کشور و همچنین نسبت متوسط درآمد هر خانوار در هر استان به متوسط درآمد هر خانوار در کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ محاسبه و نتایج آن در جدول‌های ۳-۱۴ و ۳-۱۵ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۷ متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار شهری استان تهران از متوسط هزینه‌ی کل کشور بالاتر، متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار شهری استان قزوین مانند میانگین کشور و متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار شهری استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است.

به منظور مقایسه وضعیت درآمد خانوارهای شهری استان‌ها در سال ۱۳۸۷ نتایج نشان می‌دهد که متوسط درآمد هر خانوار شهری استان‌های تهران، مازندران و خوزستان از متوسط درآمد خانوارهای شهری کل کشور بالاتر، استان قزوین مانند میانگین کشور و استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است.

در خصوص خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۷، متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار روستایی استان‌های آذربایجان غربی، بوشهر، قزوین، تهران، اصفهان، اردبیل، خوزستان، مازندران، ایلام، آذربایجان شرقی، فارس، کرمانشاه و گیلان از متوسط هزینه کل کشور بالاتر، زنجان مانند میانگین کشور و سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است. از لحاظ درآمد،

استان‌های مازندران، تهران، خوزستان، بوشهر، فارس، قزوین، آذربایجان غربی، یزد، ایلام، اصفهان و اردبیل از متوسط درآمد خانوارهای روستایی کشور بالاتر، کردستان مانند میانگین کشور و سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است.

نتایج بررسی‌ها برای سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار روستایی استان‌های ایلام، آذربایجان غربی، اردبیل، فارس، زنجان، مازندران، اصفهان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، تهران، مرکزی، قزوین، کرمانشاه، خوزستان، گیلان، بوشهر و قم از متوسط کشور بالاتر و استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است. از لحاظ درآمد، استان‌های مازندران، اردبیل، قزوین، بوشهر، تهران، فارس، البرز، خوزستان، یزد، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، قم، کردستان و آذربایجان غربی از متوسط کشور بالاتر، زنجان مانند میانگین کشور و سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است.

در خصوص خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۰، متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار شهری استان‌های تهران، ایلام، چهارمحال و بختیاری، فارس، لرستان، هرمزگان، مرکزی، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، کرمانشاه و آذربایجان غربی از متوسط کشور بالاتر، خوزستان مانند میانگین کشور و سیستان و بلوچستان و یزد کم‌ترین مقدار است. از لحاظ درآمد، استان‌های تهران، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، بوشهر، مازندران، خوزستان و قزوین از متوسط کشور بالاتر، اردبیل مانند میانگین کشور و آذربایجان شرقی و خراسان جنوبی کم‌ترین مقدار است.

جدول ۳-۱۴ - نسبت متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در هر استان به متوسط هزینه‌ی کل ناخالص هر خانوار در کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۷۳/۱۱	۷۰/۷۹	۸۹/۴۲	۱۰۹/۵۹	۷۱/۶۱	۸۹/۷۳	۹۸/۷۸	۱۰۷/۳۲
گیلان	۱۰۳/۰۱	۱۰۸/۲۵	۱۰۱/۴۲	۱۰۳/۸۴	۱۰۱/۳۸	۹۵/۶۸	۹۰/۷۹	۸۹/۰۳
مازندران	۱۲۲/۳۰	۱۱۸/۶۷	۱۳۰/۲۲	۱۱۹/۴۸	۹۸/۲۴	۹۳/۶۹	۱۰۷/۲۹	۹۱/۰۲
آذربایجان شرقی	۱۱۶/۵۳	۱۱۴/۶۹	۱۰۸/۲۵	۹۸/۶۳	۹۰/۰۹	۹۶/۶۲	۹۱/۶۰	۸۴/۳۷
آذربایجان غربی	۱۳۶/۴۶	۱۳۶/۶۸	۱۳۵/۳۳	۱۳۱/۹۹	۹۹/۳۵	۹۲/۷۸	۱۰۴/۳۷	۱۰۱/۰۶
کرمانشاه	۱۰۳/۶۱	۹۹/۲۲	۱۰۸/۷۰	۱۰۵/۸۶	۸۳/۴۱	۸۹/۷۷	۹۷/۸۷	۱۰۲/۱۰
خوزستان	۱۲۴/۳۴	۱۳۷/۷۱	۱۰۷/۲۱	۱۰۳/۹۴	۱۰۰/۳۱	۱۱۱/۶۱	۱۰۳/۱۴	۹۸/۰۷
فارس	۱۱۰/۲۳	۱۳۰/۵۳	۱۴۵/۳۳	۱۳۰/۲۰	۹۶/۹۲	۱۱۶/۰۴	۱۲۹/۹۴	۱۱۵/۲۴
کرمان	۷۵/۰۹	۷۹/۴۲	۸۳/۹۷	۸۱/۳۶	۸۷/۳۴	۷۳/۳۱	۸۱/۰۲	۷۱/۸۷
خراسان رضوی	۸۱/۶۹	۶۵/۹۸	۷۸/۰۴	۷۱/۳۷	۸۵/۲۶	۸۴/۳۳	۸۵/۱۱	۷۸/۷۳
اصفهان	۱۲۸/۸۵	۱۲۳/۳۳	۱۱۵/۸۹	۱۱۸/۸۹	۹۳/۹۵	۱۰۴/۰۳	۱۰۱/۳۵	۱۰۳/۸۶
سیستان و بلوچستان	۴۹/۲۵	۴۷/۵۸	۴۷/۳۴	۵۴/۴۷	۵۹/۲۴	۵۷/۱۳	۶۴/۰۰	۶۴/۶۰
کردستان	۸۷/۳۴	۱۰۶/۴۸	۱۰۰/۰۸	۹۶/۰۹	۷۰/۹۱	۸۷/۸۱	۸۳/۵۷	۸۲/۶۰
همدان	۸۲/۵۳	۸۷/۲۱	۸۵/۷۰	۸۰/۵۸	۷۲/۷۱	۷۷/۴۶	۸۸/۷۳	۸۰/۷۳
چهارمحال و بختیاری	۹۶/۶۷	۱۰۵/۹۸	۱۰۹/۳۶	۱۱۵/۲۸	۸۲/۱۳	۸۶/۴۵	۹۲/۸۸	۱۱۵/۷۱
لرستان	۸۶/۲۶	۱۰۵/۰۲	۷۶/۷۴	۱۱۷/۸۲	۱۰۲/۱۱	۱۱۱/۳۰	۹۱/۸۱	۱۰۷/۹۶
ایلام	۱۱۸/۵۷	۱۱۸/۲۹	۱۰۵/۶۸	۱۴۴/۲۱	۱۰۰/۹۵	۱۰۱/۹۰	۸۷/۴۱	۱۲۲/۸۵
کهگیلویه و بویراحمد	۶۶/۵۳	۶۸/۳۸	۹۲/۵۱	۹۹/۲۹	۸۲/۱۶	۹۰/۶۹	۱۱۹/۱۲	۱۰۳/۱۴
بوشهر	۱۳۴/۱۳	۱۱۵/۷۶	۹۷/۶۵	۱۰۲/۴۲	۹۱/۹۳	۹۹/۰۴	۸۳/۹۴	۸۹/۹۵
زنجان	۱۰۰/۹۲	۹۶/۸۲	۱۲۲/۴۶	۱۲۲/۱۹	۱۰۴/۲۶	۸۶/۹۲	۸۹/۹۹	۹۱/۲۶
سمنان	۸۱/۹۱	۸۵/۴۵	۸۱/۵۸	۷۸/۵۹	۷۴/۵۳	۸۱/۳۶	۷۹/۱۹	۷۹/۳۵
یزد	۹۴/۰۷	۸۶/۷۸	۹۴/۱۶	۹۳/۱۱	۶۷/۰۵	۶۵/۸۳	۷۶/۵۳	۷۱/۲۱
هرمزگان	۸۲/۶۷	۸۱/۵۴	۶۴/۸۹	۹۲/۳۰	۸۹/۹۴	۹۶/۵۱	۸۹/۲۴	۱۰۷/۵۴
تهران	۱۲۹/۰۳	۱۰۹/۸۸	۹۶/۵۱	۱۰۹/۷۴	۱۲۸/۲۸	۱۱۹/۰۱	۱۱۴/۰۵	۱۲۶/۷۰
اردبیل	۱۲۷/۳۹	۱۲۳/۵۰	۱۳۳/۶۰	۱۳۱/۴۹	۹۷/۵۸	۱۰۱/۱۶	۱۰۲/۴۸	۱۰۲/۹۳
قم	۹۳/۲۱	۸۱/۶۶	۹۶/۲۹	۱۰۱/۹۹	۶۷/۷۱	۶۹/۷۸	۷۴/۲۷	۸۴/۶۱
قزوین	۱۳۱/۷۹	۱۰۸/۰۲	۹۹/۳۱	۱۰۶/۲۳	۱۱۱/۷۸	۹۱/۷۳	۸۹/۰۰	۹۳/۸۱
گلستان	۶۸/۶۴	۸۰/۱۳	۸۱/۲۰	۸۲/۱۹	۸۰/۴۰	۸۱/۷۱	۸۵/۳۷	۸۴/۱۲
خراسان شمالی	۷۰/۱۴	۶۸/۹۶	۶۸/۰۰	۶۶/۹۴	۸۰/۲۰	۷۹/۹۶	۷۸/۱۷	۸۱/۱۹
خراسان جنوبی	۴۷/۱۰	۴۶/۰۱	۵۶/۱۴	۶۱/۵۳	۶۵/۶۱	۶۲/۸۱	۷۵/۰۱	۷۷/۲۱
البرز	-	-	-	۸۵/۴۳	-	-	-	۸۱/۵۱

جدول ۳-۱۵- نسبت متوسط درآمد هر خانوار در هر استان به متوسط درآمد هر خانوار در کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰

استان	روستایی				شهری			
	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
مرکزی	۷۴/۷۵	۷۹/۲۹	۸۳/۵۱	۹۲/۱۱	۷۷/۰۰	۹۰/۳۸	۸۵/۸۴	۸۶/۹۸
گیلان	۹۴/۱۲	۹۷/۵۶	۱۰۲/۷۲	۹۶/۹۷	۹۸/۵۴	۸۹/۵۳	۹۲/۴۸	۹۲/۰۷
مازندران	۱۵۸/۰۰	۱۶۰/۶۲	۱۴۸/۲۶	۱۴۲/۳۴	۱۱۴/۹۰	۱۱۱/۰۳	۱۱۱/۳۰	۱۰۲/۸۹
آذربایجان شرقی	۹۳/۴۰	۸۴/۲۴	۸۱/۳۴	۸۴/۰۷	۷۷/۳۵	۸۷/۵۰	۸۴/۱۶	۷۴/۴۹
آذربایجان غربی	۱۱۱/۹۶	۱۱۲/۶۲	۱۰۶/۹۰	۱۰۰/۰۳	۷۸/۷۷	۷۹/۲۴	۸۴/۷۳	۸۴/۸۱
کرمانشاه	۹۱/۰۱	۹۱/۸۳	۹۲/۳۶	۹۷/۸۹	۸۰/۵۱	۸۷/۵۳	۸۹/۹۱	۹۵/۴۲
خوزستان	۱۲۱/۳۹	۱۱۰/۱۰	۱۲۵/۴۳	۱۱۳/۱۲	۱۰۶/۳۳	۱۱۶/۰۰	۹۹/۶۲	۱۰۲/۷۷
فارس	۱۱۷/۵۱	۱۰۵/۴۱	۱۰۹/۹۰	۱۱۹/۴۹	۹۹/۰۲	۹۴/۶۲	۱۰۵/۲۶	۱۱۳/۵۲
کرمان	۸۰/۱۶	۷۵/۴۷	۷۱/۹۸	۷۹/۶۲	۷۸/۹۶	۷۶/۸۳	۷۵/۴۵	۷۸/۵۲
خراسان رضوی	۷۶/۲۸	۷۸/۲۶	۸۶/۲۵	۸۶/۹۲	۹۴/۰۶	۹۳/۵۹	۹۱/۷۸	۹۲/۸۲
اصفهان	۱۰۵/۵۴	۱۰۱/۵۱	۱۰۷/۱۸	۹۵/۴۴	۸۴/۴۸	۹۳/۷۳	۸۷/۹۷	۸۳/۸۲
سیستان و بلوچستان	۶۴/۵۳	۷۰/۵۰	۶۶/۱۷	۶۴/۶۷	۷۱/۱۱	۶۹/۵۹	۷۴/۸۸	۷۷/۰۵
کردستان	۹۸/۵۱	۱۰۲/۰۶	۱۰۳/۲۹	۱۰۱/۸۴	۷۹/۹۴	۸۷/۸۹	۸۳/۴۰	۸۲/۸۷
همدان	۹۰/۵۴	۱۰۴/۹۳	۸۶/۳۸	۹۴/۴۲	۸۴/۵۷	۹۸/۸۲	۹۴/۴۸	۹۳/۴۴
چهارمحال و بختیاری	۸۴/۲۴	۸۹/۶۰	۹۱/۹۷	۱۰۷/۳۷	۷۷/۵۶	۸۷/۶۷	۸۳/۴۵	۹۲/۲۹
لرستان	۹۷/۲۸	۹۹/۸۸	۸۴/۷۲	۸۶/۷۴	۷۷/۸۲	۹۸/۲۸	۸۲/۰۲	۸۹/۱۴
ایلام	۱۰۷/۸۲	۱۰۹/۶۷	۹۷/۳۴	۹۱/۴۴	۸۵/۶۶	۹۵/۳۴	۸۸/۵۱	۸۸/۱۳
کهگیلویه و بویراحمد	۷۴/۶۵	۸۶/۶۴	۱۰۴/۶۴	۱۰۶/۰۶	۸۶/۵۷	۸۶/۹۴	۱۰۹/۸۰	۱۰۷/۶۵
بوشهر	۱۲۱/۲۲	۱۱۸/۸۱	۱۱۴/۶۷	۱۱۹/۶۷	۷۲/۸۲	۸۸/۰۶	۸۷/۸۷	۱۰۲/۹۷
زنجان	۸۶/۲۵	۸۱/۲۰	۸۸/۲۶	۹۹/۴۸	۸۴/۷۶	۷۲/۴۳	۷۲/۷۹	۷۸/۱۲
سمنان	۷۶/۸۰	۸۵/۴۳	۸۳/۵۴	۸۳/۸۵	۷۷/۳۸	۸۱/۶۱	۸۲/۳۴	۸۶/۱۳
یزد	۱۰۸/۵۸	۱۰۶/۲۱	۱۰۸/۰۳	۱۱۰/۶۱	۷۸/۲۳	۸۱/۷۲	۸۶/۰۱	۸۹/۳۱
هرمزگان	۷۳/۱۰	۷۶/۴۷	۶۷/۰۶	۸۸/۵۴	۹۶/۵۹	۹۸/۶۶	۸۳/۰۶	۱۰۵/۶۲
تهران	۱۳۹/۷۸	۱۳۵/۰۰	۱۲۵/۵۵	۱۱۹/۵۴	۱۳۱/۴۱	۱۲۱/۲۵	۱۲۴/۶۱	۱۲۶/۹۱
اردبیل	۱۰۴/۵۲	۱۱۶/۰۱	۱۳۲/۳۴	۱۲۷/۶۹	۸۶/۳۷	۹۳/۵۰	۹۵/۸۳	۹۹/۶۹
قم	۹۰/۱۸	۹۵/۹۷	۹۸/۱۲	۱۰۱/۹۴	۷۳/۵۰	۷۹/۱۷	۸۹/۰۸	۹۰/۷۰
قزوین	۱۱۶/۶۰	۱۱۷/۲۴	۱۲۵/۳۱	۱۲۳/۴۸	۱۰۰/۲۴	۱۰۰/۱۸	۱۰۳/۳۶	۱۰۲/۲۷
گلستان	۸۴/۳۱	۱۰۰/۱۱	۱۰۱/۹۱	۹۸/۵۶	۸۹/۸۴	۸۸/۵۴	۹۴/۷۹	۹۳/۴۱
خراسان شمالی	۷۸/۷۸	۷۹/۶۱	۷۶/۲۰	۸۰/۷۵	۸۵/۰۶	۸۲/۹۷	۸۶/۵۰	۸۸/۴۳
خراسان جنوبی	۵۲/۰۴	۵۲/۷۷	۶۰/۸۹	۶۶/۷۷	۶۶/۳۰	۶۷/۸۳	۷۰/۱۵	۷۴/۸۵
البرز	-	-	-	۱۱۳/۷۱	-	-	-	۹۹/۲۲

۳-۳- رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس معادلات هم‌زمان

به‌منظور بررسی وضعیت و رتبه‌ی استان‌ها پس از هدفمندی یارانه‌ها بر اساس متغیر درآمد و هزینه به‌طور هم‌زمان و در نظر گرفتن متغیرهای کمکی از جمله تعداد افراد با درآمد خانوار، بعد خانوار، جنسیت، وضع فعالیت و ... و همچنین در نظر گرفتن ساختار همبستگی بین استان‌ها، از معادلات اثرات تصادفی هم‌زمان برای داده‌های هزینه و درآمد سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. از این طریق می‌توان با در نظر گرفتن عوامل مختلف به رتبه‌بندی استان‌ها پس از هدفمندی یارانه‌ها پرداخت.

از آن‌جا که داده‌های آماری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، داده‌های مقارنی نیستند از تبدیل لگاریتم هزینه و درآمد برای مدل‌بندی استفاده شده است. مدل ارائه شده به صورت زیر است:

$$\log Y_{ij} = \alpha + \sum_{k=1}^P \beta_k X_{ijk} + b_j + \varepsilon_{ij} \quad i = 1, \dots, n \quad \text{و} \quad j = 1, \dots, 31$$

که در آن $\alpha = (\alpha_1 \text{ و } \alpha_2)$ عرض از مبدا، $Y_{ij} = (Y_{ij1} \text{ و } Y_{ij2})'$ ، که در آن Y_{ij1} هزینه و Y_{ij2} درآمد خانوار i ام از استان j ام است.

$$Y_{ij} = \begin{bmatrix} Y_{ij1} \\ Y_{ij2} \end{bmatrix} \sim MVN(\mu, \Sigma) \quad \text{و} \quad \varepsilon_{ij} = \begin{bmatrix} \varepsilon_{ij1} \\ \varepsilon_{ij2} \end{bmatrix} \sim N \left(\begin{pmatrix} 0 \\ 0 \end{pmatrix}, \Sigma \right) \quad \text{و} \quad \Sigma = \begin{bmatrix} \sigma_1^2 & \sigma_{12} \\ \sigma_{12} & \sigma_2^2 \end{bmatrix} \quad \text{است. اندیس}$$

i تعداد خانوارها، اندیس j تعداد استان‌ها و b_j اثر تصادفی یا متغیر پنهان متناظر با ناهمگنی مشاهده نشده در استان j ام است که به ازای $j = 1, 2, \dots, 31$ ، $b_j \sim N(0, \sigma_b^2)$ است. همچنین X_{ijk} متغیر کمکی k ام برای i امین خانوار در j امین استان است. فرم ساده شده‌ی مدل فوق به صورت زیر است:

$$\log Y_{ij1} = \alpha_1 + \sum_{k=1}^P \beta_{1,k} X_{ijk} + b_j + \varepsilon_{ij1} \quad \text{و} \quad i = 1, \dots, n, \quad j = 1, \dots, 31$$

$$\log Y_{ij2} = \alpha_2 + \sum_{k=1}^P \beta_{2,k} X_{ijk} + b_j + \varepsilon_{ij2}$$

روش برآورد پارامترهای مدل فوق با استفاده از روش بیز بوده است. لازم به ذکر است که مدل فوق برای کل خانوارهای نمونه و همچنین خانوارهای دو دهک اول به تفکیک نقاط شهری و روستایی به‌دست آمده است که نتایج آن به ترتیب در جداول ۳-۱۷ تا ۳-۲۰ ارائه شده است.

با توجه به این که در این بخش به مدل‌بندی توأم هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی پرداخته شده است، بنابراین متغیرهای کمکی پیوسته و گسسته‌ی استفاده شده مربوط به سرپرست خانوار و ویژگی‌های خانوار است که کدهای مربوط به آن‌ها در جدول ۳-۱۶ بیان شده است.

جدول ۳-۱۶ - متغیرهای کمکی و کدهای مربوط به آن‌ها

متغیرهای کمکی	کدهای مربوطه
سن	متغیر پیوسته
تعداد افراد با درآمد خانوار	متغیر پیوسته
بعد خانوار	متغیر پیوسته
مساحت زیربنا	متغیر پیوسته
جنسیت	۱: مرد ۲: زن
سطح تحصیلات	۱: بی‌سواد ۲: کاردانی و پایین‌تر ۳: کارشناسی و بالاتر
وضع زناشویی	۱: دارای همسر ۲: بی‌همسر بر اثر فوت ۳: بی‌همسر بر اثر طلاق ۴: هرگز ازدواج نکرده
نحوه‌ی تصرف محل سکونت	۱: مالک ۲: مستأجر ۳: سایر
وضع فعالیت	۱: شاغل ۲: غیر فعال ۳: بیکار

در مدل مورد استفاده برای هزینه و درآمد، متغیرهای کمکی که بیش از ۲ سطح داشته باشند، مانند وضع زناشویی، نحوه‌ی تصرف محل سکونت، وضع فعالیت و ... به عنوان فاکتور در نظر گرفته می‌شوند و به متغیرهای دودویی تبدیل می‌شوند.

نتایج جداول ۳-۱۷ تا ۳-۲۰ الگوی متفاوتی را برای خانوارهای شهری و روستایی و یا کل خانوارهای نمونه و خانوارهای دو دهک اول نشان نمی‌دهد. در تمامی جداول نتایج نشان می‌دهد که هر چه سن سرپرست خانوار بیشتر می‌شود، درآمد و هزینه‌ی خانوار کاهش می‌یابد. همچنین درآمد و هزینه‌ی خانوار برای خانوارهای با مساحت بالای زیربنای خانه، تعداد افراد بیشتر در خانوار و تعداد افراد بیشتر با درآمد خانوار، بیشتر و بالاتر است.

نتایج نشان می‌دهد که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرستان با همسر و همچنین سرپرستان بی‌همسر بر اثر فوت نسبت به خانوارهای دارای سرپرست هرگز ازدواج نکرده بالاتر است هر چند که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست با همسر از خانوارهای دارای سرپرست بی‌همسر بر اثر فوت بالاتر است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست شاغل و غیر فعال نسبت به خانوارهای دارای سرپرست بیکار بالاتر است هر چند که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست شاغل از خانوارهای دارای سرپرست غیر فعال بالاتر است. درآمد و هزینه‌ی خانوارهای مالک نسبت به خانوارهای با وضع محل سکونت رایگان یا در برابر خدمت بیشتر است در حالی که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای مستأجر

نسبت به خانوارهای با وضع محل سکونت رایگان یا در برابر خدمت کم‌تر است. درآمد و هزینه خانوارهای با سطح تحصیلات بالاتر برای سرپرست خانوار بیشتر از خانوارهای با سطح تحصیلات پایین‌تر برای سرپرست خانوار است. نتایج مدل‌بندی نشان دهنده همبستگی معنی‌دار درآمد و هزینه خانوارها و همچنین وجود ناهمگنی در درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی استان‌های مختلف است.

این تحلیل در نرم‌افزار WinBUGS با ۳۰۰۰۰ تکرار برای یک زنجیره‌ی MCMC اجرا شده است که ۵۰۰۰ تکرار اولی کنار گذاشته شده است. دقت برآورد پارامترها با استفاده از خطای MC چک شده است. خطای مونت کارلو یا خطای MC تغییرپذیری هر برآورد را در شبیه‌سازی اندازه‌گیری می‌کند. به‌منظور بررسی بالا بودن دقت برآورد پارامترهای مورد بررسی لازم است خطای MC بسیار کوچک برآورد شود که این موضوع در نتایج بدست آمده وجود دارد. لازم به ذکر است که این معیار با عکس اندازه نمونه قابل کنترل رابطه دارد به این معنا که برای یک نمونه به اندازه کافی بزرگ، کمیت مورد بررسی با دقت بالایی برآورد خواهد شد که با توجه به تکرار ۳۰۰۰۰ تایی برآوردها از دقت بالایی برخوردار است.

به منظور بررسی همگرایی پارامترها از آزمون تشخیصی گلن-روبین (گلن و روبین، ۱۹۹۲) استفاده شده است. در این روش، حداقل ۲ زنجیر (که این تعداد را M می‌نامیم) با مقادیر اولیه متفاوت تولید می‌شوند. محاسبه آماره تشخیص همگرایی بر مبنای آخرین N نمونه، در M زنجیر موازی است. این معیار را عامل کاهش مقیاس بالقوه (PSRF)^۱ می‌نامند که عبارت است از:

$$PSRF = \sqrt{\frac{N-1}{N} + \frac{M+1}{NM} \frac{B}{W}}$$

که در آن B/N واریانس بین زنجیر و W واریانس درون زنجیر است که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$\frac{B}{N} = \frac{1}{M-1} \sum_{j=1}^M (\theta_j - \bar{\theta})^2$$

و

$$W = \frac{1}{M(N-1)} \sum_{j=1}^M \sum_{i=1}^N (\theta_{ij} - \bar{\theta}_j)^2$$

چنانچه یک زنجیر به همگرایی رسیده باشد، مقدار PSRF باید نزدیک به یک برآورد شود. برعکس، مقادیر بزرگتر از یک آماره PSRF نشان‌دهنده عدم همگرایی زنجیر است. در تحلیل صورت گرفته در این بخش مقدار PSRF نزدیک به یک برآورد شد که نشان از همگرایی پارامترها است.

¹ Potential scale reduction factor (PSRF)

جدول ۳-۱۷- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد کل خانوارهای شهری (برآوردهایی که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است)

شهری				
هزینه		درآمد		
انحراف معیار	برآورد	انحراف معیار	برآورد	پارامترها
۰/۰۶۵	۱۷/۸۶۰	۰/۰۶۳	۱۷/۶۴۰	عرض از مبدا
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	مساحت زیربنا
۰/۰۰۳	۰/۰۶۶	۰/۰۰۳	۰/۰۵۰	بعد خانوار
۰/۰۰۶	۰/۱۰۸	۰/۰۰۵	۰/۲۰۵	تعداد افراد با درآمد خانوار
-	-	-	-	مرد (مبنا)
۰/۰۱۶	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۴	-۰/۰۷۸	زن
-	-	-	-	هرگز ازدواج نکرده (مبنا)
۰/۰۴۱	۰/۱۷۲	۰/۰۳۰	۰/۲۴	دارای همسر
۰/۰۲۷	۰/۰۹۱	۰/۰۳۱	۰/۱۷	بی‌همسر بر اثر فوت
۰/۰۲۳	۰/۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	بی‌همسر بر اثر طلاق
-	-	-	-	بیکار (مبنا)
۰/۰۲۷	۰/۲۱۴	۰/۰۲۴	۰/۴۵۳	شاغل
۰/۰۲۸	۰/۱۶۳	۰/۰۲۶	۰/۳۶۳	غیرفعال
-	-	-	-	سایر (مبنا)
۰/۰۱۴	۰/۱۲۵	۰/۰۱۳	۰/۰۹۹	مالک
۰/۰۱۵	۰/۰۲۸	۰/۰۱۴	-۰/۱۱۶	مستاجر
-	-	-	-	لیسانس، فوق لیسانس و دکتری (مبنا)
۰/۰۱۶	-۰/۷۶۰	۰/۰۱۵	-۰/۷۶۱	بی‌سواد
۰/۰۱۳	-۰/۳۹۰	۰/۰۱۲	-۰/۳۷۷	کاردانی و پایین‌تر
۰/۰۰۲	۰/۲۲۰	۰/۰۰۲	۰/۲۲۰	واریانس درآمد
۰/۰۰۳	۰/۲۵۸	۰/۰۰۳	۰/۲۵۸	واریانس هزینه
۰/۰۰۲	۰/۱۳۴	۰/۰۰۲	۰/۱۳۴	کواریانس درآمد و هزینه
۰/۰۲۳	۰/۰۸۵	۰/۰۲۳	۰/۰۸۵	واریانس ناهمگنی استان‌ها

جدول ۳-۱۸ - نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد کل خانوارهای روستایی (برآوردهایی که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است)

روستایی				
هزینه		درآمد		پارامترها
انحراف معیار	برآورد	انحراف معیار	برآورد	
۰/۰۷۸	۱۷/۲۹۰	۰/۰۷۶	۱۷/۱۷۰	عرض از مبدا
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	مساحت زیربنا
۰/۰۰۳	۰/۰۹۹	۰/۰۰۲	۰/۰۹۱	بعد خانوار
۰/۰۰۶	۰/۰۹۸	۰/۰۰۵	۰/۱۹۰	تعداد افراد با درآمد خانوار
-	-	-	-	نسبت
۰/۰۱۹	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۹	-۰/۱۱۴	مرد (مبنا) زن
-	-	-	-	هرگز ازدواج نکرده (مبنا)
۰/۰۳۷	۰/۱۷۵	۰/۰۳۵	۰/۲۴۶	وضعیت تاهل
۰/۰۴۰	-۰/۰۱۵	۰/۰۳۸	۰/۰۸۸	دارای همسر بی همسر بر اثر فوت
۰/۰۵۹	-۰/۰۱۸	۰/۰۵۶	۰/۰۵۴	بی همسر بر اثر طلاق
-	-	-	-	وضع اقتصادی
۰/۰۲۶	۰/۱۸۲	۰/۰۲۵	۰/۳۹۵	بیکار (مبنا) شاغل
۰/۰۲۸	-۰/۰۲۰	۰/۰۲۷	۰/۱۷۵	غیرفعال
-	-	-	-	نوعی تصرف
۰/۰۱۴	۰/۱۰۷	۰/۰۱۳	۰/۰۵۸	سایر (مبنا) مالک
۰/۰۲۱	-۰/۰۴۹	۰/۰۲۰	-۰/۰۹۰	مستاجر
-	-	-	-	سطح تحصیلات
۰/۰۲۸	-۰/۶۰۵	۰/۰۲۷	-۰/۶۲۲	لیسانس، فوق لیسانس و دکتری (مبنا) بی سواد
۰/۰۲۷	-۰/۴۵۳	۰/۰۲۶	-۰/۴۵۰	کاردانی و پایین‌تر
۰/۰۰۳	۰/۲۴۹	۰/۰۰۳	۰/۲۴۹	واریانس درآمد
۰/۰۰۳	۰/۲۷۵	۰/۰۰۳	۰/۲۷۵	واریانس هزینه
۰/۰۰۲	۰/۱۱۶	۰/۰۰۲	۰/۱۱۶	کواریانس درآمد و هزینه
۰/۰۲۴	۰/۰۹۲	۰/۰۲۴	۰/۰۹۲	واریانس ناهمگنی استان‌ها

جدول ۳-۱۹- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد خانوارهای دو دهک اول شهری
(برآوردهایی که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است)

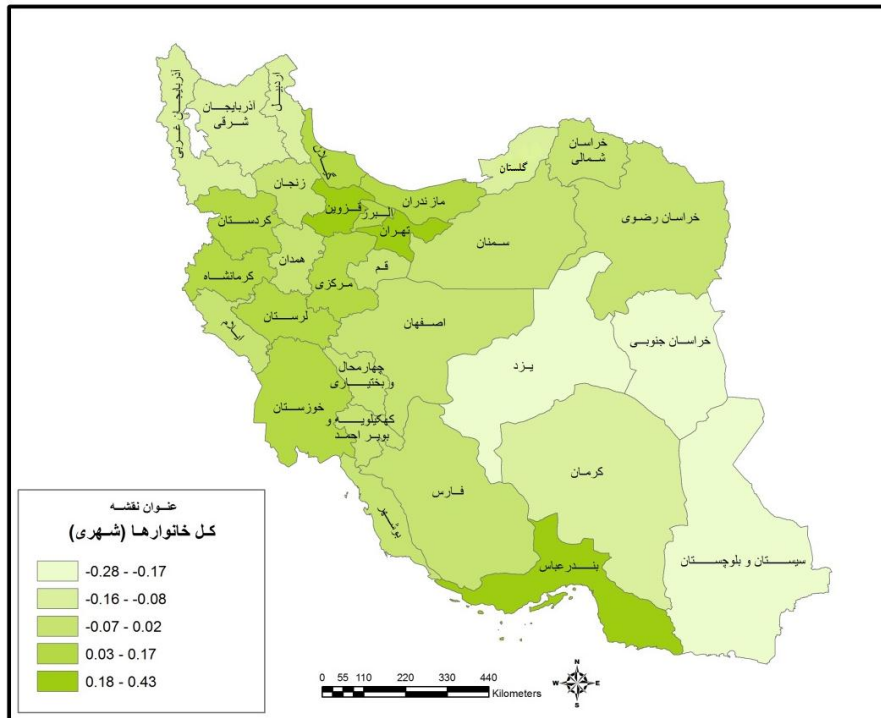
شهری				
هزینه		درآمد		پارامترها
انحراف معیار	برآورد	انحراف معیار	برآورد	
۰/۰۸۴	۱۷/۱۶۰	۰/۱۰۵	۱۶/۹۶۰	عرض از مبدا
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	مساحت زیربنا
۰/۰۰۵	۰/۰۵۳	۰/۰۰۶	۰/۰۶۱	بعد خانوار
۰/۰۱۱	۰/۰۵۵	۰/۰۱۵	۰/۱۷۱	تعداد افراد با درآمد خانوار
-	-	-	-	مرد (مینا)
۰/۰۲۲	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۹	-۰/۰۷۰	زن
-	-	-	-	هرگز ازدواج نکرده (مینا)
۰/۰۳۹	۰/۱۰۵	۰/۰۵۳	۰/۲۰۸	دارای همسر
۰/۰۴۲	۰/۰۱۶	۰/۰۵۷	۰/۱۴۰	بی‌همسر بر اثر فوت
۰/۰۵۳	-۰/۰۴۵	۰/۰۷۳	۰/۰۱۰	بی‌همسر بر اثر طلاق
-	-	-	-	بیکار (مینا)
۰/۰۳۴	۰/۰۹۷	۰/۰۴۶	۰/۳۳۱	شاغل
۰/۰۳۶	۰/۰۳۷	۰/۰۴۹	۰/۱۵۲	غیرفعال
-	-	-	-	سایر (مینا)
۰/۰۱۸	۰/۰۷۵	۰/۰۲۴	۰/۰۹۰	مالک
۰/۰۱۹	۰/۰۶۲	۰/۰۲۶	-۰/۱۱۶	مستاجر
-	-	-	-	لیسانس، فوق لیسانس و دکتری (مینا)
۰/۰۴۴	-۰/۱۷۱	۰/۰۶۰	-۰/۲۴۷	بی‌سواد
۰/۰۴۲	-۰/۰۴۸	۰/۰۵۷	-۰/۰۲۵	کاردانی و پایین‌تر
۰/۰۰۵	۰/۲۴۲	۰/۰۰۵	۰/۲۴۲	واریانس درآمد
۰/۰۰۳	۰/۱۳۲	۰/۰۰۳	۰/۱۳۲	واریانس هزینه
۰/۰۰۳	۰/۰۷۲	۰/۰۰۳	۰/۰۷۲	کواریانس درآمد و هزینه
۰/۰۲۰	۰/۰۷۶	۰/۰۲۰	۰/۰۷۶	واریانس استان‌ها

جدول ۳-۲۰- نتایج برازش مدل رگرسیون خطی برای متغیر لگاریتم هزینه و درآمد خانوارهای دو دهک اول روستایی (برآوردهایی که به صورت تیره مشخص شده‌اند در سطح ۵ درصد معنی‌دار است)

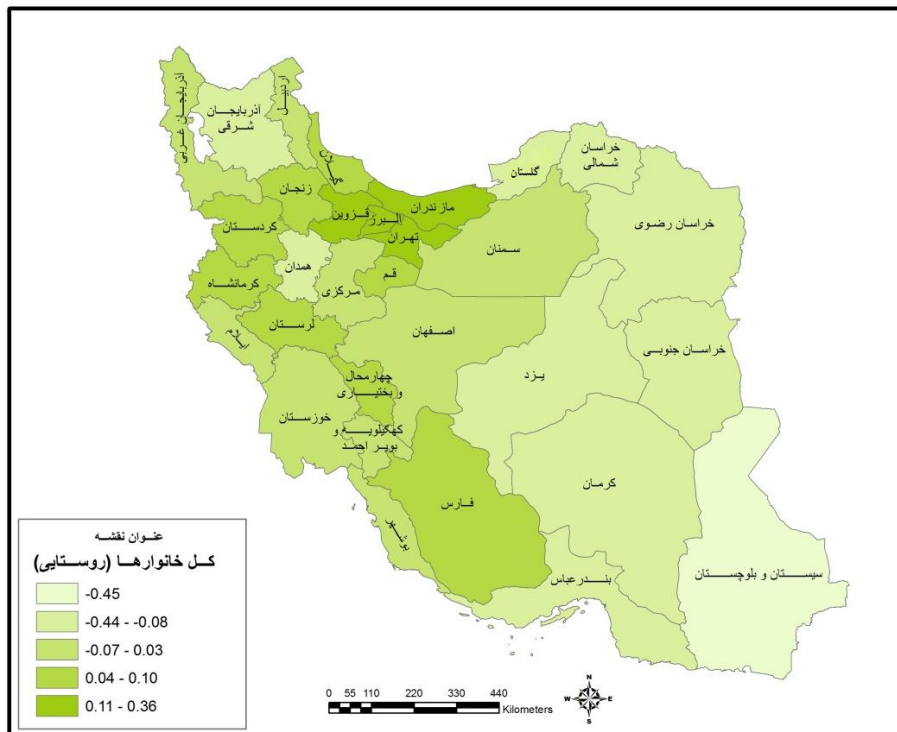
روستایی				
هزینه		درآمد		
انحراف معیار	برآورد	انحراف معیار	برآورد	پارامترها
۰/۱۳۰	۱۶/۷۳۰	۰/۱۵۲	۱۶/۵۰۰	عرض از مبدا
۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	مساحت زیربنا
۰/۰۰۶	۰/۰۵۳	۰/۰۰۷	۰/۱۱۲	بعد خانوار
۰/۰۱۵	۰/۰۸۵	۰/۰۱۸	۰/۲۲۹	تعداد افراد با درآمد خانوار
-	-	-	-	مرد (مبنا)
۰/۰۲۳	۰/۰۳۵	۰/۰۲۷	-۰/۰۸۶	زن
-	-	-	-	هرگز ازدواج نکرده (مبنا)
۰/۰۴۵	۰/۱۱۰	۰/۰۵۴	۰/۲۴۵	دارای همسر
۰/۰۴۶	-۰/۰۶۰	۰/۰۵۵	۰/۱۲۸	بی‌همسر بر اثر فوت
۰/۰۶۳	-۰/۰۰۸	۰/۰۷۷	۰/۰۹۵	بی‌همسر بر اثر طلاق
-	-	-	-	بیکار (مبنا)
۰/۰۴۲	۰/۱۰۶	۰/۰۵۰	۰/۱۴۶	شاغل
۰/۰۴۴	۰/۰۰۶	۰/۰۵۲	-۰/۱۲۱	غیرفعال
-	-	-	-	سایر (مبنا)
۰/۰۱۹	۰/۰۸۰	۰/۰۲۳	۰/۰۱۶	مالک
۰/۰۳۶	۰/۰۰۲	۰/۰۴۳	-۰/۱۰۱	مستاجر
-	-	-	-	لیسانس، فوق لیسانس و دکتری (مبنا)
۰/۰۹۹	-۰/۱۱۰	۰/۱۲۰	۰/۰۰۹	بی‌سواد
۰/۰۹۹	-۰/۱۱۷	۰/۱۲۰	۰/۰۹۹	کاردانی و پایین‌تر
۰/۰۰۵	۰/۲۲۱	۰/۰۰۵	۰/۲۲۱	واریانس درآمد
۰/۰۰۴	۰/۱۵۵	۰/۰۰۴	۰/۱۵۵	واریانس هزینه
۰/۰۰۳	۰/۰۵۳	۰/۰۰۳	۰/۰۵۳	کواریانس درآمد و هزینه
۰/۰۲۲	۰/۰۸۲	۰/۰۲۲	۰/۰۸۲	واریانس استان‌ها

به عنوان آخرین بحث این بخش در خصوص ناهمگنی مشاهده نشده، شکل‌های ۳-۱۷ تا ۳-۲۰ ناهمگنی مشاهده نشده استان‌های مختلف را به ترتیب برای کل خانوارهای شهری و روستایی نمونه و همچنین خانوارهای دو دهک اول شهری و روستایی نشان می‌دهد. در این نمودار میانگین پسین متغیر پنهان برای استان‌های مختلف دسته‌بندی شده‌اند. به منظور برآورد اثرهای تصادفی برای هر آزمودنی از توزیع آن نمونه تولید شده است و میانگین N نمونه‌ی آخر تولید شده به عنوان برآورد اثر تصادفی (میانگین پسین متغیر پنهان) مربوطه در نظر گرفته شده است.

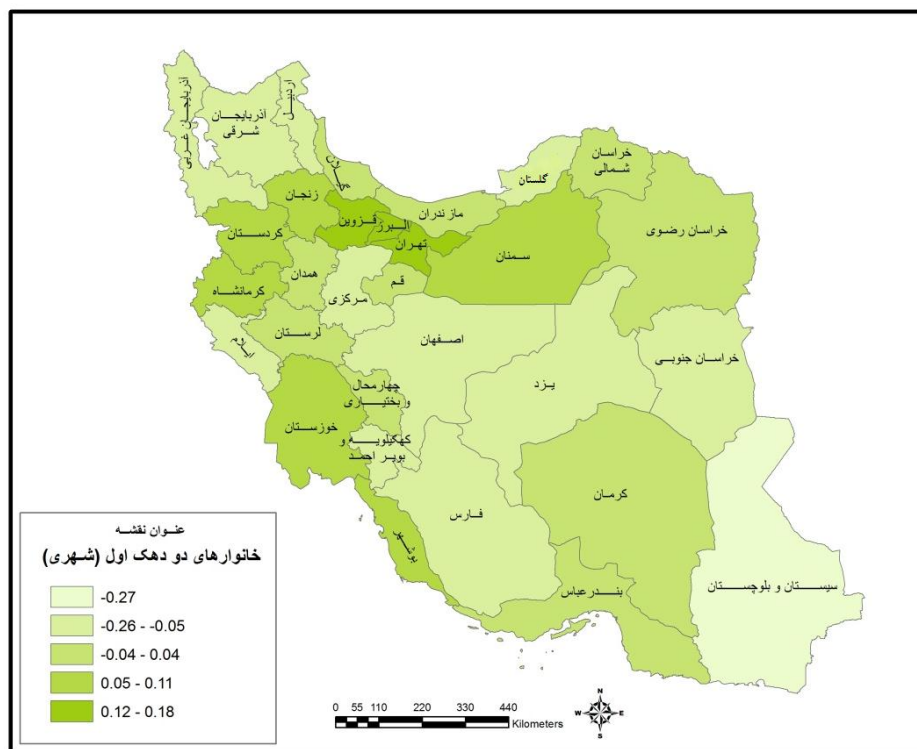
میانگین پسین متغیر پنهان (اثر تصادفی) به این معنا است که در این شکل‌ها، استان‌های با رنگ مشابه دارای ناهمگنی مشاهده نشده‌ی می‌باشند. همچنین هر چه عامل ناهمگنی مشاهده نشده بزرگ‌تر باشد رنگ در نظر گرفته شده در شکل‌ها تیره‌تر و درآمد و هزینه و یا سطح رفاه خانوارهای آن استان‌ها بالاتر است. نتایج شکل ۳-۱۸ مربوط به کل خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که خانوارهای استان‌های مازندران، تهران، البرز و قزوین بالاترین مقدار b (اثر تصادفی) و استان سیستان و بلوچستان کمترین مقدار b را دارند. نتایج شکل ۳-۲۰ مربوط به خانوارهای دو دهک اول روستایی نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه در خانوارهای روستایی دو دهک اول مربوط به خانوارهای استان‌های تهران و البرز است و کمترین درآمد و هزینه در خانوارهای دو دهک اول مربوط به خانوارهای سیستان و بلوچستان و یزد است. نتایج مربوط به کل خانوارهای شهری و خانوارهای دو دهک اول شهری به ترتیب در شکل‌های ۳-۱۷ و ۳-۱۹ نشان داده شده است. نتایج شکل ۳-۱۷ مربوط به کل خانوارهای شهری نشان می‌دهد که خانوارهای استان‌های تهران، قزوین و بندرعباس بالاترین مقدار b (اثر تصادفی) و استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و خراسان جنوبی کمترین مقدار b را دارند. نتایج شکل ۳-۱۹ مربوط به خانوارهای دو دهک اول شهری نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه در خانوارهای روستایی دو دهک اول مربوط به خانوارهای استان‌های تهران، البرز و قزوین است و کمترین درآمد و هزینه در خانوارهای دو دهک اول مربوط به خانوارهای سیستان و بلوچستان است.



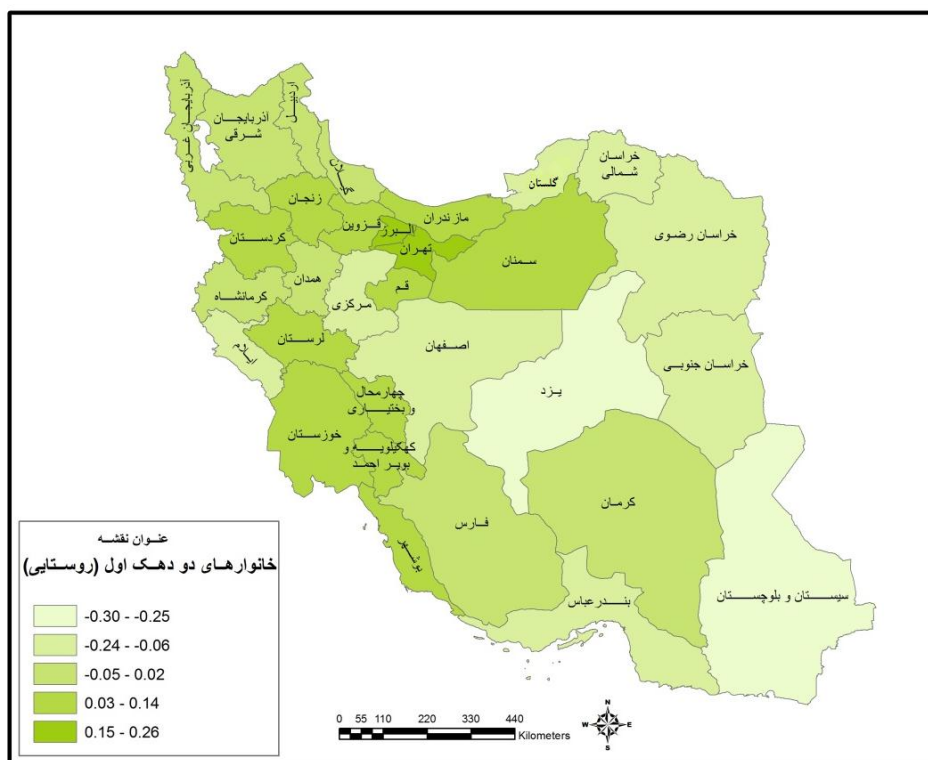
شکل ۳-۱۷ - میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به کل خانوارهای شهری



شکل ۳-۱۸ - میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به کل خانوارهای روستایی



شکل ۳-۱۹- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به خانوارهای دو دهک اول شهری



شکل ۳-۲۰- میانگین پسین اثر تصادفی پنهان مربوط به خانوارهای دو دهک اول روستایی

۳-۴- تحلیل توصیفی داده‌های مشترک دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰

الگوی طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی از سال ۱۳۸۹ به بعد به صورت چرخشی تغییر یافته است. در نمونه‌گیری چرخشی با ثابت نگهداشتن بخشی از واحدهای نمونه بین دو دوره آمارگیری و تغییر بقیه واحدها، به بهترین نحو، امکان ارائه‌ی برآورد سطوح و تغییرات فراهم می‌گردد. الگوی چرخش انتخاب شده برای این طرح، الگوی (۰)-۱۵ است، که در آن در طی پنج سال از هر یک از خانوارهای نمونه، حداکثر ۵ بار آمارگیری به عمل می‌آید، به این ترتیب که خانوار، بسته به مورد یک یا چند (حداکثر ۵) سال در نمونه قرار می‌گیرد و پس از آن برای همیشه از نمونه خارج می‌شود. در هر سال، در داخل هر قطعه، از پنج گروه چرخش (معادل ۵ خانوار) به شرح زیر آمارگیری به عمل می‌آید:

- ۱- گروهی که برای اولین بار وارد نمونه شده است،
- ۲- گروهی که برای دومین بار در نمونه قرار گرفته است،
- ۳- گروهی که برای سومین بار در نمونه قرار گرفته است،
- ۴- گروهی که برای چهارمین بار در نمونه قرار گرفته است،
- ۵- گروهی که برای آخرین بار در نمونه قرار گرفته است،

به این ترتیب میزان تداخل نمونه بین دو سال t و $t+i$ ، برای $i = ۱, \dots, ۴$ ، به قرار زیر است:

$$O_{t,t+۴} = \frac{۴}{۵}, O_{t,t+۳} = \frac{۳}{۵}, O_{t,t+۲} = \frac{۲}{۵}, O_{t,t+۱} = \frac{۱}{۵}$$

بنابراین با توجه به ماهیت چرخشی بودن داده‌ها، تحلیل این بخش بر اساس خانوارهای مشترک بین دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ است.

با توجه به الگوی چرخشی توضیح داده شده، از ۱۹۷۸۶ خانوار روستایی نمونه‌گیری شده در سال ۱۳۹۰، ۱۱۲۰۷ خانوار روستایی از نمونه‌های سال ۱۳۸۹ مجدداً نمونه‌گیری شده‌اند. به عبارت دیگر ۵۶/۶۴ درصد خانوارهای روستایی نمونه در سال ۱۳۹۰ در سال ۱۳۸۹ نیز آمارگیری شده‌اند.

از ۱۸۷۲۷ خانوار شهری نمونه‌گیری شده در سال ۱۳۹۰، ۸۸۵۰ خانوار شهری از نمونه‌های سال ۱۳۸۹ مجدداً نمونه‌گیری شده‌اند. به عبارت دیگر ۴۷/۲۶ درصد خانوارهای شهری نمونه در سال ۱۳۹۰ در سال ۱۳۸۹ نیز آمارگیری شده‌اند. به منظور بررسی جابه‌جایی خانوارها در دهک‌های مختلف طی دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، جداول ۳-۲۱ و ۳-۲۲ به ترتیب توزیع خانوارهای نمونه مشترک روستایی طی این دوره‌ها که از دهک‌های وزنی هزینه‌ای (ناخالص) و درآمدی جابه‌جا شده‌اند را نشان می‌دهد. همچنین جداول ۳-۲۳ و ۳-۲۴ به ترتیب وضعیت جابه‌جایی خانوارهای نمونه‌ی مشترک شهری که طی دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ از دهک‌های وزنی هزینه‌ای (ناخالص) و درآمدی جابه‌جا شده‌اند یا در همان دهک باقی مانده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۲۱- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی هزینه ناخالص (نقاط روستایی)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	جمع
دهک اول	تعداد	۶۱۰	۲۲۵	۱۱۴	۵۷	۲۹	۱۸	۱۲	۷	۱۱	۱۱۱۲
	درصد	۵۴٫۸۶	۲۰٫۲۳	۱۰٫۲۵	۵٫۱۳	۲٫۶۱	۱٫۶۲	۱٫۰۸	۰٫۶۳	۰٫۹۹	۱۰۰
دهک دوم	تعداد	۲۱۸	۳۰۲	۲۱۳	۱۶۵	۸۷	۳۷	۴۵	۲۱	۱۶	۱۱۷۴
	درصد	۱۸٫۵۷	۲۵٫۷۲	۱۸٫۱۴	۱۴٫۰۵	۷٫۴۱	۳٫۱۵	۳٫۸۳	۱٫۷۹	۱٫۳۶	۱۰۰
دهک سوم	تعداد	۹۴	۲۱۷	۲۱۸	۱۸۶	۱۵۶	۷۵	۵۵	۴۱	۳۲	۱۱۷۳
	درصد	۸٫۰۱	۱۸٫۵۰	۱۸٫۵۸	۱۵٫۸۶	۱۳٫۳۰	۶٫۳۹	۴٫۶۹	۳٫۵۰	۲٫۷۳	۱۰۰
دهک چهارم	تعداد	۶۴	۱۲۲	۲۱۳	۱۹۴	۱۷۶	۱۲۸	۷۶	۵۷	۳۰	۱۱۷۰
	درصد	۵٫۴۷	۱۰٫۴۳	۱۸٫۲۱	۱۶٫۵۸	۱۵٫۰۴	۱۰٫۹۴	۶٫۴۰	۴٫۸۷	۲٫۵۶	۱۰۰
دهک پنجم	تعداد	۲۶	۱۰۱	۱۲۸	۱۶۹	۲۰۴	۱۵۵	۱۳۱	۹۴	۵۱	۱۱۵۷
	درصد	۲٫۲۵	۸٫۷۳	۱۱٫۰۶	۱۴٫۶۱	۱۷٫۶۳	۱۳٫۴۰	۱۱٫۳۲	۸٫۱۲	۴٫۴۱	۱۰۰
دهک ششم	تعداد	۲۵	۴۷	۱۰۱	۱۲۷	۱۵۹	۱۷۱	۱۶۲	۱۱۲	۷۸	۱۱۲۹
	درصد	۲٫۲۱	۴٫۱۶	۸٫۹۵	۱۱٫۲۵	۱۴٫۰۸	۱۵٫۱۵	۱۴٫۳۵	۹٫۹۲	۶٫۹۱	۱۰۰
دهک هفتم	تعداد	۲۰	۴۲	۶۸	۹۹	۱۴۱	۱۶۵	۱۷۶	۱۳۰	۱۰۰	۱۱۱۳
	درصد	۱٫۸۰	۳٫۷۷	۶٫۱۱	۸٫۸۹	۱۲٫۶۷	۱۴٫۸۲	۱۵٫۸۱	۱۱٫۶۸	۸٫۹۸	۱۰۰
دهک هشتم	تعداد	۵	۳۷	۴۰	۷۲	۹۳	۱۳۰	۱۶۹	۱۸۱	۱۴۳	۱۰۴۷
	درصد	۰٫۴۸	۳٫۵۳	۳٫۸۲	۶٫۸۸	۸٫۸۸	۱۲٫۴۲	۱۶٫۱۴	۱۷٫۲۹	۱۳٫۶۶	۱۰۰
دهک نهم	تعداد	۱۱	۱۷	۲۶	۶۴	۷۴	۱۰۶	۱۳۶	۱۷۴	۲۴۳	۱۰۸۷
	درصد	۱٫۰۱	۱٫۵۶	۲٫۳۹	۵٫۸۹	۶٫۸۱	۹٫۷۵	۱۲٫۵۱	۱۶٫۰۱	۲۲٫۳۶	۱۰۰
دهک دهم	تعداد	۲	۱۴	۲۳	۳۱	۵۵	۶۱	۹۴	۲۰۷	۴۳۱	۱۰۴۵
	درصد	۰٫۱۹	۱٫۳۴	۲٫۲۱	۲٫۹۷	۵٫۲۶	۵٫۸۴	۹٫۰۰	۱۷٫۱۵	۴۱٫۲۴	۱۰۰
جمع	تعداد	۱۰۷۵	۱۱۲۴	۱۱۴۴	۱۱۶۴	۱۱۷۴	۱۱۱۴	۱۱۰۸	۱۰۸۳	۱۰۸۶	۱۱۲۰۷

۶۷۸۱

جدول ۳-۲۲- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی درآمد (نقاط روستایی)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	جمع
دهک اول	تعداد	۶۱۴	۱۹۶	۱۱۰	۸۷	۵۹	۳۱	۱۷	۱۰	۹	۱۱۴۶
	درصد	۵۳٫۵۸	۱۷٫۱۰	۹٫۶۰	۷٫۵۹	۵٫۱۵	۲٫۷۱	۱٫۴۸	۰٫۸۷	۰٫۷۹	۱۰۰
دهک دوم	تعداد	۲۴۹	۳۱۱	۲۲۱	۱۳۴	۹۵	۷۱	۳۷	۲۳	۱۲	۱۱۸۱
	درصد	۲۱٫۰۸	۲۶٫۳۳	۱۸٫۷۱	۱۱٫۳۵	۸٫۰۴	۶٫۰۱	۳٫۱۳	۱٫۹۵	۱٫۰۲	۱۰۰
دهک سوم	تعداد	۹۱	۱۹۸	۲۳۲	۱۸۱	۱۶۶	۱۱۷	۸۹	۱۹	۲۱	۱۱۶۹
	درصد	۷٫۷۸	۱۶٫۹۴	۱۹٫۸۵	۱۵٫۴۸	۱۴٫۲۰	۱۰٫۰۱	۷٫۶۱	۱٫۶۳	۱٫۸۰	۱۰۰
دهک چهارم	تعداد	۶۵	۱۱۹	۱۹۵	۲۱۲	۱۹۴	۱۵۶	۹۲	۳۹	۲۵	۱۱۶۷
	درصد	۵٫۵۷	۱۰٫۲۰	۱۶٫۷۱	۱۸٫۱۷	۱۶٫۶۲	۱۳٫۳۷	۷٫۸۸	۳٫۳۴	۲٫۱۴	۱۰۰
دهک پنجم	تعداد	۴۱	۶۷	۱۴۱	۱۵۱	۱۹۰	۱۸۲	۱۵۷	۶۱	۳۰	۱۱۱۶
	درصد	۳٫۶۷	۶٫۰۰	۱۲٫۶۳	۱۳٫۵۳	۱۷٫۰۳	۱۶٫۳۱	۱۴٫۰۷	۵٫۴۷	۲٫۶۹	۱۰۰
دهک ششم	تعداد	۳۳	۶۲	۹۴	۱۰۶	۱۶۴	۱۹۵	۱۸۹	۹۶	۴۶	۱۱۰۳
	درصد	۲٫۹۹	۵٫۶۲	۸٫۵۲	۹٫۶۱	۱۴٫۸۷	۱۷٫۶۸	۱۷٫۱۴	۸٫۷۰	۴٫۱۷	۱۰۰
دهک هفتم	تعداد	۲۶	۴۷	۵۸	۸۹	۱۰۹	۱۷۱	۲۱۹	۱۷۳	۵۳	۱۰۷۴
	درصد	۲٫۴۲	۴٫۳۸	۵٫۴۰	۸٫۲۹	۹٫۱۵	۱۵٫۹۲	۲۰٫۳۹	۱۶٫۱۱	۴٫۹۳	۱۰۰
دهک هشتم	تعداد	۱۷	۳۵	۳۸	۶۹	۷۶	۱۲۷	۱۷۴	۲۰۸	۱۳۱	۱۱۴۹
	درصد	۱٫۴۸	۳٫۰۵	۳٫۳۱	۶٫۰۱	۶٫۶۱	۱۱٫۵۵	۱۵٫۱۴	۱۸٫۱۰	۱۱٫۴۰	۱۰۰
دهک نهم	تعداد	۱۴	۱۱	۲۸	۳۹	۴۸	۷۲	۱۰۵	۳۳۴	۲۰۵	۱۰۴۹
	درصد	۱٫۳۳	۱٫۰۵	۲٫۶۷	۳٫۷۲	۴٫۵۸	۶٫۸۶	۱۰٫۰۱	۳۲٫۷۹	۱۹٫۵۴	۱۰۰
دهک دهم	تعداد	۶	۲۰	۲۳	۳۰	۳۱	۴۳	۶۳	۸۹	۵۴۶	۱۰۵۳
	درصد	۰٫۵۷	۱٫۹۰	۲٫۱۸	۲٫۸۵	۲٫۹۴	۴٫۰۸	۵٫۹۸	۸٫۴۵	۵۱٫۸۵	۱۰۰
جمع	تعداد	۱۱۵۶	۱۰۶۶	۱۱۴۰	۱۰۹۸	۱۱۳۲	۱۱۶۵	۱۱۴۲	۱۰۹۹	۱۰۷۸	۱۱۲۰۷

۶۷۸۱

جدول ۳-۲۳- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی هزینه ناخالص (نقاط شهری)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	جمع
دهک اول	تعداد	۶۱۹	۲۶۴	۱۰۸	۶۳	۴۳	۱۶	۷	۱۰	۴	۱۱۵۴
	درصد	۵۳٫۶۴	۲۲٫۸۸	۹٫۳۶	۵٫۴۶	۳٫۷۳	۱٫۷۳	۰٫۶۱	۰٫۸۷	۰٫۳۵	۱۰۰
دهک دوم	تعداد	۲۰۸	۲۶۶	۲۱۱	۱۱۴	۱۰۴	۵۸	۳۴	۲۶	۱۸	۱۰۶۲
	درصد	۱۹٫۵۹	۲۵٫۰۵	۱۹٫۸۷	۱۰٫۷۳	۹٫۷۹	۵٫۴۶	۳٫۲۰	۲٫۴۵	۱٫۶۹	۱۰۰
دهک سوم	تعداد	۸۰	۱۹۲	۱۷۷	۱۵۴	۱۰۸	۶۶	۵۷	۳۲	۱۷	۹۲۷
	درصد	۸٫۶۳	۲۰٫۷۱	۱۹٫۰۹	۱۶٫۶۱	۱۱٫۶۵	۷٫۱۲	۶٫۱۵	۴٫۷۵	۱٫۸۳	۱۰۰
دهک چهارم	تعداد	۵۷	۱۰۵	۱۴۱	۱۴۸	۱۲۹	۹۷	۷۵	۴۸	۲۶	۸۵۷
	درصد	۶٫۶۵	۱۲٫۲۵	۱۶٫۴۵	۱۷٫۲۷	۱۵٫۰۵	۱۱٫۳۲	۸٫۷۵	۵٫۶۰	۳٫۰۳	۱۰۰
دهک پنجم	تعداد	۴۲	۷۴	۱۰۷	۱۳۱	۱۳۴	۱۴۲	۱۰۸	۶۶	۳۹	۹۲۸
	درصد	۴٫۵۳	۷٫۹۷	۱۱٫۵۳	۱۴٫۱۲	۱۴٫۴۴	۱۵٫۳۰	۱۱٫۶۴	۹٫۱۶	۷٫۱۱	۱۰۰
دهک ششم	تعداد	۱۷	۴۹	۷۳	۹۱	۱۱۵	۱۱۹	۱۲۵	۷۹	۴۵	۸۲۲
	درصد	۲٫۰۷	۵٫۹۶	۸٫۸۸	۱۱٫۰۷	۱۳٫۹۹	۱۴٫۴۸	۱۵٫۲۱	۹٫۶۱	۵٫۴۷	۱۰۰
دهک هفتم	تعداد	۱۶	۳۴	۵۶	۷۳	۸۹	۱۲۰	۱۲۲	۱۰۳	۴۹	۷۹۷
	درصد	۲٫۰۱	۴٫۲۷	۷٫۰۳	۹٫۱۶	۱۱٫۱۷	۱۵٫۰۶	۱۵٫۳۱	۱۲٫۹۲	۶٫۱۵	۱۰۰
دهک هشتم	تعداد	۱۱	۲۸	۳۵	۵۸	۷۷	۹۶	۱۵۳	۱۵۷	۹۳	۸۷۸
	درصد	۱٫۲۵	۳٫۱۹	۳٫۹۹	۶٫۶۱	۸٫۷۷	۱۰٫۹۳	۱۷٫۴۳	۱۷٫۸۸	۱۰٫۵۹	۱۰۰
دهک نهم	تعداد	۶	۱۱	۲۰	۳۰	۵۰	۹۹	۹۵	۱۳۸	۱۴۰	۷۲۱
	درصد	۰٫۸۳	۱٫۵۳	۲٫۷۷	۴٫۱۶	۶٫۹۳	۱۳٫۷۳	۱۳٫۱۸	۱۸٫۳۱	۱۹٫۱۴	۱۰۰
دهک دهم	تعداد	۲	۸	۱۶	۱۶	۳۳	۴۷	۶۷	۱۷۳	۲۳۰	۷۰۴
	درصد	۰٫۲۸	۱٫۱۴	۲٫۲۷	۲٫۲۷	۴٫۶۹	۶٫۶۸	۹٫۵۲	۱۵٫۹۱	۲۴٫۵۷	۱۰۰
جمع	تعداد	۱۰۵۸	۱۰۳۱	۹۴۴	۸۷۸	۸۸۲	۸۶۴	۸۵۲	۸۱۵	۶۶۱	۸۸۵۰

جدول ۳-۲۴- توزیع خانوارهای مشترک در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دهک‌های وزنی درآمد (نقاط شهری)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	جمع
دهک اول	تعداد	۶۲۸	۲۲۲	۱۰۱	۵۴	۳۶	۱۶	۱۴	۱۵	۱۲	۱۱۲۳
	درصد	۵۵٫۹۲	۱۹٫۷۷	۸٫۹۹	۴٫۸۱	۳٫۲۱	۱٫۴۲	۱٫۲۵	۲٫۲۳	۱٫۳۴	۱۰۰
دهک دوم	تعداد	۱۹۰	۳۴۵	۲۱۹	۱۲۲	۷۱	۴۵	۳۳	۲۱	۱۱	۱۰۷۱
	درصد	۱۷٫۷۴	۳۲٫۲۱	۲۰٫۴۵	۱۱٫۳۹	۶٫۶۳	۴٫۲۰	۳٫۰۸	۱٫۳۱	۱٫۰۳	۱۰۰
دهک سوم	تعداد	۸۲	۱۸۱	۲۳۷	۱۸۳	۹۹	۶۲	۳۲	۱۳	۵	۹۳۵
	درصد	۸٫۷۷	۱۹٫۳۶	۲۵٫۳۵	۱۹٫۵۷	۱۰٫۵۹	۶٫۶۳	۳٫۴۲	۱٫۳۹	۰٫۵۳	۱۰۰
دهک چهارم	تعداد	۴۶	۹۶	۱۴۸	۱۸۳	۱۳۶	۱۰۳	۷۸	۳۵	۲۲	۸۵۷
	درصد	۵٫۳۷	۱۱٫۲۰	۱۷٫۲۷	۲۱٫۳۵	۱۵٫۸۷	۱۲٫۰۲	۹٫۱۰	۴٫۰۸	۲٫۵۷	۱۰۰
دهک پنجم	تعداد	۲۳	۴۷	۹۴	۱۳۸	۱۹۷	۱۲۵	۱۰۰	۷۲	۳۴	۸۴۷
	درصد	۲٫۷۲	۵٫۵۵	۱۱٫۱۰	۱۶٫۲۹	۲۳٫۲۶	۱۴٫۷۶	۱۱٫۸۱	۸٫۵۰	۸٫۵۰	۱۰۰
دهک ششم	تعداد	۲۰	۲۹	۶۱	۹۵	۱۳۸	۱۸۱	۱۴۸	۱۰۱	۲۷	۸۵۰
	درصد	۲٫۳۵	۳٫۴۱	۷٫۱۸	۱۱٫۱۸	۱۶٫۲۴	۲۱٫۲۹	۱۷٫۴۱	۱۱٫۸۸	۳٫۱۸	۱۰۰
دهک هفتم	تعداد	۲۶	۲۴	۳۹	۷۳	۹۳	۱۵۵	۱۹۴	۱۵۳	۴۰	۸۹۱
	درصد	۲٫۹۲	۲٫۶۹	۴٫۳۸	۸٫۱۹	۱۰٫۴۴	۱۷٫۴۰	۲۱٫۷۷	۱۷٫۱۷	۴٫۴۹	۱۰۰
دهک هشتم	تعداد	۱۷	۱۴	۳۰	۳۱	۵۴	۹۱	۱۴۹	۲۴۱	۱۵۷	۸۵۴
	درصد	۱٫۹۹	۱٫۶۴	۳٫۵۱	۳٫۶۳	۶٫۳۲	۱۰٫۶۶	۱۷٫۴۵	۲۸٫۲۲	۱۸٫۳۸	۱۰۰
دهک نهم	تعداد	۱۲	۱۳	۱۸	۱۸	۳۸	۴۸	۹۲	۱۴۲	۱۶۷	۸۱۵
	درصد	۱٫۴۷	۱٫۶۰	۲٫۲۱	۲٫۲۱	۴٫۶۶	۵٫۸۹	۱۱٫۲۹	۱۷٫۴۲	۲۰٫۴۹	۱۰۰
دهک دهم	تعداد	۶	۵	۸	۱۰	۱۷	۲۹	۴۱	۶۲	۲۹۴	۶۰۷
	درصد	۰٫۹۹	۰٫۸۲	۱٫۳۲	۱٫۶۵	۲٫۸۰	۴٫۷۸	۶٫۷۵	۱۰٫۲۱	۴۸٫۴۳	۱۰۰
جمع	تعداد	۱۰۵۰	۹۷۶	۹۵۵	۹۰۷	۸۷۹	۸۵۵	۸۸۱	۸۰۸	۶۵۳	۸۸۵۰

به منظور بررسی جابه‌جایی خانوارها در دهک‌های مختلف طی دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، جدول ۳-۲۵ متوسط هزینه سالانه هر خانوار روستایی در سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه ناخالص سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و جدول ۳-۲۶ متوسط هزینه ناخالص سالانه هر خانوار روستایی در سال ۱۳۸۹ را براساس جابه‌جایی در دهک‌های مختلف را نشان می‌دهد. سطر اول جدول ۳-۲۵ توزیع هزینه‌ی ناخالص خانوارهایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول قرار داشته‌اند و در سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جابه‌جا شده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۲۷ و ۳-۲۸ متوسط هزینه‌ی ناخالص خانوارهای مختلف در دهک‌های مختلف طی دو سال مورد بررسی را برای نقاط شهری ارائه می‌دهد. با مقایسه‌ی ستون‌های جمع چهار جدول زیر در می‌یابیم که براساس این گروه خانوارهای مشترک طی دو سال مورد بررسی، در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ دهک اول و دوم روستایی کم‌هزینه‌ترین افراد جامعه و بعد دهک اول شهری و سپس دهک سوم و چهارم روستایی کم‌هزینه‌ترین را شامل می‌شوند. همان‌طور که نتایج جداول زیر و شکل‌های ۳-۲۱ و ۳-۲۲ نشان می‌دهد قدرت خرید خانوارهای دهک‌های پایین هزینه‌ای بسیار بهبود یافته و از دهک‌های پایین به دهک‌های بالا رفته‌اند چرا که خانوارهایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول و یا دهک‌های پایین بوده‌اند در سال ۱۳۹۰ در تمامی دهک‌ها توزیع شده‌اند و بالعکس خانوارهایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک دهم و یا دهک‌های بالا بوده‌اند برخی از آن‌ها در همان دهک‌های بالا باقی مانده‌اند و بسیاری از آن‌ها به دهک‌های پایین منتقل شده‌اند که نشان از پایین آمدن قدرت خرید آن‌ها شده است که این نشان دهنده‌ی کاهش فاصله‌ی طبقاتی است. متوسط هزینه ناخالص خانوارهای دهک اول در سال ۱۳۸۹ در نقاط روستایی ۱۲،۶۴۱،۱۲۳ ریال بوده است در حالی که متوسط هزینه ناخالص خانوارهای دهک اول در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی به ۱۸،۷۶۰،۳۱۹ ریال رسیده است که نشان‌دهنده‌ی رشد ۴۸/۴ درصدی است. نتایج جدول ۳-۲۹ نشان‌دهنده‌ی بالاتر بودن نرخ رشد هزینه‌های خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ در تمام دهک‌های هزینه‌ای است. همچنین افزایش نرخ رشد هزینه‌های خانوارها در دهک‌های پایین بسیار بالاتر از دهک‌های بالا است.

جدول ۳-۳۰ نرخ رشد درآمد خانوارهای شهری و روستایی در دهک‌های وزنی درآمدی طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و تنها برای خانوارهای مشترک در آمارگیری این دو سال را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که نرخ رشد درآمد خانوارهای روستایی در دهک‌های پایین تقریباً ۱۰۰ درصد درآمد خانوارهای شهری است و در دهک‌های بالا، این نرخ رشد کم‌تر است.

جدول ۳-۲۵- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی مشترک طی دو سال متوالی براساس هزینه‌های سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	کل
دهک اول	۱۶.۸۵۱	۳۲.۴۰۶	۴۳.۰۷۹	۵۳.۰۵۹	۶۳.۸۶۱	۷۵.۵۷۱	۸۷.۵۶۲	۱۰۵.۴۶۶	۱۲۷.۵۳۳	۲۱۳.۷۴۶	۱۲.۶۴۱
دهک دوم	۲۱.۲۵۷	۳۳.۳۶۷	۴۳.۵۳۳	۵۳.۴۶۲	۶۳.۶۵۷	۷۳.۸۹۴	۸۶.۵۲۷	۱۰۳.۷۰۸	۱۳۶.۵۲۹	۲۶۲.۱۳۵	۲۴.۱۰۴
دهک سوم	۲۲.۱۸۲	۳۳.۷۵۵	۴۳.۸۹۱	۵۳.۸۹۴	۶۳.۵۸۹	۷۴.۱۴۶	۸۷.۹۹۶	۱۰۵.۷۲۹	۱۳۲.۹۹۰	۱۹۷.۴۵۳	۳۲.۲۵۸
دهک چهارم	۱۹.۴۹۰	۳۴.۰۱۴	۴۴.۰۵۶	۵۳.۷۷۷	۶۳.۴۳۶	۷۴.۲۶۵	۸۷.۴۹۳	۱۰۳.۷۷۱	۱۳۵.۹۵۸	۱۹۷.۸۵۷	۴۰.۲۱۵
دهک پنجم	۲۳.۹۲۸	۳۴.۰۱۸	۴۳.۹۸۲	۵۴.۳۱۱	۶۳.۶۴۵	۷۴.۳۴۵	۸۷.۹۲۷	۱۰۵.۵۵۰	۱۳۲.۳۵۲	۲۱۲.۴۹۵	۴۸.۸۵۱
دهک ششم	۲۰.۷۴۱	۳۲.۳۹۹	۴۴.۰۵۰	۵۳.۸۹۷	۶۴.۲۳۴	۷۵.۳۵۴	۸۷.۳۹۴	۱۰۵.۶۰۷	۱۳۳.۹۹۲	۲۲۰.۷۷۹	۵۸.۴۵۴
دهک هفتم	۲۰.۸۱۲	۳۴.۷۵۹	۴۴.۰۵۳	۵۴.۴۲۹	۶۴.۱۷۳	۷۴.۹۳۸	۸۸.۲۱۶	۱۰۶.۱۱۳	۱۳۵.۸۳۴	۲۰۹.۴۰۹	۷۰.۵۴۳
دهک هشتم	۲۱.۱۱۰	۳۳.۱۰۴	۴۵.۳۶۷	۵۴.۵۰۱	۶۴.۸۲۷	۷۴.۶۲۲	۸۷.۹۶۶	۱۰۶.۱۲۹	۱۳۵.۸۶۸	۲۲۷.۳۵۸	۸۷.۱۲۵
دهک نهم	۱۹.۵۳۴	۳۴.۳۸۴	۴۳.۸۱۴	۵۳.۶۱۸	۶۳.۶۷۹	۷۴.۵۷۵	۸۷.۹۱۸	۱۰۶.۸۳۲	۱۳۴.۶۵۱	۲۲۶.۶۵۱	۱۱۴.۴۴۱
دهک دهم	۲۳.۴۸۷	۳۴.۱۰۶	۴۳.۳۸۵	۵۵.۰۰۵	۶۴.۱۲۲	۷۵.۲۴۲	۸۸.۸۹۱	۱۰۶.۱۹۵	۱۳۷.۱۷۴	۲۵۲.۷۹۸	۲۱۰.۹۴۶
کل	۱۸.۷۶۰	۳۳.۳۹۲	۴۳.۸۵۱	۵۳.۹۴۱	۶۳.۸۸۸	۷۴.۶۶۴	۸۷.۹۱۶	۱۰۵.۸۸۸	۱۳۵.۲۵۱	۲۳۴.۰۵۴	

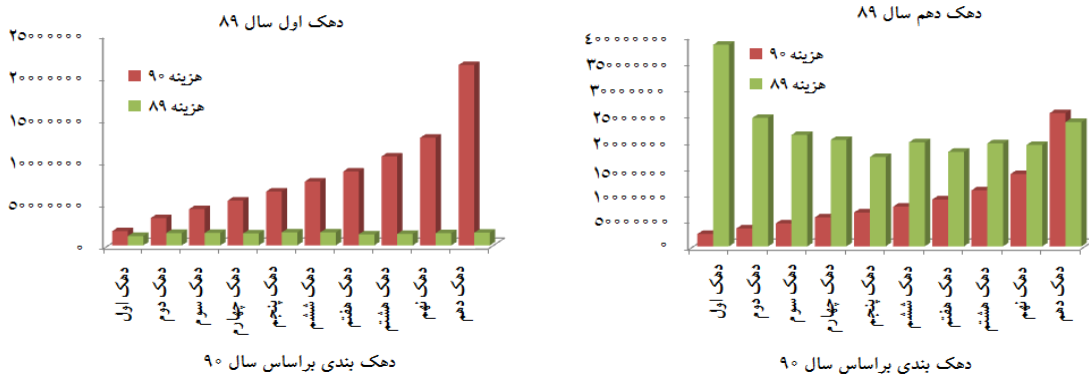
۱۳۸۱

جدول ۳-۲۶- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی مشترک طی دو سال متوالی براساس هزینه‌های سال ۱۳۸۹ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال)

۱۳۸۹											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	کل
دهک اول	۱۱.۰۷۳	۱۴.۶۶۱	۱۴.۷۲۱	۱۴.۲۰۹	۱۵.۴۲۱	۱۵.۳۷۱	۱۳.۰۷۷	۱۳.۶۵۸	۱۴.۶۰۳	۱۵.۰۶۱	۱۲.۶۴۱
دهک دوم	۲۳.۲۶۳	۲۳.۷۸۸	۲۴.۴۵۶	۲۴.۶۶۶	۲۴.۲۰۲	۲۴.۹۰۰	۲۴.۵۰۴	۲۴.۵۹۴	۲۵.۰۷۰	۲۴.۷۸۴	۲۴.۱۰۴
دهک سوم	۳۱.۹۵۸	۳۱.۹۲۰	۳۲.۱۸۲	۳۲.۶۰۱	۳۲.۲۶۳	۳۲.۴۷۵	۳۲.۵۲۴	۳۲.۰۷۱	۳۳.۲۱۹	۳۱.۸۲۶	۳۲.۲۵۸
دهک چهارم	۴۰.۳۲۱	۴۰.۰۷۳	۴۰.۰۸۲	۴۰.۴۳۷	۴۰.۱۰۷	۳۹.۹۶۷	۴۰.۲۸۸	۴۰.۲۹۵	۴۰.۲۷۵	۴۱.۰۹۵	۴۰.۲۱۵
دهک پنجم	۴۹.۴۳۰	۴۸.۵۶۵	۴۸.۱۹۸	۴۸.۴۶۴	۴۸.۹۳۵	۴۸.۸۴۳	۴۹.۲۶۹	۴۹.۷۱۱	۴۸.۹۳۵	۴۸.۹۲۶	۴۸.۸۵۱
دهک ششم	۵۷.۸۷۱	۵۸.۵۴۵	۵۷.۸۴۲	۵۸.۵۵۴	۵۸.۰۵۵	۵۸.۵۵۵	۵۸.۶۸۲	۵۸.۹۲۶	۵۸.۱۹۱	۵۹.۰۸۹	۵۸.۴۵۴
دهک هفتم	۶۹.۷۳۶	۷۰.۶۸۰	۷۰.۴۵۹	۷۰.۱۸۵	۶۹.۹۸۶	۷۰.۴۴۳	۷۰.۶۸۸	۷۰.۹۷۷	۷۰.۶۱۹	۷۰.۸۱۷	۷۰.۵۴۳
دهک هشتم	۸۵.۷۶۸	۸۶.۶۰۰	۸۷.۳۸۹	۸۶.۸۴۲	۸۵.۹۵۴	۸۷.۹۳۸	۸۶.۲۹۶	۸۷.۲۸۸	۸۷.۰۷۷	۸۸.۲۴۵	۸۷.۱۲۵
دهک نهم	۱۲۰.۷۲۵	۱۱۵.۳۰۸	۱۱۲.۹۱۷	۱۱۲.۰۴۸	۱۱۵.۰۹۸	۱۱۳.۹۰۸	۱۱۴.۷۸۳	۱۱۴.۹۶۸	۱۱۳.۲۰۵	۱۱۵.۴۵۱	۱۱۴.۴۴۱
دهک دهم	۳۸۲.۴۳۰	۲۴۳.۷۲۰	۲۱۱.۴۳۳	۲۰۱.۹۲۱	۱۶۹.۳۸۴	۱۹۷.۲۶۲	۱۷۹.۲۷۴	۱۹۵.۴۱۳	۱۹۲.۲۹۰	۲۳۵.۸۱۳	۲۱۰.۹۴۶
کل	۱۸.۷۶۰	۳۳.۳۹۲	۴۳.۸۵۱	۵۳.۹۴۱	۶۳.۸۸۸	۷۴.۶۶۴	۸۷.۹۱۶	۱۰۵.۸۸۸	۱۳۵.۲۵۱	۲۳۴.۰۵۴	

۱۳۸۱

روستایی



شکل ۳-۲۱- توزیع هزینه‌ی ناخالص خانوارهای روستایی که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول یا دهک دهم قرار داشته است و در سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جایجا شده‌اند

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

جدول ۳-۲۷- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری مشترک طی دو سال متوالی براساس هزینه‌های سال ۱۳۹۰ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال)

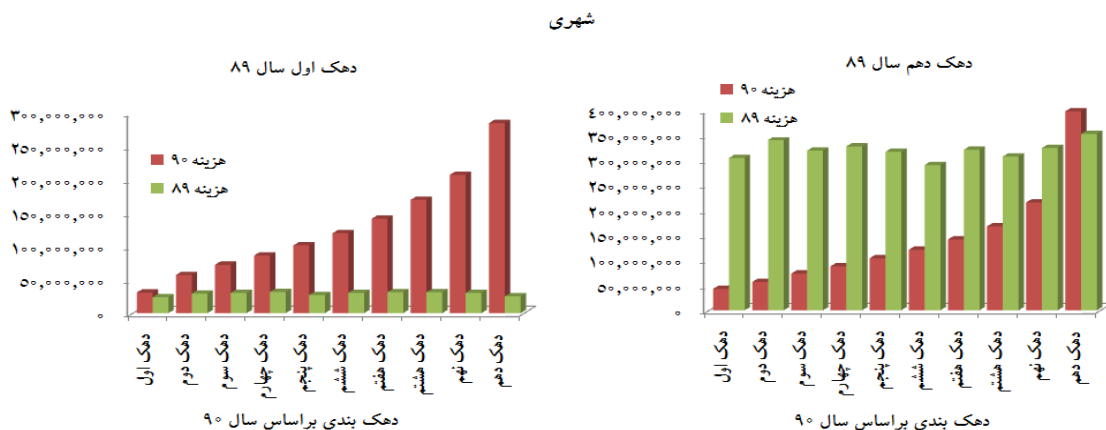
۱۳۹۰										
شرح	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	دهک	کل
دهک اول	۳۰.۷۷۷	۵۷.۰۶۲	۷۲.۴۷۴	۸۶.۲۷۶	۱۰۱.۳۶۳	۱۱۹.۵۵۰	۱۴۱.۲۵۵	۱۶۹.۵۴۳	۲۰۶.۹۷۲	۲۸۴.۴۰۲
دهک دوم	۳۹.۳۰۱	۵۶.۸۰۲	۷۲.۳۱۳	۸۶.۶۶۰	۱۰۰.۸۱۸	۱۲۱.۳۵۱	۱۴۰.۶۲۷	۱۶۵.۸۲۵	۲۰۹.۸۵۰	۳۱۱.۰۰۷
دهک سوم	۴۰.۴۷۶	۵۷.۸۹۸	۷۲.۱۷۶	۸۶.۰۷۶	۱۰۱.۸۵۱	۱۱۹.۵۸۰	۱۴۱.۰۳۱	۱۶۴.۳۲۶	۲۰۱.۴۶۳	۳۱۴.۵۱۶
دهک چهارم	۳۸.۳۱۳	۵۷.۲۵۴	۷۳.۱۹۳	۸۷.۳۶۰	۱۰۱.۸۹۹	۱۱۹.۸۱۵	۱۳۹.۹۹۷	۱۶۷.۱۷۵	۲۱۰.۴۹۶	۳۰۵.۶۲۶
دهک پنجم	۳۸.۶۴۸	۵۸.۶۳۵	۷۲.۵۶۴	۸۷.۲۵۲	۱۰۲.۱۵۶	۱۱۸.۷۵۴	۱۳۹.۲۴۲	۱۶۹.۱۴۵	۲۰۵.۲۶۶	۳۳۷.۹۵۲
دهک ششم	۳۸.۹۴۵	۵۷.۱۷۳	۷۳.۳۱۶	۸۸.۲۹۴	۱۰۱.۶۹۴	۱۲۰.۴۰۶	۱۳۹.۶۹۲	۱۶۵.۰۴۶	۲۱۰.۸۲۹	۳۴۶.۹۸۴
دهک هفتم	۴۱.۴۹۱	۶۰.۲۱۶	۷۲.۳۶۷	۸۶.۹۹۵	۱۰۲.۳۵۷	۱۲۰.۸۸۴	۱۴۰.۹۷۴	۱۶۷.۴۸۸	۲۰۶.۶۷۷	۳۱۳.۹۴۲
دهک هشتم	۴۲.۴۷۶	۵۶.۱۵۷	۷۳.۶۸۶	۸۷.۴۳۴	۱۰۳.۰۸۶	۱۲۰.۸۳۴	۱۴۱.۷۷۲	۱۶۷.۶۱۰	۲۰۸.۵۰۵	۳۲۵.۲۳۳
دهک نهم	۳۲.۷۴۰	۵۶.۲۰۹	۷۲.۱۸۸	۸۷.۸۳۳	۱۰۱.۳۴۱	۱۲۱.۱۱۰	۱۴۱.۳۲۵	۱۶۸.۱۹۰	۲۰۸.۷۱۲	۳۲۳.۸۵۱
دهک دهم	۴۲.۷۱۸	۵۶.۴۶۹	۷۳.۳۷۶	۸۷.۸۱۹	۱۰۳.۷۵۱	۱۲۰.۷۹۴	۱۴۱.۲۲۷	۱۶۷.۵۶۳	۲۱۵.۱۶۲	۳۹۷.۰۸۰
کل	۳۴.۵۵۲	۵۷.۳۸۱	۷۲.۶۳۱	۸۷.۰۸۱	۱۰۱.۹۷۸	۱۲۰.۳۰۰	۱۴۰.۷۶۸	۱۶۷.۲۸۹	۲۰۹.۶۳۲	۳۵۴.۳۵۵

۱۳۹۱

جدول ۳-۲۸- متوسط هزینه ناخالص سالانه خانوارهای شهری مشترک طی دو سال متوالی بر اساس هزینه‌های سال ۱۳۸۹ به تفکیک دهک‌های وزنی هزینه هر سال (هزار ریال)

۱۳۹۰											
شرح	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	کل
دهک اول	۲۳.۷۶۸	۲۹.۲۱۵	۳۰.۳۰۳	۳۱.۶۰۹	۲۷.۱۳۷	۳۰.۳۵۳	۳۱.۲۹۲	۳۱.۳۶۵	۳۰.۲۹۳	۲۵.۲۰۵	۲۶.۵۴۴
دهک دوم	۴۵.۳۰۸	۴۵.۸۸۱	۴۶.۰۶۴	۴۶.۰۵۸	۴۷.۶۸۶	۴۶.۱۵۵	۴۶.۰۰۵	۴۵.۸۸۰	۴۵.۲۳۳	۴۸.۶۷۲	۴۶.۰۶۰
دهک سوم	۵۷.۶۴۲	۵۸.۰۵۸	۵۸.۷۶۱	۵۹.۰۸۰	۵۸.۹۴۷	۵۹.۸۱۶	۵۸.۶۱۲	۶۰.۳۲۲	۵۸.۵۲۳	۵۹.۵۶۶	۵۸.۷۳۹
دهک چهارم	۷۰.۳۴۱	۷۰.۴۵۰	۷۱.۰۱۶	۷۰.۴۰۸	۷۱.۱۷۹	۷۱.۱۴۸	۷۰.۸۹۹	۷۱.۱۶۶	۷۲.۸۴۲	۷۰.۰۸۱	۷۰.۸۷۹
دهک پنجم	۸۳.۳۵۵	۸۴.۵۵۳	۸۳.۲۸۰	۸۳.۳۸۴	۸۳.۹۸۵	۸۴.۳۰۵	۸۴.۰۱۴	۸۴.۲۱۵	۸۴.۳۷۱	۸۶.۰۵۶	۸۴.۰۳۱
دهک ششم	۱۰۰.۲۸۳	۹۸.۹۱۳	۹۹.۴۴۳	۹۹.۴۵۲	۹۸.۵۶۶	۹۹.۳۹۸	۹۹.۱۶۸	۱۰۱.۰۷۸	۹۹.۶۰۲	۱۰۰.۴۴۱	۹۹.۵۴۹
دهک هفتم	۱۱۴.۴۶۷	۱۱۸.۸۴۹	۱۱۷.۲۱۰	۱۱۷.۴۷۷	۱۱۷.۷۹۷	۱۱۵.۷۰۱	۱۱۷.۹۲۴	۱۱۸.۶۸۶	۱۱۸.۷۹۵	۱۲۰.۴۱۹	۱۱۷.۹۰۲
دهک هشتم	۱۴۵.۱۶۳	۱۴۵.۰۶۹	۱۴۲.۴۷۳	۱۴۴.۴۲۴	۱۴۰.۶۴۰	۱۴۵.۱۵۸	۱۴۳.۴۲۳	۱۴۳.۶۰۲	۱۴۲.۴۲۳	۱۴۴.۴۲۳	۱۴۳.۴۴۵
دهک نهم	۱۹۰.۶۳۵	۱۸۹.۵۱۷	۱۸۳.۶۵۱	۱۸۴.۵۲۴	۱۸۴.۹۲۰	۱۸۲.۴۰۸	۱۸۰.۹۶۵	۱۸۶.۶۶۱	۱۸۵.۲۲۹	۱۸۶.۱۳۱	۱۸۴.۷۲۷
دهک دهم	۳۰۳.۸۴۰	۳۳۹.۸۲۷	۳۱۸.۶۹۹	۳۲۶.۹۹۴	۳۱۶.۳۰۸	۲۸۹.۸۲۳	۳۲۰.۳۶۳	۳۰۶.۹۱۲	۳۲۴.۰۶۰	۳۵۱.۹۲۶	۳۳۰.۶۷۶
کل	۳۴.۵۵۲	۵۷.۳۸۱	۷۲.۶۳۱	۸۷.۰۸۱	۱۰۱.۹۷۸	۱۲۰.۳۰۰	۱۴۰.۷۶۸	۱۶۷.۲۸۹	۲۰۹.۶۳۲	۳۵۴.۳۵۵	

۱۳۸۹



شکل ۳-۲۲- توزیع هزینه‌ی ناخالص خانوارهای شهری که در سال ۱۳۸۹ در دهک اول یا دهم قرار داشته است و در سال ۱۳۹۰ در هر یک از دهک‌های هزینه‌ای جایجا شده‌اند

جدول ۳-۲۹- متوسط هزینه ناخالص و نرخ رشد هزینه ناخالص خانوارها
در دهک‌های وزنی هزینه‌ای (هزار ریال)

شرح	شهری		روستایی	
	۱۳۸۹	۱۳۹۰	نرخ رشد	نرخ رشد
دهک اول	۲۶،۵۴۴	۳۴،۵۵۲	۳۰/۲	۴۸/۴۱
دهک دوم	۴۶،۰۶۰	۵۷،۳۸۱	۲۴/۶	۳۸/۵۳
دهک سوم	۵۸،۷۳۹	۷۲،۶۳۱	۲۳/۶	۳۵/۹۴
دهک چهارم	۷۰،۸۷۹	۸۷،۰۸۱	۲۲/۹	۳۴/۱۳
دهک پنجم	۸۴،۰۳۱	۱۰۱،۹۷۸	۲۱/۴	۳۰/۷۸
دهک ششم	۹۹،۵۴۹	۱۲۰،۳۰۰	۲۰/۸	۲۷/۷۳
دهک هفتم	۱۱۷،۹۰۲	۱۴۰،۷۶۸	۱۹/۴	۲۴/۶۳
دهک هشتم	۱۴۳،۴۴۵	۱۶۷،۲۸۹	۱۶/۶	۲۱/۵۴
دهک نهم	۱۸۴،۷۲۷	۲۰۹،۶۳۲	۱۳/۵	۱۸/۱۸
دهک دهم	۳۳۰،۶۷۶	۳۵۴،۳۵۵	۷/۲	۱۰/۹۵

جدول ۳-۳۰- متوسط درآمد و نرخ رشد درآمد خانوارها در دهک‌های وزنی درآمدی (هزار ریال)

شرح	شهری		روستایی	
	۱۳۸۹	۱۳۹۰	نرخ رشد	نرخ رشد
دهک اول	۲۳،۴۹۲	۳۳،۹۸۵	۴۴/۷	۹۰
دهک دوم	۴۳،۹۲۲	۶۰،۱۸۳	۳۷	۶۴/۶
دهک سوم	۵۸،۲۱۸	۷۶،۳۵۸	۳۱/۲	۵۶/۷
دهک چهارم	۷۰،۱۰۵	۹۰،۳۷۵	۲۸/۹	۴۹/۲
دهک پنجم	۸۱،۴۰۳	۱۰۴،۶۷۳	۲۸/۶	۴۳/۶
دهک ششم	۹۳،۴۸۲	۱۱۹،۱۰۹	۲۷/۴	۳۹/۸
دهک هفتم	۱۰۸،۷۲۶	۱۳۷،۲۱۶	۲۶/۲	۳۵/۸
دهک هشتم	۱۳۰،۱۶۲	۱۶۱،۱۸۰	۲۳/۸	۳۲/۱
دهک نهم	۱۶۵،۲۶۸	۲۰۰،۲۹۷	۲۱/۲	۲۸/۳
دهک دهم	۲۸۵،۷۸۷	۳۲۴،۸۸۱	۱۳/۷	۲۰/۴

فصل ۴

نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که در تمامی کشورهای جهان ایجاد رفاه عمومی برای عموم جامعه و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به‌طور خاص از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها می‌باشد، بنابراین دولت‌ها به منظور دستیابی به اهداف فوق، علاوه بر پرداختن به امور تأمین اجتماعی، از یارانه که یکی از ابزارهای تأمین اجتماعی است بهره می‌گیرند.

با توجه به اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ در کشور، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر اجرایی شدن این طرح بر اقتصاد خانوارها به ویژه خانوارهای فقیر (دهک‌های درامدی پایین) است که داده‌های مورد استفاده برای این بررسی، داده‌های سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران است.

در این طرح پژوهشی علاوه بر بررسی تجربه هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران و برخی کشورها از جمله هند، برزیل، فیلیپین، مصر، مالزی، کلمبیا و مالایو و ... به تحلیل داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ پرداخته شده است. نتایج بررسی به اختصار به شرح زیر است:

- متوسط هزینه‌ی کل اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی از ۶۹،۰۶۰،۲۰۵ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۸۴،۹۸۹،۹۷۵ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان دهنده‌ی متوسط رشد سالانه‌ی ۱۶ درصد طی دوره‌ی مورد بررسی است. این در حالی است که متوسط هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار روستایی از ۲۲،۴۲۲،۲۸۴ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۳۲،۲۵۱،۴۷۷ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که متوسط رشد سالانه‌ی تقریباً ۱۶٪ درصد را نشان می‌دهد. همچنین متوسط هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (داخل منزل) ناخالص یک خانوار روستایی از ۶۴۷،۹۲۱،۶۴۷ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۷۳۸،۴۹۸ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده که طی این دوره متوسط رشد سالانه‌ی ۱۴٪ درصد را نشان می‌دهد.

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

- متوسط هزینه‌ی کل اسمی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری از ۲۶۴،۰۱۰،۹۷۰ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۱۳۴،۷۴۷،۵۶۸ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان دهنده‌ی متوسط رشد سالانه‌ی ۱۱/۵ درصد طی دوره‌ی مورد بررسی است. این در حالی است که متوسط هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی ناخالص سالانه‌ی یک خانوار شهری از ۲۰،۲۶۹،۶۷۸ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۳۱،۴۹۲،۶۷۵ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است که متوسط رشد سالانه‌ی تقریباً ۱۵/۸ درصد را نشان می‌دهد. همچنین متوسط هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (داخل منزل) ناخالص یک خانوار شهری از ۷۶،۷۴۰،۵۸۶ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۱۰۳،۲۵۴،۸۹۳ ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده که طی این دوره متوسط رشد سالانه‌ی ۱۰/۴ درصد را نشان می‌دهد.
- از آن‌جا که تأثیر هدفمندی یارانه‌ها از نرخ رشد سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ به دست می‌آید، نتایج نشان می‌دهد که نرخ رشد برخی اقلام هزینه‌ای که یارانه از آن‌ها حذف شده است، از جمله غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن (۶۰ درصد در نقاط شهری و ۵۱ درصد در نقاط روستایی)، شیر و فراورده‌های آن (۳۰ درصد در نقاط شهری و ۲۷ درصد در نقاط روستایی)، آب (۱۱۵ درصد در نقاط شهری و ۸۶ درصد در نقاط روستایی)، برق (۱۱۵ درصد در نقاط شهری و ۱۲۳ درصد در نقاط روستایی)، گاز (۱۶۰ درصد در نقاط شهری و ۱۲۵ درصد در نقاط روستایی)، بسیار بالا بوده است. همچنین برخی اقلام هزینه‌ای رشد طبیعی و منطقی طی سال‌های مورد بررسی داشته‌اند ولی برخی اقلام هزینه‌ای مانند گوشت قرمز، روغن و چربی‌ها و کره، میوه و خشکبار، بهداشت و درمان، خدمات فرهنگی و تفریحات، آموزش و تحصیل و سرمایه‌گذاری رشد کمتر یا مساوی سال قبل داشته است.
- سهم هزینه‌ی ناخالص خوراکی داخل منزل و دخانی سالانه‌ی خانوارهای شهری و روستایی از کل هزینه‌های خانوار در سال ۱۳۹۰ افزایش و سهم هزینه‌های غیر خوراکی کاهش داشته است. همچنین سهم هزینه‌های نان و غلات، شیر و فراورده‌های آن، مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی افزایش یافته است و سهم هزینه‌های گوشت قرمز، بهداشت و درمان، خدمات تفریحات و فرهنگی، مبلمان و لوازم خانگی و انتقالات کاهش داشته است. سهم برخی از هزینه‌ها مانند نان و غلات، آب و سوخت و روشنایی در سال ۱۳۹۰ رشد چشم‌گیری داشته به گونه‌ای که سهم هزینه‌ی سوخت و روشنایی از هزینه‌ی کل خانوارهای شهری از ۱/۸ در سال ۱۳۸۹ به ۳/۶ در سال ۱۳۹۰ و در خانوارهای روستایی از ۳/۲ در سال ۱۳۸۹ به ۵/۹ در سال ۱۳۹۰ یعنی پس از هدفمندی یارانه‌ها رسیده است. همچنین سهم برخی دیگر از هزینه‌ها از هزینه‌ی کل مانند ماهی و میگو، روغن و چربی، میوه و خشکبار، دخانی‌ها، غذاهای آماده و آموزش و تحصیل در سال ۱۳۹۰ تغییری نداشته است.
- ضریب جینی از ۰/۳۸۱ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۳۳۹ در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی و از ۰/۳۸۴ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۳۵۷ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری کاهش یافته است. همچنین سهم هزینه ده

درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین از ۱۳/۳۰ در سال ۱۳۸۹ به ۱۱/۰۳ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و از ۱۳/۲۲ در سال ۱۳۸۹ به ۹/۷۱ در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی کاهش یافته است. همچنین سهم هزینه بیست درصد فقیرترین خانوارها از ۰/۰۵۹ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۰۶۷ در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و از ۰/۰۶۱ در سال ۱۳۸۹ به ۰/۰۷۱ در سال ۱۳۹۰ در نقاط روستایی افزایش یافته است.

- سهم مواد خوراکی و دخانی در نقاط شهری طی ۴ سال مورد بررسی افزایشی بوده اما این سهم در نقاط روستایی همواره افزایشی نبوده و در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است. بالعکس سهم هزینه‌های غیر خوراکی کاهش یافته است.

- با توجه به حذف یارانه گندم و شیر و فراورده‌های آن در اواخر سال ۱۳۸۹ به بعد، شاهد افزایش نرخ رشد این محصولات در سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۹ (۶۰ و ۳۰ درصد در نقاط شهری و ۵۱ و ۲۷ درصد در نقاط روستایی) هستیم. بنابراین علی‌رغم کاهش سهم هزینه‌های این کالاها طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ در نقاط شهری و روستایی، سهم هزینه این کالاها در سال ۱۳۹۰ رشد چشم‌گیری داشته است. اما در خصوص گوشت قرمز، با توجه به کاهش نرخ رشد گوشت قرمز در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ (۱۳ درصد در نقاط شهری و ۱۵ درصد در نقاط روستایی) نسبت به نرخ رشد سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸ (۱۹ درصد در نقاط شهری و ۲۵ درصد در نقاط روستایی) شاهد کاهش سهم هزینه‌های گوشت قرمز در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی هستیم.

- نتایج کاهش سهم هزینه پوشاک و کفش، سهم مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها، سهم بهداشت و درمان، سهم حمل و نقل، سهم خدمات فرهنگی و تفریحی، سهم آموزش، سهم غذاهای آماده، هتل و رستوران و سهم انتقالات در سال ۱۳۹۰ را نسبت به سال ۱۳۸۹ و افزایش سهم هزینه ارتباطات در نقاط شهری را نشان می‌دهد. نتایج همچنین افزایش سهم حمل و نقل و ارتباطات در نقاط روستایی و کاهش بقیه کالا و خدمات را نشان می‌دهد که بالاترین سهم مربوط به هزینه حمل و نقل با سهم تقریباً بین ۹/۵ تا ۱۰/۵ درصد است.

- نتایج کاهش سهم هزینه‌های بخش مسکن طی ۴ سال مورد بررسی در نقاط روستایی را نشان می‌دهد در حالی که در نقاط شهری این روند دیده نمی‌شود به گونه‌ای که این سهم در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ به بالاترین سهم و در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ به کم‌ترین سهم رسیده است. سهم هزینه‌های آب و فاضلاب طی سال‌های مورد بررسی در نقاط شهری و روستایی تقریباً افزایشی بوده است که با توجه به حذف یارانه آب این افزایش سهم در سال ۱۳۹۰ به طور قابل توجه است. سهم هزینه‌های سوخت و روشنایی نیز در همه‌ی سال‌های مورد بررسی غیر از سال ۱۳۸۸ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی افزایشی بوده است که با توجه به حذف یارانه سوخت نیز این افزایش سهم در سال ۱۳۹۰ به طور چشم‌گیر بوده است.

- نتایج حاکی از کاهش سهم هزینه‌های مختلف در دهک‌های بالا و افزایش سهم انواع هزینه‌ها در دهک‌های پایین است که نشان‌دهنده‌ی کاهش فاصله‌ی طبقاتی است.
- کاهش فاصله‌ی طبقاتی و افزایش قدرت خرید مردم در دهک‌های پایین برای برخی کالاها مانند غلات، نان و ...، گوشت قرمز در نقاط روستایی، روغن و چربی، آب، انتقالات، کفش و پوشاک، حمل و نقل و ... قابل توجه است ولی در مورد برخی اقلام مانند شیر و فراورده‌های آن، مواد دخانی، مسکن، میوه و خشکبار و ارتباطات، تفاوت فاحشی دیده نمی‌شود.
- نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که در برخی از هزینه‌ها مانند غذاهای آماده، هتل و رستوران‌ها و حمل و نقل نزدیک ۵۰ درصد سهم هزینه‌ها مربوط به دهک دهم است (۵۵ درصد برای نقاط شهری و ۴۰ درصد برای نقاط روستایی) ولی در مورد برخی دیگر از هزینه‌ها مانند غلات، نان، آرد، شیر، روغن و چربی‌ها، سوخت و روشنایی، خوراکی و دخانی و هزینه‌های ضروری خانوار بیش از ۱۰ تا ۲۰ درصد سهم هزینه‌ها به دهک دهم تعلق دارد و این سهم بین دهک‌ها از دهک اول به بالا با شیب ملایمی افزایشی است.
- سهم یارانه دریافتی از درآمد خانوارهای روستایی در دهک اول ۴۲ درصد و در خانوارهای شهری ۲۵ درصد بوده است که با افزایش دهک‌ها این سهم کاهش می‌یابد به‌گونه‌ای که این سهم در دهک دهم خانوارهای روستایی به ۱۰ درصد و در خانوارهای شهری به ۵ درصد می‌رسد.
- در سال ۱۳۹۰ سهم هزینه‌ی خوراکی داخل منزل و دخانی خانوارهای دهک اول روستایی نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته و به همان نسبت سهم هزینه‌ی غیر خوراکی و خوراکی خارج منزل خانوارهای دهک اول روستایی کاهش یافته است، به‌گونه‌ای که فاصله‌ی سهم هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی دهک اول در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است. همچنین در نقاط روستایی سهم هزینه‌های خوراکی داخل منزل و دخانی در تمام دهک‌ها بیشتر از سهم هزینه‌ی مسکن، آب، فاضلاب و سوخت و روشنایی است در حالی که سهم هزینه‌ی مسکن، آب، فاضلاب و سوخت و روشنایی در نقاط شهری در تمام دهک‌ها از سهم هزینه‌های خوراکی بالاتر است. همچنین سهم هزینه‌های مسکن و هزینه‌های خوراکی هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی در دهک‌های پایین بیشتر از دهک‌های بالا است، به‌گونه‌ای که سهم هزینه‌ی مسکن دهک اول خانوارهای روستایی از ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۰ درصد در دهک دهم رسیده است که این سهم در خانوارهای شهری از ۴۳ درصد در دهک اول به ۲۸ درصد در دهک دهم رسیده است.
- الگوی سهم هزینه‌های بهداشت و درمان دهک دهم در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل تغییر کرده است به‌گونه‌ای که در دهک دهم سهم این هزینه در سال‌های قبل تقریباً ۱۰ یا ۱۱ درصد بوده در حالی که در سال ۱۳۹۰ به ۸ درصد کاهش یافته و سهم هزینه‌ی دهک اول در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است.

- الگوی سهم هزینه‌های غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن در سال ۱۳۹۰ در نقاط شهری و روستایی در تمام دهک‌ها نسبت به سال‌های قبل تقریباً ۲ درصد افزایش یافته و سهم این قلم با شیب تندتری با افزایش دهک، کاهش می‌یابد.
- سهم گوشت تقریباً در تمام دهک‌ها یکسان و تقریباً ۸ درصد بوده است. سهم آب و فاضلاب در تمام دهک‌ها تقریباً یکسان است که این سهم در نقاط روستایی کمتر از یک درصد و در نقاط شهری تقریباً یک درصد است. این سهم در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است.
- الگوی هزینه‌های اسمی و حقیقی خانوارهای شهری و روستایی قبل و پس از تورمزدایی براساس قیمت ثابت سال ۱۳۸۱ در بخش‌های مختلف هزینه‌ای نشان می‌دهد که هزینه‌های اسمی اقلام مورد بررسی غیر از بهداشت و درمان طی سال‌های مورد مطالعه افزایشی است که این مسأله به دلایل افزایش نرخ تورم، طبیعی است. اما هزینه‌های حقیقی کل شهری و روستایی، هزینه‌های حقیقی خوراکی (داخل منزل) و دخانی خانوارهای روستایی و هزینه‌های غیر خوراکی شهری در سال ۱۳۹۰ یعنی پس از هدفمندی یارانه‌ها کاهش چشم‌گیری داشته است ولی هزینه‌ی خوراکی شهری، غیر خوراکی روستایی و مسکن نقاط شهری و روستایی تقریباً طی سال‌های مورد بررسی ثابت مانده است. همچنین هزینه‌های حقیقی حمل و نقل، بهداشت و درمان، پوشاک و کفش نقاط شهری و همچنین هزینه‌ی حقیقی نان و غلات نقاط روستایی در سال ۱۳۹۰ کاهش چشم‌گیری داشته است اما هزینه‌هایی مانند ارتباطات نقاط شهری و روستایی افزایش چشم‌گیری داشته است.
- شاخص انگل از ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای شهری و از ۳۶/۷ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی سیر صعودی داشته که نمایانگر نامناسب شدن وضعیت تغذیه‌ای و رفاهی خانوارهاست. افزایش سهم هزینه‌ی نان و کاهش سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج خوراکی خانوارها مبین نامناسب‌تر شدن وضع تغذیه است. نتایج نشان می‌دهد که سهم هزینه‌ی نان در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۱۹/۷۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۵/۰۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و از ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۸/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی رسیده است. همچنین سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و از ۲۲/۹۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۰/۹۸ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی رسیده است که به معنای جانسین شدن نان به جای سایر مواد غذایی در الگوی غذایی خانوارها و کاهش مصرف مواد پروتئینی که از قیمت بالائی نسبت به نان برخوردارند می‌باشد.
- شاخص انگل نسبت مخارج خوراکی به کل مخارج خانوار از ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای شهری و از ۳۶/۷ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی سیر صعودی داشته که نمایانگر نامناسب شدن وضعیت تغذیه‌ای و رفاهی خانوارهاست. افزایش سهم هزینه‌ی نان و کاهش سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج

بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها

خوراکی خانوارها مبین نامناسب‌تر شدن وضع تغذیه است. نتایج نشان می‌دهد که سهم هزینه‌ی نان در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۱۹/۷۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۵/۰۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و از ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۸/۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ در خانوارهای روستایی رسیده است. همچنین سهم هزینه‌ی گوشت قرمز در کل مخارج خوراکی خانوارهای شهری از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ و در خانوارهای روستایی از ۲۲/۹۷ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۰/۹۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است که به معنای جانشین شدن نان به جای سایر مواد غذایی در الگوی غذایی خانوارها و کاهش مصرف مواد پروتئینی که از قیمت بالایی نسبت به نان برخوردارند می‌باشد.

- مصرف نان و غلات خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۰، ۴/۸ درصد افزایش یافته ولی مصرف شیر و فراورده‌های آن تقریباً ۱۲ درصد کاهش داشته است. کمترین تغییرات اسمی در هزینه‌های خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۰ به ترتیب مربوط به گروه‌های بهداشت و درمان با ۲ درصد، پوشاک و کفش با ۳ درصد و خدمات فرهنگی و تفریحی با ۳ درصد است ولی این گروه‌ها در همین سال با تورمی به ترتیب به اندازه ۱۱/۱، ۱۵/۴ و ۱۴/۵ مواجه بوده‌اند که با این ترتیب تغییر مقادیر واقعی مصرف و یا هزینه‌ی واقعی خدمات دریافتی خانوار در این گروه از کالا و خدمات به ترتیب به ۹/۱-، ۱۲/۴- و ۱۱/۵- درصد رسیده که در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸، این مسأله دیده نشده است. لذا در سال پس از هدفمندسازی یارانه‌ها مقادیر حقیقی مصرف خانوار از هر سه گروه کالا و خدمات فوق‌الذکر به دلیل بالا بودن نرخ تورم کاهش داشته است.

- نتایج نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ درصد تغییرات مصرف گروه کالایی خوراکی‌ها در خانوارهای شهری به ترتیب با ۵/۸، ۸/۱ و ۸/۸ درصد کاهش مواجه بوده است که نشان می‌دهد سال ۱۳۹۰ به دلیل بالا بودن نرخ تورم بیشترین درصد کاهش در مقدار مصرف را به خود اختصاص داده است. هزینه‌های غیر خوراکی و خوارکی خارج از منزل در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب با ۳ درصد کاهش، ۲/۸ درصد افزایش و ۱۰/۴ درصد کاهش روبه‌رو بوده است. در گروه کالاهای غیر خوراکی نیز گروه‌های کالاها و خدمات متفرقه، حمل و نقل و پوشاک و کفش بالاترین کاهش در مقادیر مصرف کالا و خدمت و کاهش در خدمات آرایه شده را داشته‌اند که این مقادیر به ترتیب عبارتند از ۲۵/۵-، ۱۶/۳- و ۱۲/۴- تغییرات هزینه‌ی واقعی کل خانوار در این سال‌ها نسبت به سال قبل، به ترتیب با ۳/۵ درصد کاهش، ۰/۱ درصد افزایش و ۱۰/۴ درصد کاهش روبه‌رو بوده است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های قبل تغییرات مصرف خانوارهای شهری به دلیل بالا بودن تورم، کاهش یافته است و پرداخت‌های نقدی نیز کمک قابل توجهی نکرده است.

- در نقاط روستایی مصرف کل خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹، ۱۴/۵ درصد کاهش داشته است که مصارف خوراکی با ۲۳/۸ درصد کاهش و مصارف غیر خوراکی با ۶

درصد کاهش روبرو بوده است. بیشترین افزایش در مقادیر اسمی متغیرها مربوط به گروه‌های کالایی غلات، نان و آرد با ۵۱ درصد و مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی با ۳۸ درصد بوده است. از آنجا که نرخ‌های تورم این دو گروه کالا به ترتیب ۲۰ درصد و ۳۸ درصد بوده است، بنابراین مقادیر مصرف یا تغییرات واقعی در مصرف خانوارها در مورد نان و غلات ۶۹ درصد کاهش داشته و هزینه‌ی واقعی مربوط به مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی ثابت مانده است. در نقاط روستایی غیر از تغییرات مقدار مصرف گوشت قرمز، ماهی و میگو، پوشاک و کفش، ارتباطات و آموزش و تحصیلات که در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ به ترتیب ۴/۳ درصد، ۷/۱ درصد، ۴/۶ درصد، ۲۳ درصد و ۴/۷ درصد افزایش یافته است، تغییرات مصرف یا هزینه‌ی واقعی پرداخت شده برای بقیه‌ی گروه‌های کالا و خدمات خانوارها کاهش یافته است.

- سهم درآمد نقاط روستایی استان‌های مازندران و فارس با سهم تقریباً ۸/۵ تا ۱۱ درصد در تمام سال‌های مورد بررسی، بالاترین سهم، و سپس آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی، تهران، خوزستان، گیلان و اصفهان بالاترین سهم درآمد از درآمد کل نقاط روستایی با سهم تقریباً ۵ تا ۷ درصد را دارا می‌باشند. نکته قابل توجه این است که سهم درآمد نقاط روستایی تهران از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ در حال کاهش است. بالاترین سهم درآمد نقاط شهری استان‌ها از کل درآمد نقاط شهری به استان تهران با سهم ۳۷/۷۶ در سال ۱۳۸۶ و سهم ۳۱/۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰ اختصاص دارد که روند کاهشی طی چهار سال مورد بررسی را دارد. استان‌های بعدی، اصفهان با سهم تقریباً ۸ درصد، فارس، خراسان رضوی با سهم بین ۵ تا ۷ درصد، خراسان رضوی با سهم بین ۶ تا ۷ درصد و خوزستان با سهم ۴ تا ۵ درصد بالاترین سهم درآمد از کل نقاط شهری را دارا بوده‌اند.

- الگوی سهم هزینه‌های ناخالص کل هر استان از هزینه‌ی کل کشور در نقاط شهری و روستایی تقریباً روند الگوی درآمد را دربردارد.

- براساس سهم مجموع هزینه‌های ناخالص خوراکی داخل منزل و دخانی هر استان از مجموع هزینه‌های ناخالص خوراکی داخل منزل و دخانی کل کشور در نقاط روستایی، بالاترین سهم مربوط به استان‌های مازندران و فارس با سهم تقریباً ۸ درصد و کمترین سهم مربوط به قم با سهم ۰/۲۵ درصد و استان‌های سمنان، یزد و البرز و خراسان جنوبی با سهم کمتر از ۱ درصد بوده است. در نقاط شهری، بالاترین سهم در تمام سال‌های مورد بررسی مربوط به تهران با سهم ۲۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ روندی کاهشی داشته است. سپس بالاترین سهم مربوط به اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان و فارس با سهمی بین ۶ تا ۷ درصد می‌باشد و کمترین سهم مربوط به استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، خراسان شمالی و جنوبی با سهم کمتر از ۱ درصد بوده است.

- در خصوص سهم مجموع هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی و خوراکی خارج از منزل هر استان از مجموع هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی و خوراکی خارج از منزل کل کشور در خانوارهای روستایی، بالاترین سهم مربوط به استان مازندران با ۱۰/۴ درصد و فارس و خراسان رضوی به ترتیب با سهمی تقریباً ۸ و ۷ درصد جزو استان‌های با بالاترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی بوده‌اند و استان قم با ۰/۲۷ درصد کمترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی را دربردارند. در نقاط شهری نیز تهران با سهم ۳۶/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ بالاترین سهم هزینه‌های غیر خوراکی و خوراکی خارج از منزل را به خود اختصاص داده است. سپس استان‌های فارس، خراسان رضوی و اصفهان با سهمی بین ۶ و ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- در خصوص سهم مجموع هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی هر استان از مجموع هزینه‌های ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی کل کشور در نقاط روستایی، استان‌های مازندران، فارس و تهران با سهم بین ۸ تا ۹ درصد بالاترین سهم و استان تهران در نقاط شهری با ۴۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۰ بالاترین سهم هزینه‌های ناخالص مسکن، آب و سوخت و روشنایی شناخته شده است. سپس استان‌های فارس، اصفهان و خراسان رضوی با سهمی تقریباً ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.
- نتایج مدل‌بندی متغیر درآمد و هزینه به‌طور هم‌زمان با در نظر گرفتن متغیرهای کمکی و ساختار همبستگی بین استان‌ها به منظور رتبه‌بندی استان‌ها پس از هدفمندی یارانه‌ها نشان می‌دهد که هر چه سن سرپرستان خانوار بیشتر می‌شود، درآمد و هزینه‌ی خانوار کاهش می‌یابد. همچنین درآمد و هزینه‌ی خانوار برای خانوارهای با مساحت بالای زیربنای خانه، تعداد افراد بیشتر در خانوار و تعداد افراد بیشتر با درآمد خانوار، بیشتر و بالاتر است. همچنین درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست با همسر و همچنین خانوارهای دارای سرپرست بی‌همسر بر اثر فوت نسبت به خانوارهای دارای سرپرست هرگز ازدواج نکرده بالاتر است هر چند که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست با همسر از خانوارهای دارای سرپرست بی‌همسر بر اثر فوت بالاتر است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست شاغل و غیر فعال نسبت به خانوارهای دارای سرپرست بیکار بالاتر است هر چند که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای دارای سرپرست شاغل از خانوارهای دارای سرپرست غیر فعال بالاتر است. درآمد و هزینه‌ی خانوارهای مالک نسبت به خانوارهای با وضع محل سکونت رایگان یا در برابر خدمت بیشتر است در حالی که درآمد و هزینه‌ی خانوارهای مستأجر نسبت به خانوارهای با وضع محل سکونت رایگان یا در برابر خدمت کم‌تر است. درآمد و هزینه‌ی خانوارهای با سطح تحصیلات بالاتر سرپرست خانوار بیشتر از خانوارهای با سطح تحصیلات پایین‌تر سرپرست خانوار است. نتایج مدل‌بندی نشان دهنده‌ی همبستگی معنی‌دار درآمد و هزینه خانوارها و همچنین وجود ناهمگنی در درآمد و هزینه‌ی خانوارهای شهری و روستایی استان‌های مختلف است.

- نتایج مدل‌بندی متغیر درآمد و هزینه به‌طور هم‌زمان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه خانوارهای روستایی مربوط به استان‌های مازندران، تهران، البرز و قزوین و کمترین درآمد و هزینه خانوارهای روستایی مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. نتایج مربوط به خانوارهای دو دهک اول روستایی نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه در خانوارهای روستایی دو دهک اول مربوط به خانوارهای استان‌های تهران و البرز است و کمترین درآمد و هزینه در خانوارهای دو دهک اول مربوط به خانوارهای سیستان و بلوچستان و یزد است. نتایج مربوط به کل خانوارهای شهری نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه خانوارهای شهری مربوط به خانوارهای استان‌های تهران، قزوین و بندرعباس و کمترین درآمد و هزینه در خانوارهای شهری مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و خراسان جنوبی است. نتایج مربوط به خانوارهای دو دهک اول شهری نشان می‌دهد که وضع بالای درآمد و هزینه در خانوارهای دو دهک اول شهری مربوط به خانوارهای استان‌های تهران، البرز و قزوین است و کمترین درآمد و هزینه در خانوارهای دو دهک اول مربوط به خانوارهای سیستان و بلوچستان است.

مرجع‌ها

احمدی، مهدی، (۱۳۸۸). بررسی ابعاد و پیامدهای اجرایی هدفمند کردن یارانه‌ها، ماهنامه هدایت، سال نهم، شماره ۹۸.

حسین داروغه، پوریا اسدزاده، (۱۳۸۹). تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر مصرف خانوارهای مشهدی، سامانه جامع مدیریت. سایت کمیته ملی هدفمندی یارانه‌ها، (۱۳۹۱)، www.hadafmandisazi.com

مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۰.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۱). توزیع درآمد در خانوارهای شهری، روستایی و کل کشور ۹۱-۱۳۸۰.

Ahmed, A. U., Bouis, H. E., Gutner, T. and Löfgren, H. (2001). The Egyptian Food Subsidy System. Structure, Performance, and Options for Reform. Research Report 119 International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.

Attanasio, O., Gómez, L. C., Heredia, P., and Vera-Hernandez, M. (2005). The Short-Term Impact of a Conditional Cash Subsidy on Child Health and Nutrition in Colombia. London: Institute for Fiscal Studies.

Dorward, A. and Chirwa, E. (2011). The Malawi Agricultural Input Subsidy Programme: 2005-6 to 2008-91. Forthcoming (after further editing): International Journal of Agricultural Sustainability (IJAS), January (volume 9:1).

Fan, S., Gulati, A. and Thorat, S. (2007). Investment, Subsidies, and Pro-Poor Growth in Rural India. IFPRI Discussion Paper 00716.

Garcia, M. and Pinstrop-Andersen, P. (1987). The Pilot Food Price Subsidy Scheme in the Philippines: Its Impact on Income, Food Consumption, and Nutritional Status. Research Report 61, International Food Policy Research Institute.

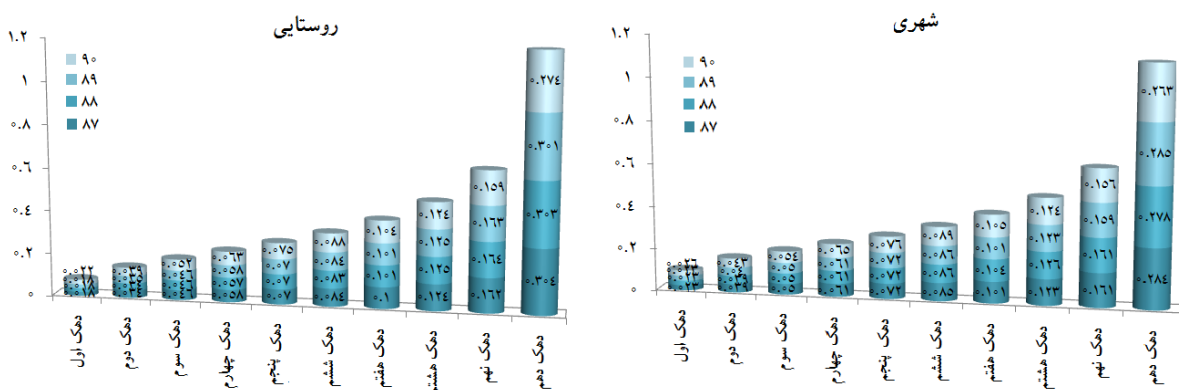
Gelman, A and Rubin, DB (1992) Inference from iterative simulation using multiple sequences, *Statistical Science*, 7, 457-511.

Guillaume, D., Zyteck, R. Farzin, M. R. (2011). Iran-The Chronicles of the Subsidy Reform. IMF Working Paper.

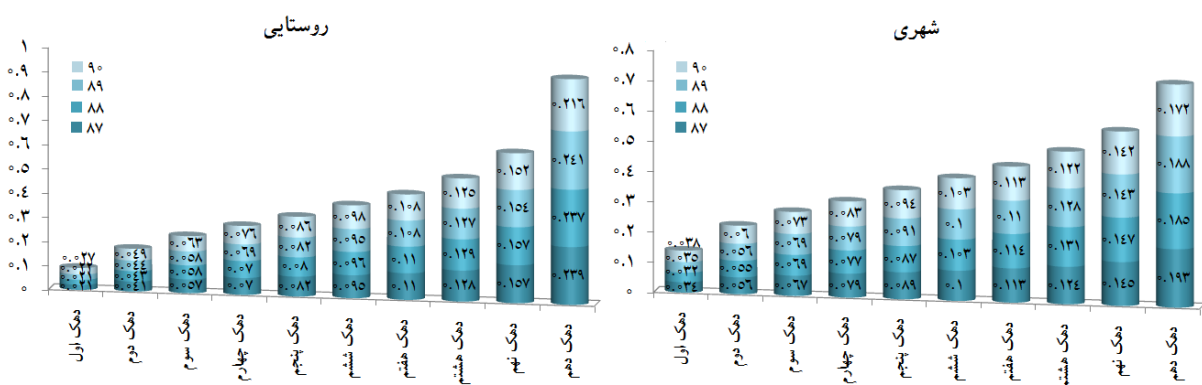
- Hamid, K. A. and Z. A. Rashid (2012). Cambodia's Electricity Sector in the Context of Regional Electricity Market Integration' in Wu, Y., X. Shi, and F. Kimura (eds.), Energy Market Integration in East Asia: Theories, Electricity Sector and Subsidies, ERIA Research Project Report 2011-17, Jakarta: ERIA, 207-252.
- Ilias, S., Lankanathan, R., and Poh, W. (2012). Low inflation, but at a high price. Malaysia CPI: Inflation and subsidy. Malaysia: Maybank IB Research.
- Korayem. K. (2013). Food Subsidy and the Social Assistance Program in Egypt; Targeting and Efficiency Assessment. Topics in Middle Eastern and African Economies. 15(1).
- Tohidy, F. and Maghsoudi, N. (2012). Targeting Subsidies Considering the Applied Models in Iran. International Journal of Business and Social Science, 3(7).

پیوست

سهم هزینه ناخالص اقلام هزینه‌ای از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

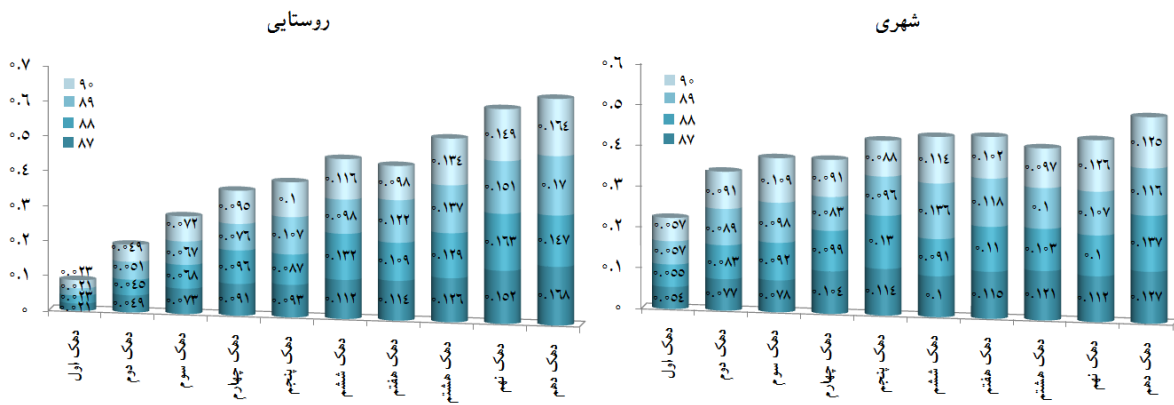


شکل ۱- سهم هزینه ناخالص از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

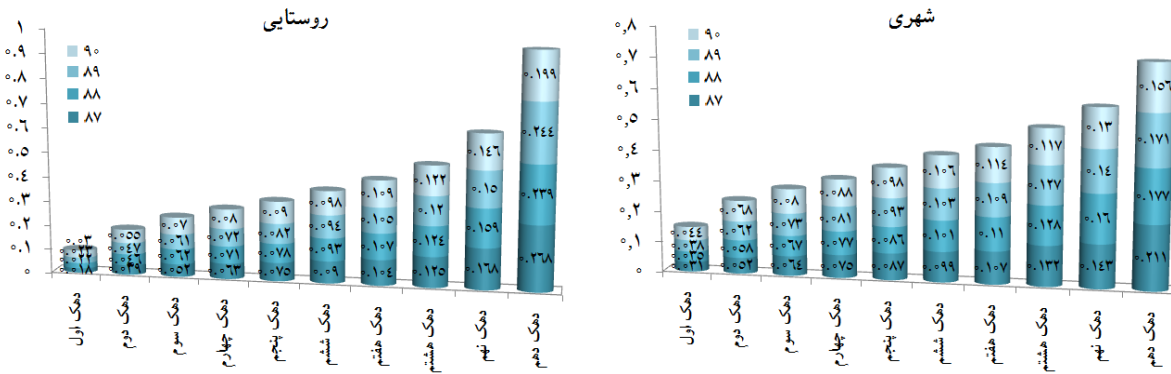


شکل ۲- سهم هزینه ناخالص خوراکی و دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

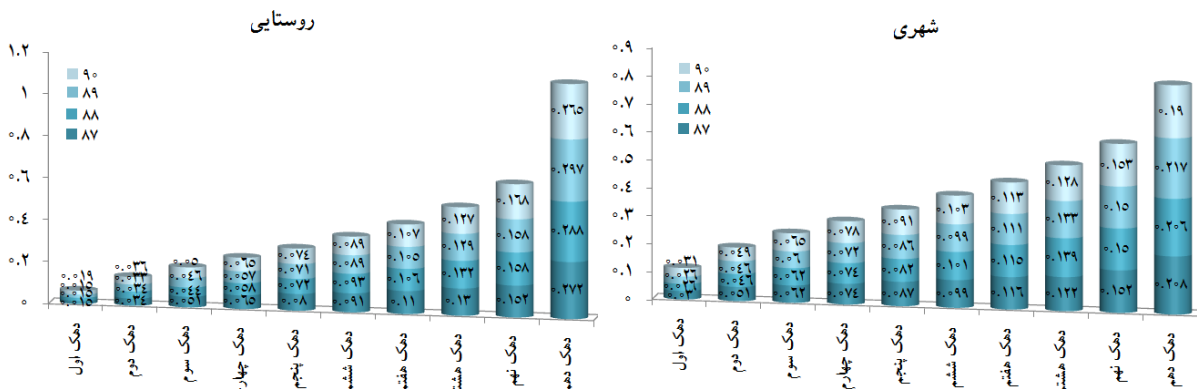
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها



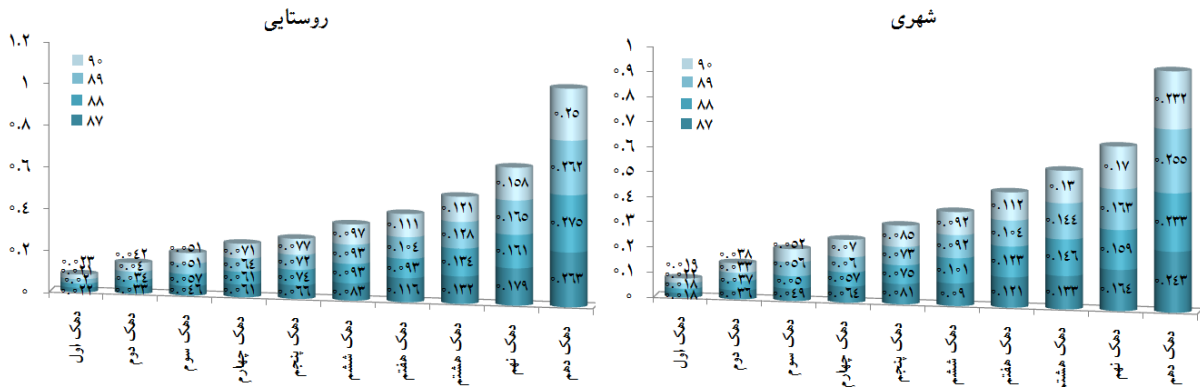
شکل ۳- سهم هزینه ناخالص دغانی از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



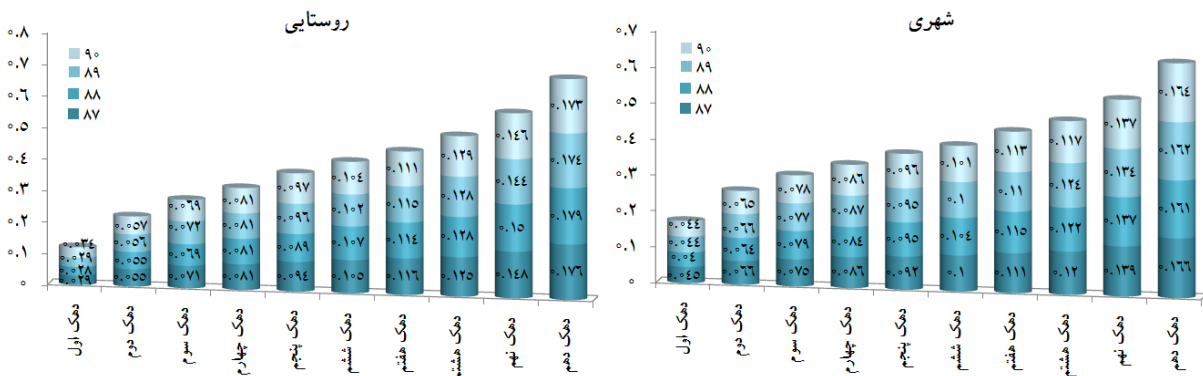
شکل ۴- سهم هزینه ناخالص غلات، نان، آرد، رشته و فرآورده‌های آن از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



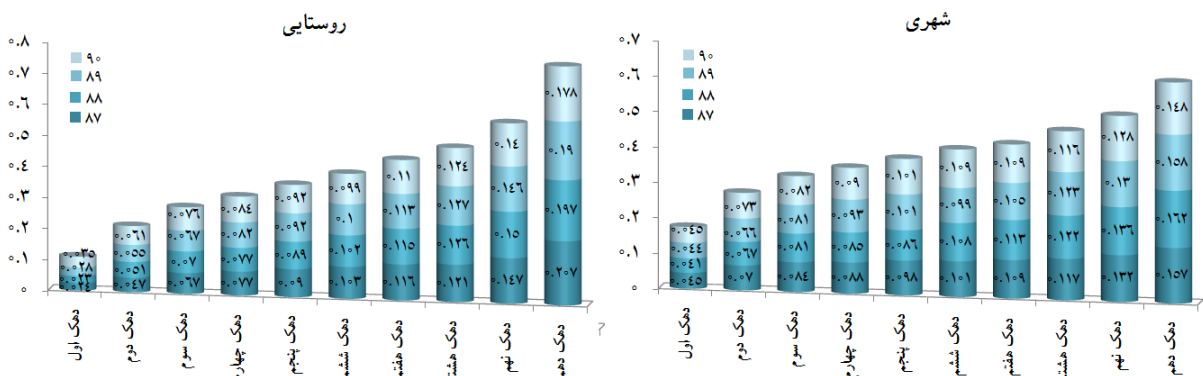
شکل ۵- سهم هزینه ناخالص گوشت قرمز هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۶- سهم هزینه ناخالص ماهی و میگو و فراورده‌های آن در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

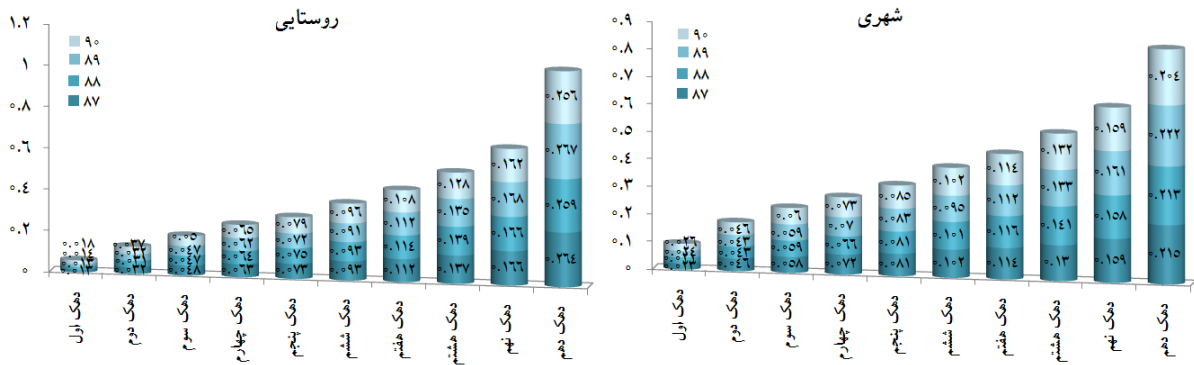


شکل ۷- سهم هزینه ناخالص شیر و فراورده‌های آن (بجز کره) و تخم پرندگان در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

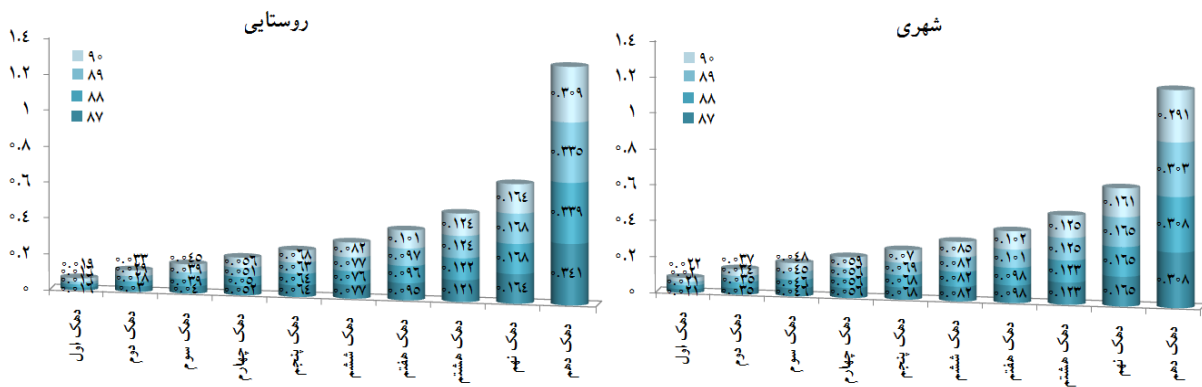


شکل ۸- سهم هزینه ناخالص روغن و چربی‌ها و کره در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

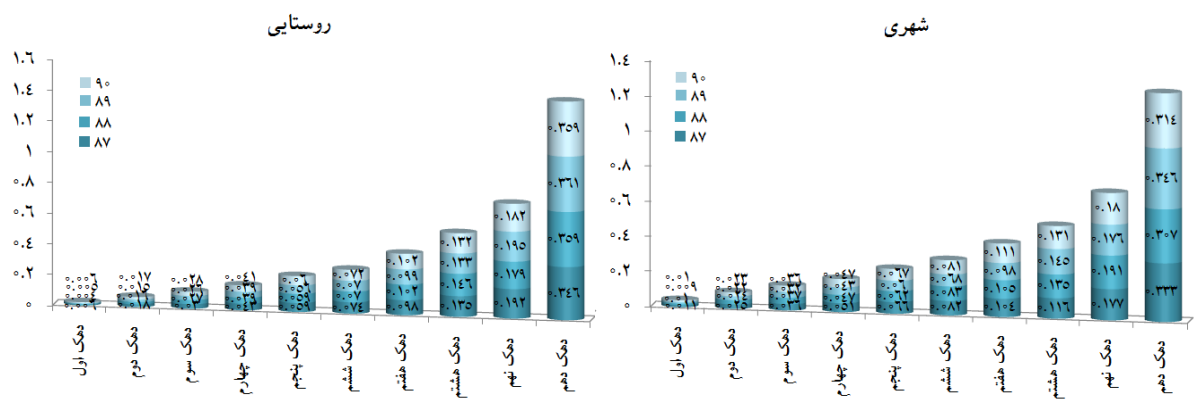
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها



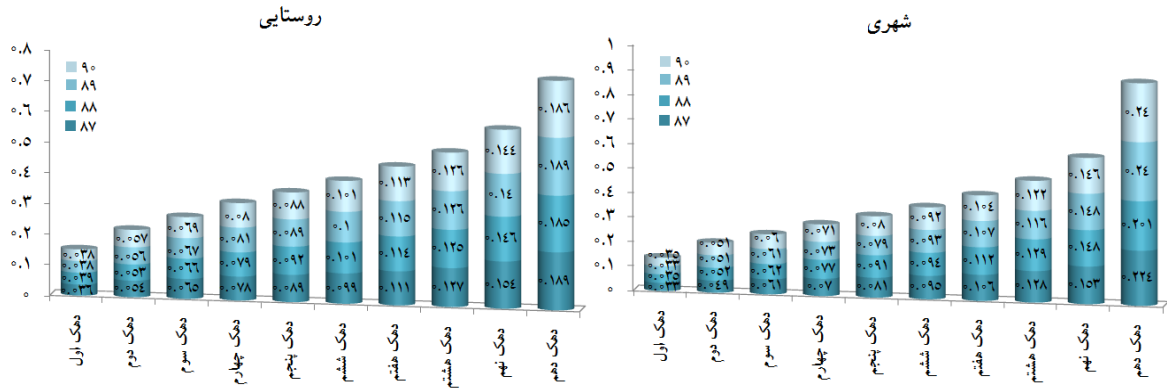
شکل ۹- سهم هزینه ناخالص میوه و خشکبار از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



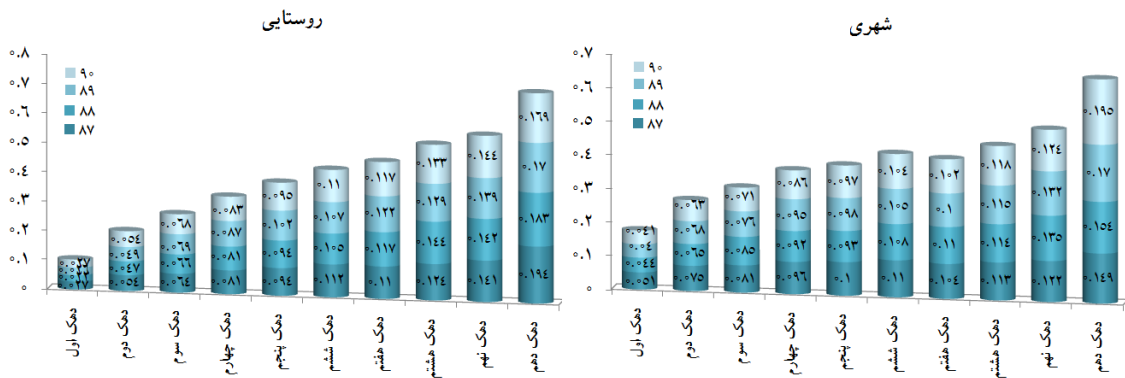
شکل ۱۰- سهم هزینه ناخالص غیر خوراکی از هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



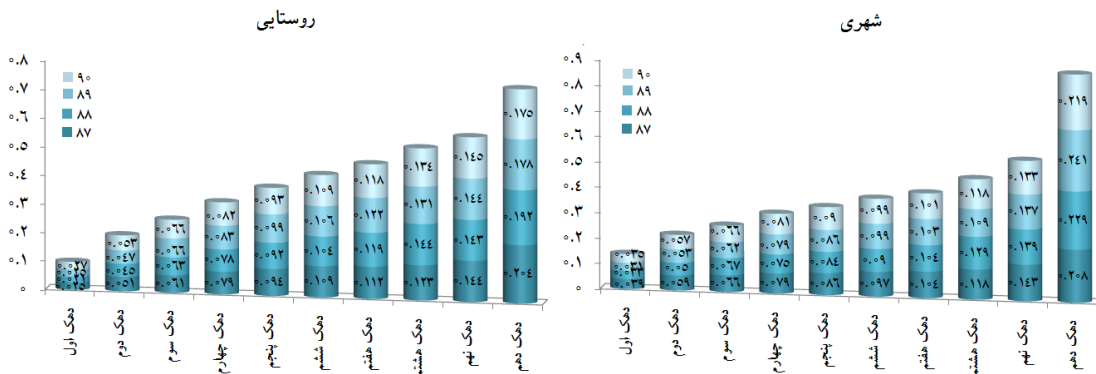
شکل ۱۱- سهم هزینه ناخالص پوشاک و کفش در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۱۲- سهم هزینه ناخالص مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

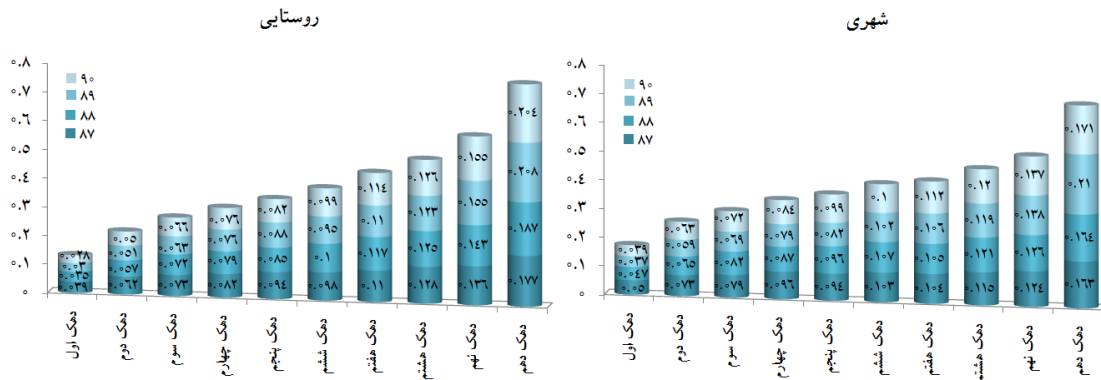


شکل ۱۳- سهم هزینه ناخالص آب در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

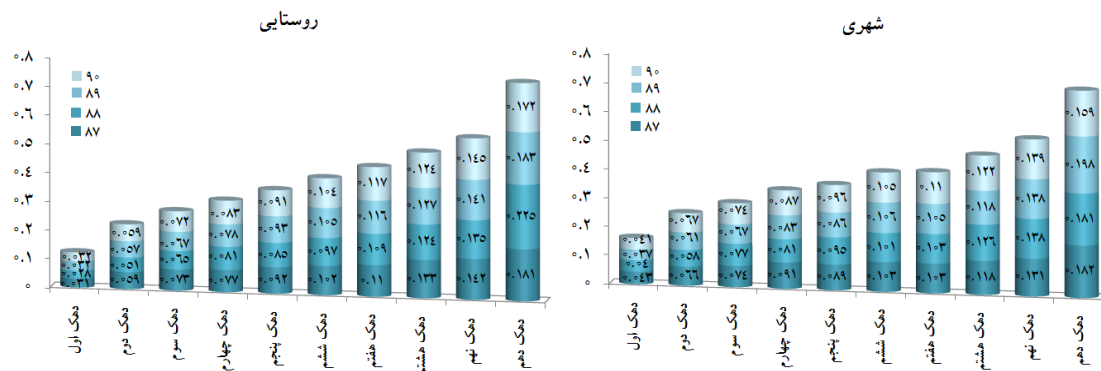


شکل ۱۴- سهم هزینه ناخالص آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

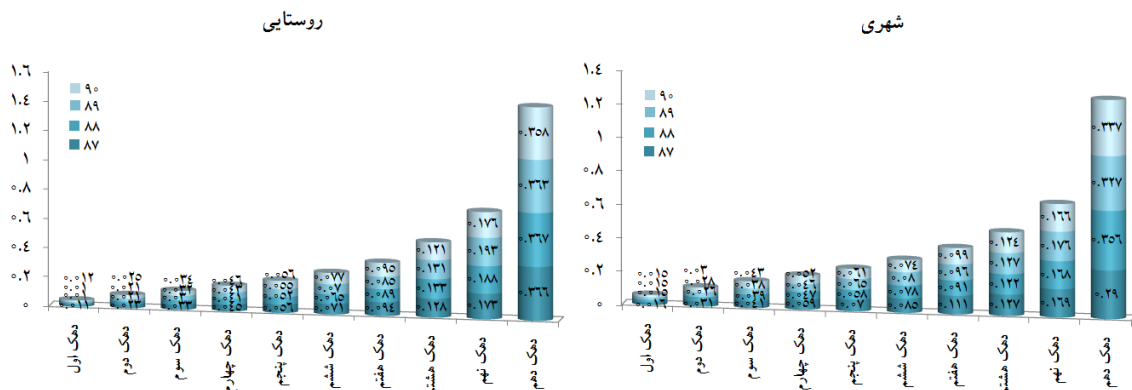
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها



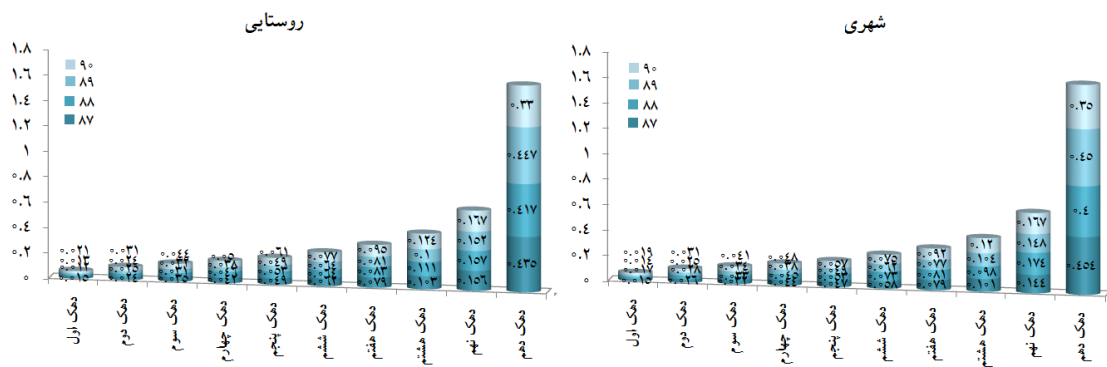
شکل ۱۵ - سهم هزینه ناخالص روشنایی و سوخت در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



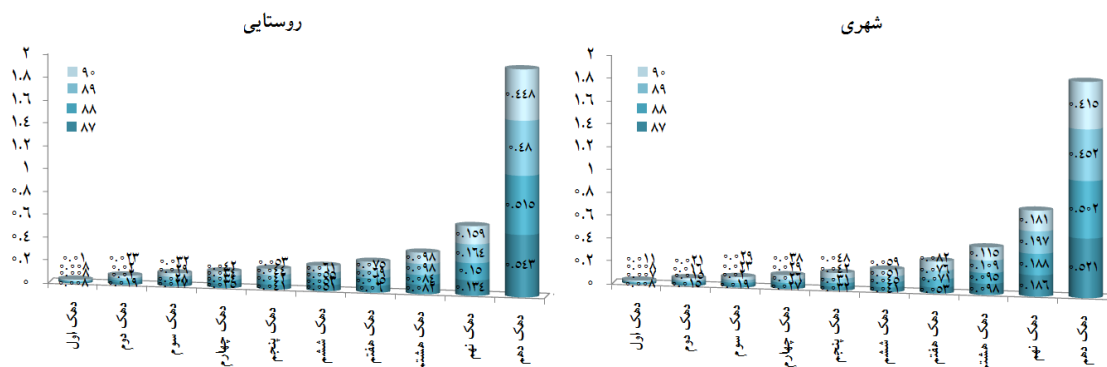
شکل ۱۶ - سهم هزینه ناخالص برق در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



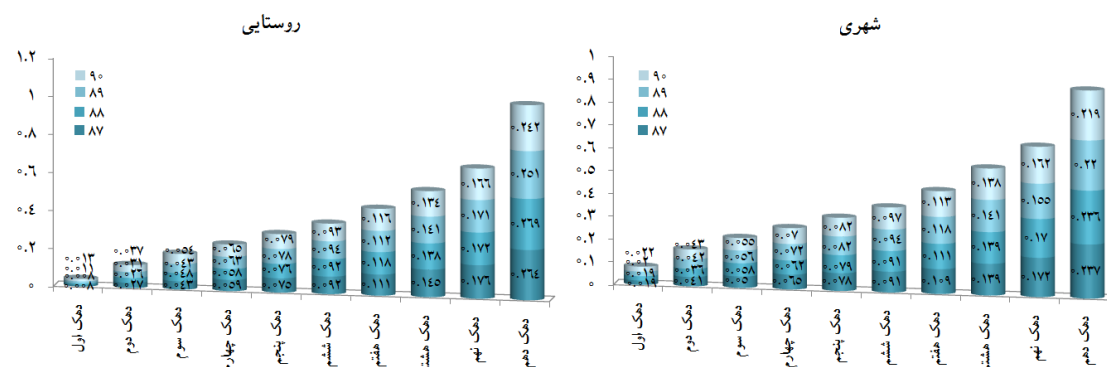
شکل ۱۷ - سهم هزینه ناخالص مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۱۸ - سهم هزینه ناخالص بهداشت و درمان در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

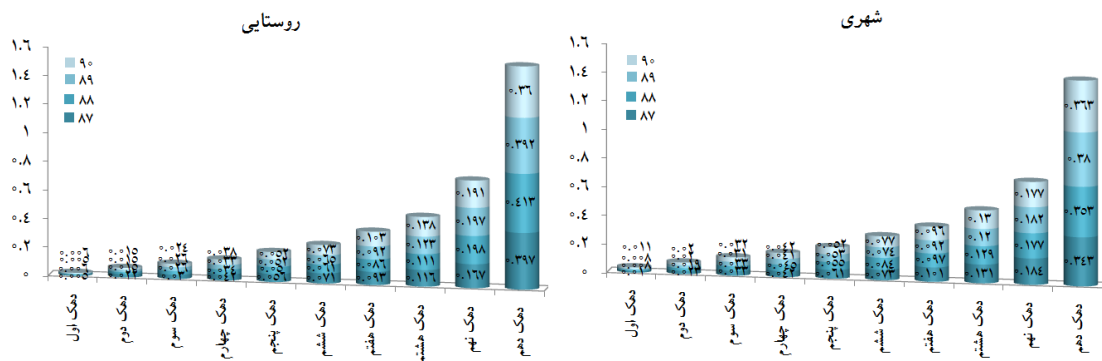


شکل ۱۹ - سهم هزینه ناخالص حمل و نقل در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

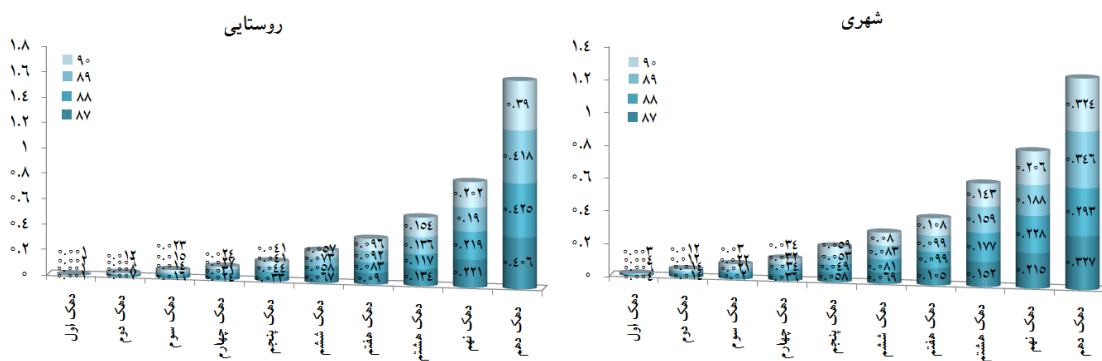


شکل ۲۰ - سهم هزینه ناخالص ارتباطات در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی

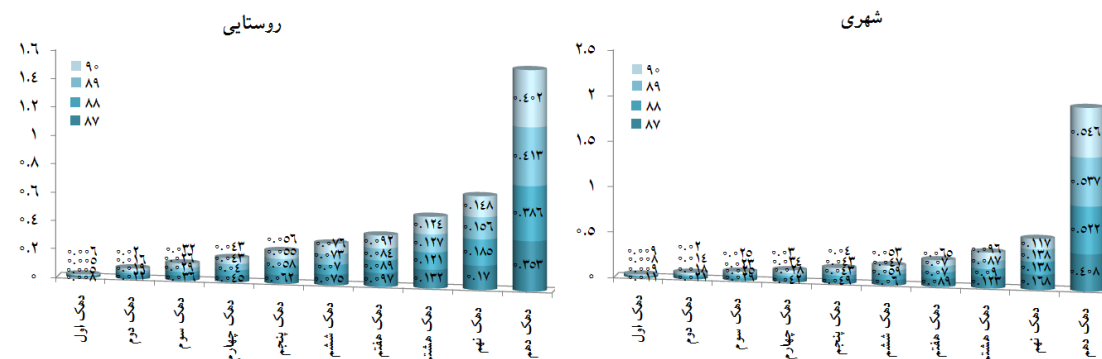
بررسی تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارها



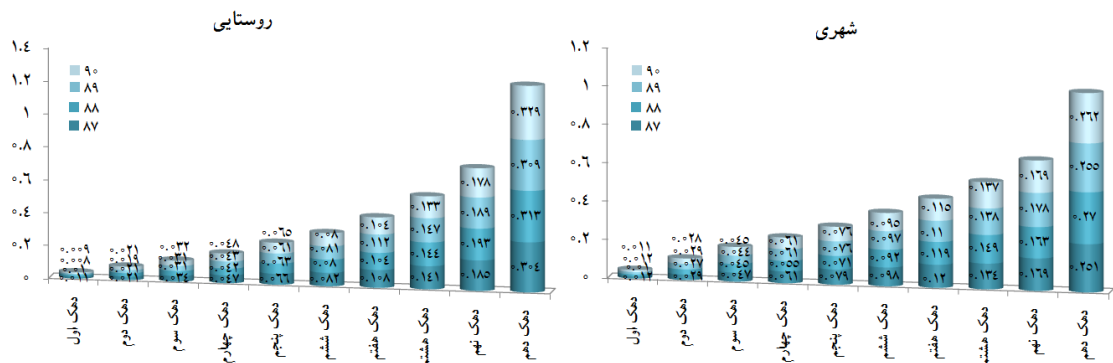
شکل ۲۱- سهم هزینه ناخالص خدمات فرهنگی و تفریحات در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



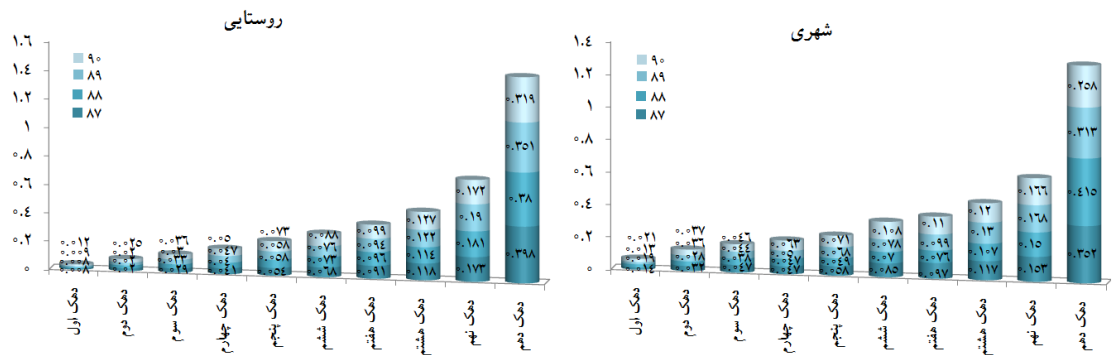
شکل ۲۲- سهم هزینه ناخالص آموزش و تحصیل در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



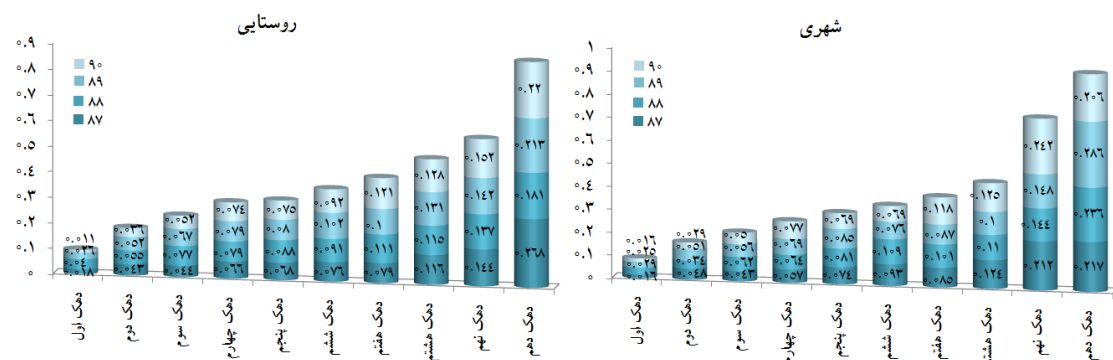
شکل ۲۳- سهم هزینه ناخالص غذاهای آماده، هتل و رستوران در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۲۴ - سهم هزینه ناخالص کالاها و خدمات متفرقه در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۲۵ - سهم هزینه ناخالص انتقالات در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی



شکل ۲۶ - سهم هزینه ناخالص سرمایه‌گذاری در هر دهک وزنی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ به تفکیک نقاط شهری و روستایی